



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



۵۰ سال تجربه مستقیم

حیات طیبه ۱

مستقیم

نمونه فرشی سخنرانی ویژه ماه مبارک رمضان
نیمه اول

مرکز سیدگی به امور مساجد، معاون انتشارات و اجتماعات
۱۳۹۷ هـ. ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شهد سخن ۱۳ : حیات طیبه (۱) (نمونه فیش سخنرانی ویژه ماه مبارک رمضان - نیمه اول ۱۴۳۷ ه ق)

نویسنده:

گروه پژوهش‌های کاربردی مرکز رسیدگی به امور مساجد

ناشر چاپی:

دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۲	شاهد سخن ۱۳ : حیاط طیبه (۱) (نمونه فیش سخنرانی ویژه ماه مبارک رمضان - نیمه اول ۱۴۳۷ ه ق)
۱۲	مشخصات کتاب
۱۲	اشاره
۱۶	فهرست
۱۹	مقدمه
۲۳	۱- فرصت های ماه مبارک رمضان
۲۳	اشاره
۲۵	ایجاد انگیزه
۲۷	متن و محتوا
۲۷	اشاره
۲۸	گروه اول: فرصت سوزها
۲۸	گروه دوم: فرصت سازها
۲۹	فرصت های ماه مبارک رمضان
۲۹	اشاره
۲۹	۱. فرصت آشتی با خدا
۳۱	۲. فرصت تقویت اراده و تصمیم گیری
۳۳	۳. فرصت برنامه ریزی و ایجاد نظم
۳۵	۴. فرصت پیوند با ولایت
۳۹	۲- راز محبوبیت در قلوب دیگران
۳۹	اشاره
۴۱	ایجاد انگیزه
۴۳	رازهای محبوبیت در قلوب دیگران
۴۳	الف) عنایت و لطف الهی

۴۵	ب) زندگی مؤمنانه و داشتن سبک زندگی اسلامی
۴۹	ج) محبت و مهرورزی به دیگران
۵۰	د) احسان و خدمت به دیگران
۵۳	۳- اهمیت و آثار یاد مرگ
۵۳	اشاره
۵۵	ایجاد انگیزه
۵۷	متن و محتوا
۵۷	آثار یاد مرگ
۵۷	اشاره
۵۷	۱. خشکاندن ریشه غفلت
۵۸	۲. بی میل شدن به دنیا
۵۹	۳. کوتاه شدن آرزوها
۶۲	۴. انگیزه سازی برای انجام اعمال صالح
۶۴	۵. افزایش آستانه تحمل در رفتاری ها
۶۷	۴- اهمیت حفظ آبروی مؤمن
۶۷	اشاره
۶۹	ایجاد انگیزه
۷۱	متن و محتوا
۷۱	اشاره
۷۱	الف) حفظ آبروی خود
۷۳	ب) حفظ آبروی دیگران
۸۱	۵- عوامل غفلت از حسابرسی قیامت
۸۱	اشاره
۸۳	ایجاد انگیزه
۸۴	متن و محتوا
۸۶	دل بستگی افراطی به دنیا

۸۹	آرزوهای طولانی
۹۲	لقمه حرام
۹۵	۶- آثار تقوا در زندگی
۹۵	اشاره
۹۷	ایجاد انگیزه
۹۸	متن و محتوا
۹۹	آثار و برکات تقوا
۹۹	بصیرت افزایی
۱۰۱	غلبه بر مشکلات و سختی ها
۱۰۳	گشایش در رزق و روزی
۱۰۶	مصونیت از گناه و معصیت
۱۱۱	۷- پیامدها و عواقب اسراف
۱۱۱	اشاره
۱۱۳	ایجاد انگیزه
۱۱۴	متن و محتوا
۱۱۶	پیامدها و عواقب اسراف
۱۱۶	۱. زوال نعمت و کم برکتی در روزی
۱۱۸	۲- فقر و تنگدستی
۱۲۰	۳- وابستگی اقتصادی و سیاسی به بیگانگان
۱۲۳	۴- دوری از رحمت خدا و چشیدن عذاب الهی
۱۲۷	۸- شاهدان اعمال
۱۲۷	اشاره
۱۲۹	ایجاد انگیزه
۱۳۰	متن و محتوا
۱۳۰	اشاره
۱۳۰	۱. خداوند متعال

- ۲- فرشتگان ۱۳۳
- ۳- اعضاء و جوارح ۱۳۵
- ۴- زمین ۱۳۵
- ۵- زمان ۱۳۶
- ۶- پیامبر و امامان (علیهم) ۱۳۶
- ۹- اهمیت حق الناس در اسلام ۱۴۳
- اشاره ۱۴۳
- ایجاد انگیزه ۱۴۵
- متن و محتوا ۱۴۷
- مصادیق حق الناس ۱۴۹
- اشاره ۱۴۹
۱. تضعیف بیت المال ۱۵۰
۲. تصرف غیر شرعی در اموال یتیمان ۱۵۱
۳. نپرداختن قرض ۱۵۲
۴. عدم پرداخت خمس ۱۵۴
- ۵- حقوق غیرمادی ۱۵۵
- ۱۰- امتیازات حضرت خدیجه (سلام الله علیها) ۱۵۹
- اشاره ۱۵۹
- ایجاد انگیزه ۱۶۱
- متن و محتوا ۱۶۲
- امتیازات ویژه حضرت خدیجه (علیها السلام) ۱۶۳
- اشاره ۱۶۳
۱. نسل پاک حضرت خدیجه (علیها السلام) ۱۶۳
- ۲- سلام خاص خداوند بر ایشان ۱۶۶
- ۳- الگوی ایثار در اقتصادی مقاومتی ۱۶۸
- ۴- نگاه ویژه پیامبر (صلی الله علیه و آله) به ایشان ۱۶۹

۱۷۵	۱۱- ویژگی های یاران امام زمان (عج)
۱۷۵	اشاره
۱۷۷	ایجاد انگیزه
۱۷۹	متن و محتوا
۱۸۰	ویژگی های یاران حضرت مهدی (عج)
۱۸۰	۱. دوستی و محبت دوطرفه با خدا و بنده
۱۸۳	۲. متواضع در برابر مؤمنان و سرسخت در برابر دشمنان
۱۸۵	۳. جهادگران راه خدا
۱۸۸	۴. شجاع و خستگی ناپذیر
۱۹۱	۱۲- عواقب عهد و پیمان شکنی با خدا
۱۹۱	اشاره
۱۹۳	ایجاد انگیزه
۱۹۴	متن و محتوا
۱۹۶	پیامدهای پیمان شکنی با خدا
۱۹۶	۱- از دست رفتن اعتبار انسان نزد دوست و دشمن
۱۹۹	۲- مبتلا شدن به نفاق و دورویی
۲۰۰	۳- مورد نفرین خدا واقع شدن
۲۰۱	۴- خسران ابدی و عذاب اخروی
۲۰۷	۱۳- آثار و برکات استغفار
۲۰۷	اشاره
۲۰۹	ایجاد انگیزه
۲۱۰	متن و محتوا
۲۱۱	آثار و برکات استغفار
۲۱۱	اشاره
۲۱۱	۱. افزایش روزی و حل مشکلات اقتصادی
۲۱۴	۲- مایه امان از عذاب

- ۲۱۵ ۳- رفع غم و گرفتاری ها
- ۲۱۶ وسیله آموزش بندگان
- ۲۱۸ ۴- نجات از قرض و پرداخت بدهی
- ۲۱۹ رسیدن به درجات بالای معنوی
- ۲۲۳ ۱۴- شاخصه های خانواده مطلوب از منظر اسلام
- ۲۲۳ اشاره
- ۲۲۵ ایجاد انگیزه
- ۲۲۶ متن و محتوا
- ۲۲۷ شاخصه های خانواده مطلوب از نظر اسلام
- ۲۲۷ اشاره
- ۲۲۷ ۱- رعایت حدود الهی
- ۲۳۰ ۲. رعایت حقوق همدیگر
- ۲۳۰ اشاره
- ۲۳۰ الف) حقوق زنان
- ۲۳۰ ب) حقوق مردان
- ۲۳۱ ج) حقوق فرزندان
- ۲۳۲ د) حقوق والدین
- ۲۳۴ تربیت نسل صالح
- ۲۳۹ ۱۵- آثار و برکات انفاق
- ۲۳۹ اشاره
- ۲۴۱ ایجاد انگیزه
- ۲۴۳ متن و محتوا
- ۲۴۳ آثار و برکات انفاق
- ۲۴۳ اشاره
- ۲۴۴ الف) آثار دنیوی
- ۲۴۴ ۱. افزایش رزق و روزی

۲۴۷ ----- ۲- تعادل اقتصادی بین قشرهای مختلف

۲۴۹ ----- ۳- آرامش روحی و روانی

۲۵۱ ----- ب: آثار اخروی انفاق

۲۵۱ ----- ۱. آمرزش گناهان

۲۵۲ ----- ۲- خیر و سعادت ابدی

۲۵۴ ----- درباره مرکز

شهد سخن ۱۳: حیات طیبه (۱) (نمونه فیش سخنرانی ویژه ماه مبارک رمضان – نیمه اول ۱۴۳۷ ه ق)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: شهد سخن ۱۳: حیات طیبه (۱) (نمونه فیش سخنرانی ویژه ماه مبارک رمضان – نیمه اول ۱۴۳۷ ه ق) / دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد

مشخصات نشر: دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد اردیبهشت ماه ۱۳۹۵ ه ش

مشخصات ظاهری: ۲۴۱ ص

زبان: فارسی

موضوع: ماه رمضان

موضوع: یاد مرگ - قیامت

موضوع: تقوی - یاد امام زمان

موضوع: استغفار - انفاق

ص: ۱

اشاره

شهد سخن ۱۳

حیاط طیبه (۱)

(نمونه فیش سخنرانی ویژه ماه مبارک رمضان - نیمه اول ۱۴۳۷ ه ق)

ص: ۳

عنوان و نام پدیدآور: شهد سخن ۱۳ : حیاط طیبه (۱) (نمونه فیش سخنرانی ویژه ماه مبارک رمضان - نیمه اول ۱۴۳۷ ه ق) /
دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد

مشخصات نشر: دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد اردیبهشت ماه ۱۳۹۵ ه ش

مشخصات ظاهری: ۲۴۱ ص

زبان: فارسی

موضوع: ماه رمضان

موضوع: یاد مرگ - قیامت

موضوع: تقوی - یاد امام زمان

موضوع: استغفار - انفاق

ص: ۴



فهرست

- ۱ ♦ فرصت‌های ماه مبارک رمضان ۱۱
- ۲ ♦ راز محبوبیت در قلوب دیگران ۲۷
- ۳ ♦ اهمیت و آثار یاد مرگ ۴۱
- ۴ ♦ اهمیت حفظ آبروی مؤمن ۵۵
- ۵ ♦ عوامل غفلت از حسابرسی قیامت ۶۹
- ۶ ♦ آثار تقوا در زندگی ۸۳
- ۷ ♦ پیامدها و عواقب اسراف ۹۹
- ۸ ♦ شاهدان اعمال ۱۱۵
- ۹ ♦ اهمیت حق الناس در اسلام ۱۳۱
- ۱۰ ♦ امتیازات حضرت خدیجه علیها السلام ۱۴۷
- ۱۱ ♦ ویژگی‌های یاران امام زمان علیه السلام ۱۶۳
- ۱۲ ♦ عواقب بدعهدی و پیمان شکنی با خدا ۱۷۹
- ۱۳ ♦ آثار و برکات استغفار ۱۹۵
- ۱۴ ♦ شاخصه‌های خانواده مطلوب از منظر اسلام ۲۱۱

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم):

لَوْ يَعْلَمُ الْعَبْدُ مَا فِي رَمَضَانَ لَوَدَّ أَنْ يُكُونَ رَمَضَانَ السَّنَةَ

اگر بنده خدا می دانست که ماه رمضان چیست (چه برکتی وجود دارد) دوست می داشت که تمام سال، رمضان باشد.

بحار الانوار (ط-بیروت) ج ۹۳، ص ۳۴۶، ح ۱۲

ماه مبارک رمضان، با شوکتی شگرف، به روی مشتاقان خدا، آغوش می گشاید و با هلال محرابی اش، هلهله اهل پارسایی و پروا می انگیزد. در ماه مبارک رمضان، می توان ذخایر درون را غنی ساخت و ریزش های نفسانی را با رویش های سبز « صبر» و «صلوه» جبران نمود. چرا که لغزشگاه ها، آنگاه رخ می نمایند که کاهش ذخایر نفسانی توان حرکت های پیش رونده را از رهروان سلب گردانند. گویا با تشریح روزه برای اهل ایمان، پرودگار مهربان اراده فرموده که هر سال با انباشت ذخایر نوین معنوی، از توان سیر و سلوک در صراط مستقیم کاسته نشده و با امداد از روشنایی

ص: ۷

روزه، فانوس فطرت پایدار بماند. روزه، آموزه‌هایی دارد که هر کدام از آنها دریایی از معنویت را به اوج می‌رساند.

رمضان، افزون بر اعطای فرصت خودسازی، مراقبت از نفس را برای روزه‌داران ملکه نموده و با کاستن تعلقات دنیایی، نورانیت و بصیرتی را به دنبال می‌آورد که می‌توان با نگاهی الهی، اعمال گذشته را واکاوی نمود و به زشتی و زیبایی آنها با دیده انصاف نگریسته و حراستی قوی را در وجود خود پدید آورد.

این برکات، آن‌گاه بیشتر رخ می‌نماید و ماندگار می‌گردد که مرغ جان ما به پناه‌گاه امن و آرام مسجد پناه ببرد و در میان خیل اراده‌های پولادین و دل‌های زلال اهل ایمان، زمزمه مناجات بگیریم.

آری این حقیقتی انکارناشدنی است که رمضان و مسجد پیوندی عمیق و دیرینه دارند و همزمان با فرارسیدن رمضان، مساجد ضیافتی از همدلی، صمیمیت و بندگی را به نمایش می‌گذارند و آیین‌های عبادی، پررنگ‌تر و پرشورتر از قبل تجلی می‌یابند.

فرصتی بس گران‌بها که خدای تبارک ابتداء در اختیار تک‌تک مؤمنان و میهمانان ضیافت خویش و سپس برای مبلغان و پرچمداران هدایت جامعه قرار داده است و همان‌طور که در رجب و شعبان می‌بایست زنگار دل بگیریم و خود را مهیای نشستن بر خوان کرامت الهی کنیم، بر اهل علم و منبر و عظم‌هم فرض است که خویش را مهیای هدایت و بهره‌برداری حداکثری از فضای بی‌بدیل ماه ضیافت الهی نمایند.

آنچه در این ایام و لیالی بیش از هر زمان دیگری مورد تقاضا و

درخواست مخاطبان مؤمن منابر و محافل مذهبی است، سلسله مباحث معرفتی، اخلاقی و معنوی است که برگرفته از آیات، روایات و سیره معصومین (علیهم السلام) می باشد و بتواند با قالبی نو و با بیانی رسا و ارائه ای دلنشین، آرام بخش دل و جان روزه داران و چراغ راه جویندگان علم و معرفت باشد.

مرکز رسیدگی به امور مساجد در راستای رسالت خود در ارائه خدمات فرهنگی و تبلیغی به ائمه جماعات استان تهران، مجموعه ای از منشورات و محتواهای سودمند را به مناسبت ماه مبارک رمضان تدارک دیده است و این اثر حلقه ای از سلسله محتوایی است که مباحث گوناگون را با بهره گیری از قلمی شیوا و اثرگذار تألیف و گردآوری نموده است.

ضمن سپاس از تلاش ها و زحمات نویسندگان و محققین ارجمند و همکاران گرانقدر در اداره تولید و تأمین محتوای معاونت فرهنگی، امیدواریم این اثر، در نگاه شما گرامیان به ویژه ائمه محترم جماعات مقبول افتاده و پیشنهادات و نظرات ارزشمند خویش را از خادمان خویش در معاونت فرهنگی اجتماعی مرکز دریغ نفرمایید.

جعلنا الله من عامری مساجد الله

مرکز رسیدگی به امور مساجد

معاونت فرهنگی - اجتماعی

۱- فرصت های ماه مبارک رمضان

اشاره

ص: ۱۱

«شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ»

(دعای ابو حمزه ثمالی)

مناسبت: اولین روز ماه رمضان

ایجاد انگیزه

ایجاد انگیزه (۱)

دنیا میدان مسابقه است. خداوند متعال در چند آیه از قرآن کریم، هدف از خلقت انسان را تلاش برای موفقیت در این مسابقه اعلام کرده است: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلِغَكُمْ إِلَىٰ أَسْمَاءٍ مَّا خَلَقْتُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا (۲)؛ آن کسی که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می کنید.»

در این مسابقه ما عضو تیم ملی عالم خلقت هستیم. خداوند این مسابقه را اداره می کند و شرایط مسابقه را هم او تعیین می نماید. زمان در این مسابقه بسیار مهم و محدود و غیر قابل برگشت است. لحظات آخر این مسابقه در آیات متعددی به تصویر

ص: ۱۳

۱- . روش ابهامی.

۲- . ملک/۲.

کشده شده است: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ(۱)»؛ (آن ها همچنان به راه غلط خود ادامه می دهند) تا زمانی که مرگ یکی از آنان فرا رسد می گوید: پروردگار من! مرا باز گردانید! شاید در آنچه ترک کردم (و کوتاهی نمودم) عمل صالحی انجام دهم (به او می گویند) چنین نیست، این سخنی است که او به زبان می گوید (و اگر باز گردد برنامه اش همچون سابق است) و پشت سر آن ها برزخی است تا روزی که برانگیخته می شوند.»

ای که دست می رسد کاری بکن

پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار

اما یک فرصت مناسب با شرایط استثنایی برای سبقت گرفت در این میدان مسابقه، فرصت ماه مبارک رمضان است.

امام حسن (علیه السلام) در روزهای پایانی ماه مبارک رمضان از کنار جماعتی که مشغول خنده و شوخی بودند عبور کردند، حضرت با ناراحتی به آن ها فرمود: « خدا ماه رمضان را میدان مسابقه بندگان قرار داده است. دسته ای گوی سبقت می ربایند و پیروز می شوند و تعدادی هم از دیگران عقب می مانند و سرافکنده می شوند.

عجیب است در روزی که پیشی گیرندگان پیروز شده اند و عقب ماندگان زیانکار گردیده اند، جمعی به شوخی و خنده مشغولند.

ص: ۱۴

به خدا سوگند اگر پرده در افتد، امروز نیکوکار، مشغول پاداش خود و عقب افتاده، گرفتار بدی های خود است و برای احدی فرصتی جهت شوخی و لهو و لعب باقی نمی ماند.» (۱)

این دهان بستی دهانی باز شد

تا خورنده لقمه های راز شد

لب فروبند از طعام و از شراب

سوی خوان آسمانی کن شتاب

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره فرصت رمضان می فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ ... شَهْرٌ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ أَفْضَلُ الشُّهُورِ وَأَيَّامُهُ أَفْضَلُ الْأَيَّامِ وَلَيْلِيهِ أَفْضَلُ اللَّيَالِي وَ سَاعَاتُهُ أَفْضَلُ السَّاعَاتِ (۲)؛ ای مردم! ماه خدا به سوی شما رو آورده است... ماهی که در نزد خدا بهترین ماه ها است و روزهای آن بهترین روزها و شب هایش بهترین شب ها و ساعت هایش بهترین ساعت هاست.»

امام سجاد (علیه السلام) اینچنین درک فرصت ماه مبارک رمضان را از خداوند درخواست می کند: «اللَّهُمَّنا مَعْرِفَةَ فَضْلِهِ وَ إِجْلَالَ حُرْمَتِهِ (۳)؛ خدایا! به ما توفیق معرفت فضیلت ماه رمضان و تکریم و تجلیل از این ماه را عنایت کن!»

متن و محتوا

اشاره

انسان ها در مسابقات زندگی به دو گروه تقسیم می شوند:

ص: ۱۵

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۴.

۲- امالی صدوق، ص ۹۳.

۳- صحیفه سجادیه، دعای ۴۴.

گروه اول: فرصت سوزها

برخی افراد دائماً کار امروز را به فردا و کار فردا را به روزهای بعد می اندازند. در روایات اسلامی، از این موضوع با عنوان (تسويف) یاد شده است. امير مؤمنان (عليه السلام) در نامه ای به یکی از یارانش می نویسد: «فَتَدَارِكُ مَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِكَ وَلَا تَقُولُ عَمْدًا أَوْ بَعِيدًا فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ بِإِقَامَتِهِمْ عَلَى الْأَمَانِيِّ وَالتَّسْوِيفِ حَتَّى أَتَاهُمْ أَمْرُ اللَّهِ بَعْتَهُ وَهُمْ غَافِلُونَ(۱)؛ باقیمانده عمرت را تدارک کن و نگو فردا و پس فردا. همانا پیش از تو، کسانی هلاک شدند که روی آرزوهـا و تـأخـیـر انـداخـتن کارها توقف کردند، تا ناگهان امر خدا فرا رسید در حالی که آنان غافل بودند.»

همچنین امام باقر (عليه السلام) می فرماید: «إِيَّاكَ وَالتَّسْوِيفَ فَإِنَّهُ بَحْرٌ يَغْرُقُ فِيهِ الْهَلَكِيُّ(۲)؛ از به تاخیر انداختن کار بپرهیز؛ زیرا دریایی است که هلاک شدگان، در آن غرق می شوند.»

گروه دوم: فرصت سازها

کسانی که از موقعیت های زندگی به بهترین شکل برای رشد و پرورش خودشان استفاده می کنند، حتی تهدیدهای زندگی را به فرصت مناسب تبدیل می کنند و بیشترین بهره را می برند.

حضرت آیت الله سبحانی کتاب ارزشمندی به نام «رمز پیروزی مردان بزرگ» تالیف نموده اند. این کتاب خصوصاً برای جوان ها بسیار مناسب است. در این کتاب یکی از مهمترین عوامل

ص: ۱۶

۱- . کافی، ج ۲، ص ۱۳۶.

۲- . تحف العقول عن آل الرسول (صلی الله علیه و آله)؛ ص ۲۸۵.

موفقیت واقعی آدم های بزرگ «استفاده درست و بهینه از وقت» معرفی شده است. در کتاب آمده: دکتر «بورنی» زبان فرانسوی و ایتالیایی را در طی رفتن به اداره و بازگشت از آن یاد گرفت؛ فقیه علم و ادب مرحوم «مدرس خیابانی» یکی از آثار گران بهای خود را که درباره مترادفات زبان فارسی می باشد، هنگام صرف صبحانه نوشته است؛ البته افراط و تفریط اصلاً مناسب نیست. زیرا بدن نیاز به استراحت و تفریح دارد؛ اما نباید همیشه مشغول تفریح و سرگرمی شد.

فرصت های ماه مبارک رمضان

اشاره

در ماه رمضان فرصت ها استثنایی وجود دارد که از آن ها به عنوان فرصت های طلایی می توان یاد کرد. کسی در این ماه مبارک به موفقیت می رسد که این فرصت ها را بشناسد و بهتر از وقتش استفاده کند. برخی از آن فرصت ها عبارتند از:

۱. فرصت آشتی با خدا

رمضان، ماه آشتی با خداوند است. البته همیشه درهای رحمت الهی و توبه او همواره به روی انسان باز است: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ وَ أُنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَ أَسْلِمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَن يُأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ (۱)؛ ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد و به

ص: ۱۷

درگاه پروردگارتان باز گردید، و در برابر او تسلیم شوید، پیش از آنکه عذاب به سراغ شما آید، سپس از سوی هیچ کس یاری نشوید.»

فرصت استثنایی ماه رمضان این است که هرکسی قهر بوده، زمینه و سرایشی آشتی با خدا در سر او قرار داده می شود و خوشا به حال کسانی که در این فرصت با خدا آشتی می کند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در خطبه شعبانیه می فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ فِي هَذَا الشَّهْرِ مُفْتَحَةٌ فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ أَنْ لَمَّا يُغْلَقَهَا عَلَيْكُمْ وَأَبْوَابَ النَّيِّرَانِ مُغْلَقَةٌ فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ أَنْ لَمَّا يُسَلِّطَهَا عَلَيْكُمْ (۱)؛ ای مردم! در این ماه درهای بهشت به روی شما باز است؛ از خدا بخواهید که آن ها را به رویتان نبندد و درهای جهنم بسته شده؛ از پروردگارتان طلب کنید تا آن ها را به رویتان باز نکند و شیاطین در زنجیرند؛ از خدایتان بخواهید تا آن ها دوباره بر شما تسلط نیابند.»

همچنین ایشان می فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَنْفُسَكُمْ مَرْهُونَةٌ بِأَعْمَالِكُمْ فَكُفُّوها بِاسْتِغْفَارِكُمْ وَظُهُورُكُمْ ثَقِيلَةٌ مِنْ أَوْزَارِكُمْ فَخَفِّفُوا عَنْهَا بِطُولِ سُجُودِكُمْ (۲)؛ ای مردم! نفس شما گرو کردار شماست. آن را به استغفار رها کنید، دوش شما از گناهان شما بار سنگینی دارد، به طول سجود، آن را سبک کنید.»

ممکن است در این ماه غفران الهی شامل همه افراد بشود؛ اما بعضی از افراد فرصت سوز هستند. حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در

ص: ۱۸

۱- . امالی صدوق، ص ۹۵.

۲- . همان، ص ۹۴.

مورد این افراد می فرمایند: «فَإِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ حُرِمَ غُفْرَانَ اللَّهِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ؛ (۱) شقی کسی است که در این ماه بزرگ از مغفرت خداوندی محروم بماند.»

آری ماه رمضان، ماه آشتی با خدا است و اگر کسی به هر دلیلی، ارتباطش با خدا کمرنگ شده، در ماه رمضان این فرصت طلایی را از دست ندهد.

خدا می داند که چه تعداد از انسان ها در این ماه با خدا آشتی کرده و آمرزیده شده اند.

۲. فرصت تقویت اراده و تصمیم گیری

یکی از مشکلاتی که در جامعه امروز وجود دارد، «ضعف اراده و تصمیم گیری» است؛ گاهی برخی افراد می گویند: «من می دانم بد اخلاق هستم؛ اما نمی توانم بر بد خلقی ام غلبه کنم، من نباید اعتیاد داشته باشم، نباید ناسزا بگویم، نمی توانم و نمی شود.» گاهی افراد برای گرفتاری های مختلف اظهار ضعف اراده می کنند.

ماه رمضان، ماه تقویت اراده است؛ یکی از نیازهای کاملاً طبیعی و اولیه انسان یعنی غذا و آب هست. ما به این ها بسیار نیازمندیم؛ اما در این ماه، تمرین نخوردن و نیاشامیدن می کنیم؛ حتی یک نوجوان یا بچه های کم سن و سال خصوصاً در این هوای گرم نزدیک به ۱۴ یا ۱۵ ساعت تحمل می کنند. کسی که سیگار را با سیگار روشن می کرده، اکنون ۱۴ تا ۱۵ ساعت خودش را کنترل

ص: ۱۹

می کند، این تقویت اراده است و این فرصت طلایی است که در اختیار انسان ها است.

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه شریفه: «وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ»، فرمودند: صبر، همان روزه است.»^(۱)

آن حضرت در روایت دیگری فرمودند: «الصَّوْمُ جُنَّةٌ مِنَ آفَاتِ الدُّنْيَا وَ حِجَابٌ مِنَ عَذَابِ الْآخِرَةِ»^(۲)؛ روزه سپری است از آفت های دنیا و پرده ای است از عذاب آخرت.»

روزی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) به همراه اصحابش از بیابانی عبور می کردند، آن حضرت به اصحاب فرمودند: «توقّف کنید»، توقّف کردند. سپس ایشان فرمودند: «الآن یک کسی به ما می رسد، از کنار ما عبور می کند، که سه روز است شیطان بر او نفوذ نکرده و بر او راه نیافته است.» تمام چشم ها به بیابان دوخته شد. یک وقت دیدند، یک عرب لاغر اندام، چشم ها به گودی افتاده، دارد با یک شتر نحیفی می آید، هنگامی که نزدیک اصحاب رسید، پرسید: پیغمبر کیست؟ گفتند: ایشان. و حضرت را به او معرفی کردند. عرض کرد: یا رسول الله! سه روز است تصمیم گرفته ام بیایم مسلمان شوم، سه روز است تصمیم گرفته ام، شرک و بت پرستی را کنار بگذارم، لذا در به در دنبال شما می گردم تا بیایم مدینه، حالا شما را توی این بیابان ها یافتم. شهادتین گفت و عرض کرد: آقا جان! چه کنم؟ فرمود: نمازت را بخوان، ماه رمضان روزه بگیر، حج بیت الله را یکبار در عمرت اگر مستطیع

ص: ۲۰

۱- . تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۴۴.

۲- . مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۷، ص ۳۶۹.

شده به جای آور، زکات اموالت را بده، مالت را پاک نگهدار. این ها وظایفی است که به گردن تو است.»

عرض کرد: یا رسول الله (صلی الله علیه و آله)! همین ها من را بس است. سپس خداحافظی کرد و رفت. حضرت هم به راهشان ادامه دادند. بعد از مدتی که راه رفتند، پیامبر ایستادند و فرمودند: «بر گردید، این شخص از دنیا رفت.» اصحاب علت آن را پرسیدند، حضرت فرمود: «شترش توی یک چاله و گودالی گیرد کرد و او از روی شتر سقوط کرد، به سنگ بزرگی برخورد کرد و در دم جان داد.»

نبی مکرم اصحاب را آوردند، کنار بدن این شخص خیمه زدند و فرمودند: «کسی وارد نشود.» بدن را داخل خیمه بردند، غسل دادند و کفن کردند. یکی از یاران می گوید: وقتی پیامبر آمد بیرون، دیدیم از تمام پیشانی اش عرق می ریزد.

سؤال کردیم یا رسول الله (صلی الله علیه و آله)! چه شده است؟ فرمود: «آنقدر فرشته آمده بود تا با او سلام و درود بدهد و با یک دنیا سلام و تحیت وارد بهشت شد.» (۱)

این تصمیم و اراده واقعی است که در این ماه رمضان تقویت می شود.

۳. فرصت برنامه ریزی و ایجاد نظم

یکی دیگر از مشکلاتی که در زندگی همه ما وجود دارد، «عدم برنامه ریزی و نظم» است؛ ماه رمضان، دو ورود و خروج منظم دارد که همه، آن را رعایت می کنند. ورود به ماه و خروج از ماه.

در ایام سحرهای این ماه، مشغول خوردن غذا می شوی، یک

ص: ۲۱

دفعه کنار می گذاری، می گویی اذان شد، و یا از تشنگی به خودت می پیچی؛ اما آب نمی خوری و می گویی باید افطار شود.

بیایم توی این ماه برنامه ویژه داشته باشیم، حضرت امام (ره)، توجه ویژه ای نسبت به ماه رمضان داشته و بدین جهت، ملاقات هایشان را در ماه رمضان تعطیل می کردند و به دعا و تلاوت قرآن و... می پرداختند. «(۱)

از جمله برنامه های ویژه حضرت امام (ره)، در ماه مبارک رمضان، عبادت و تهجد بود. یکی از محافظان بیت می گوید در یکی از شب های ماه مبارک رمضان، نیمه شب، برای انجام کاری مجبور شدم از جلوی اتاق امام گذر کنم. حین عبور، متوجه شدم که امام، زار زار گریه می کردند! حق هق گریه امام که در فضا پیچیده بود، واقعا مرا تحت تاثیر قرار داد که چگونه امام، در آن موقع. از شب، با خدای خویش راز و نیاز می کند. (۲)

در این وادی ار رفته باشی دمی

و ز این باده گر خورده باشی کمی

بدانی که منظور و مقصود چیست

عبادت چه و قرب معبود چیست

به گفته ساکنان بیت حضرت امام خمینی (ره)، آخرین ماه رمضان دوران زندگی امام، از ماه مبارک رمضان های دیگر متفاوت بود! به این صورت که امام، همیشه، برای خشک کردن اشک چشم شان دستمالی را همراه داشتند، ولی در آن ماه مبارک رمضان، حوله ای را نیز همراه بر می داشتند تا به هنگام نمازهای

ص: ۲۲

۱- . پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۲۸۶.

۲- . هزار و یک نکته، حسین دیلمی، نکته ۱۰۴؛ جلوه ای از خورشید، ص ۹۰.

نیمه شب شان، از آن استفاده کنند! (۱)

امام خمینی (ره)، توجه خاصی به قرآن داشتند، به طوری که روزی، هفت بار قرآن می خواندند! و در ماه رمضان یکی از همراهان امام در نجف، اظهار می کرد که امام خمینی، در ماه مبارک رمضان، هر روز، ده جزء قرآن می خواندند؛ یعنی، در هر سه روز، یک بار قرآن را ختم می کند (۲)

چه خوب است که زندگی ما نیز همین گونه باشد؛ سحرخیزی ما سر وقت انجام شود؛ نماز اول وقتمان روی نظم باشد. برنامه خانوادگی ما هم روی نظم باشد. در رمضان با این فرصت طلایی می توان برنامه ریزی و نظم را در زندگی گسترش داد.

۴. فرصت پیوند با ولایت

ماه مبارک رمضان فرصت های مناسبی برای پیوند و تقویت ارتباط با اهل بیت (علیهم) وجود دارد؛ چرا که تمام اعمال ما در گرو محبت و ارتباط با آن بزرگواران است. زراره از امام باقر (علیه السلام) نقل کرده که آن حضرت فرمودند: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ؛ اسلام بر پنج چیز بنا شده است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت.»

زراره پرسید: کدام یک از این پنج پایه برتر است؟ فرمودند: «الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهُنَّ وَالْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِنَّ (۳)؛ ولایت اهل بیت (علیهم) افضل است؛ زیرا ولایت کلید بقیه اعمال و برنامه های اسلام است و با راهنمایی ولی [راستین] بقیه

ص: ۲۳

۱- برداشت هایی از سیره امام خمینی (ره)، ج ۳، ص ۱۲۶.

۲- همان.

۳- کافی، ج ۲، ص ۱۸.

موارد به جای آورده می شود.»

در دعای روز بیست و پنجم ماه مبارک رمضان برای تکمیل عبادات خود از درگاه ربوبی خواستار تقویت محبت اهل بیت (علیهم السلام) بوده، آرزو می کنیم که از دوستان آن اولیاء الهی باشیم. «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مُحِبًّا لِأَوْلِيَائِكَ وَ مُعَادِيًّا لِأَعْدَائِكَ مُسَدِّدًا بِسُنَّةِ خَاتَمِ أَنْبِيَائِكَ؛ خداوند! مرا از دوستان اولیاء خودت و از مخالفین دشمنانت و از رهروان راه و روش خاتم پیامبرانت (صلی الله علیه و آله) قرار بده!»

مؤمنان در شب های احیای ماه رمضان، اسامی ائمه (علیهم) را بر زبان جاری می کنند، در مجالس می نشینند، روضه می شنوند و اشک می ریزند؛ این بهترین فرصتی است که می توان خود را به اهل بیت (علیهم) نزدیک کرد. ماه رمضان ماه امام زمان (عج) است.

اینکه در شب اول ماه رمضان، نیمه ماه رمضان، آخر ماه رمضان و در شب های قدر، زیارت امام حسین (علیه السلام) مستحب است و در روایات آمده که هر کس در ماه رمضان به زیارت امام حسین (علیه السلام) برود، گویا با همه انبیا مصافحه کرده است، این همان پیوند با ولایت است.

شهید مطهری (ره) ارادت ویژه ای به مرحوم علامه طباطبایی (ره) داشت: وقتی علت را از او پرسیدند در جواب گفت: علامه طباطبایی (ره) صفات برجسته ای دارد، یکی از آن ها این است که ایشان هر افطار می آمد، اول ضریح حضرت معصومه (علیها السلام) را می بوسید، بعد می رفت منزل و افطار می کرد، در تمام روزهای ماه رمضان دیدم، علامه افطارش را با بوسه به ضریح حضرت معصومه (علیها السلام) قرار می داد. (۱)

ص: ۲۴

۲- راز محبوبیت در قلوب دیگران

اشاره

ص: ۲۷

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (۱)

ایجاد انگیزه

ایجاد انگیزه (۲)

خداوند حکیم روزی های خود را از جهات مختلفی در بین مردم تقسیم می کند. به برخی افراد سیمای زیبا می دهد؛ به برخی از افراد صورت زیبا؛ به افرادی صدای زیبا و به برخی از افراد مال و ثروت و به برخی از افراد پست و مقام والا می دهد. در روزی های معنوی نیز این شیوه رواج دارد. یعنی به افرادی یک فضیلت اخلاقی داده می شود؛ برخی از اشخاص هم از فضیلت های دیگری بهره مند می گردند.

امام علی (علیه السلام) در خطبه همام با اشاره با این اصل، می فرماید: «فَقَسَمَ بَيْنَهُمْ مَعَايِشَهُمْ وَ وَضَعَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا مَوَاضِعَهُمْ» (۲)؛ روزی بندگان را تقسیم و هر کدام را در جایگاه خویش قرار داد.

یکی از روزی هایی که بین مردم تقسیم می شود و داشتن این

ص: ۲۹

۱- .مریم/ ۹۶.

۲- . روش ابهام و تعریف از مطلب.

۳- . نهج البلاغه، ص ۳۰۳. (خطبه متقین)

روزی انسان را از عزت نفس بالا-تری برخوردار می کند و بر عکس، اگر تأمین نشود، خود کم بینی و تشویش و اضطراب برای وی پدید می آید، «محبوبیت و مورد علاقه دیگران بودن» است. انسان با داشتن این روزی ارزشمند، احساس خوشایندی از اعتماد به نفس، خود ارزشمندی، توانایی، قابلیت، لیاقت و کفایت پیدا می کند و وجود خود را در زندگی، مفید، مؤثر و مؤلمد می یابد. بالطبع در این شرایط، انگیزه های حیاتی او تقویت شده، از بی تفاوتی ها، گوشه گیری ها، اضطراب و افسردگی مصون می ماند. (۱)

روانشناسان معروف این روزی را یکی از مهم ترین عوامل شادی انسان می دانند. (۲)

این روزی پربرکت از مواردی است که در ادعیه هم مورد توجه قرار گرفته است. در زیارت امین الله که از بهترین و معتبرترین زیارات شیعه و از زبان حضرت سجاد (علیه السلام) است، چنین زمزمه می کنیم: «واجعلنی ... مَحْبُوبَهُ فِی أَرْضِکَ وَ سَمَائِکَ» (۳)؛ خدایا! مرا در زمین و آسمانت، محبوب و دوست داشتنی قرار ده.»

متأسفانه امروز یکی از بحران های مهمی که در جهان جریان دارد و در وجود انسان ها غلیان می کند، بحران «عدم محبوبیت» است. این بحران به صورت یک بیماری ناشناخته در وجود انسان، پیامدهای منفی گسترده و عیب های بسیار عمیق و بزرگی در افراد ایجاد می کند.

بسیاری از انسان ها از وجود این بحران خبر ندارند و اگر بفهمند که چنین بحرانی دارند، باز هم دوست ندارند این نیاز خود را

ص: ۳۰

-
- ۱- روان شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان، ص ۲۲.
 - ۲- خانم الیزابت هارلوک، روان شناس معاصر سه میم را عوامل اصلی شادی می داند: محبوبیت، مقبولیت، موفقیت. محبوبیت یعنی دیگران را دوست داشته باشیم و دوستان داشته باشند. مقبولیت یعنی مورد پذیرش دیگران بودن و موفقیت یعنی موفق بودن در کارها. (روان شناسی شخصیت سالم)، ترجمه شیدا رویگریان، ص ۹۳.
 - ۳- کامل الزیارات، ص ۴۰.

ابراز کنند. در حالی که احساس نیاز به محبت دیدن، بد نیست و همه ما دوست داریم که عزیز باشیم. انسان در همه سنین نیاز دارد کسی را دوست داشته باشد و دیگران هم او را دوست داشته باشند؛ البته لازم است این نیاز به صورت صحیح پاسخ داده شود.

انسان چگونه می تواند محبوب دیگران واقع گردد و قلوب آنان را فتح کند؟ راز محبوبیت چیست؟

رازهای محبوبیت در قلوب دیگران

الف) عنایت و لطف الهی

نباید از یاد برد که همه خیرها و خوبی ها و از جمله محبوبیت، از جانب خداست. انسان باید بداند که جلب نظر دیگران در مرحله اول، ناشی از لطف پروردگار است و اوست که می تواند محبت را جایگزین دشمنی سازد.

قرآن مجید در این باره خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «وَ أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۱)»؛

خداوند است که دل های مؤمنین را به هم مهربان نمود. اگر تو تمام آنچه را که در زمین است، انفاق می کردی، نمی توانستی پیوند دوستی در دل ها ایجاد کنی؛ اما خداوند با اراده خود دل هایشان را به یکدیگر مهربان ساخت.»

در تاریخ اسلام می بینیم برخی از دشمنان به فکر قتل پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودند، اما خداوند روحیه آنان را تغییر داد و آن حضرت را محبوب

ص: ۳۱

شبهه بن عثمان می گوید: در روز حنین، پشت سر پیامبر (صلی الله علیه و آله) می رفتم و می خواستم آن حضرت را به قتل برسانم. خداوند پیامبرش را از فکر من آگاه نمود. حضرت متوجه من شد. دست به سینه من زد و نام خدا را برد و به حفظ من دعا کرد. در همان لحظه بر خود لرزیدم، او را نگاه کردم، دیدم او از گوش و چشم نزد من محبوب تر است؛ پس به نبوتش شهادت دادم. (۱)

خداوند متعال در همان ابتدای ازدواج و تشکیل خانواده می فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (۲)؛

و از نشانه های او آن است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و میان شما و همسرانتان علاقه شدید و رحمت قرار داد بی شک در این (نعمت الهی)، برای گروهی که می اندیشند نشانه های قطعی است.»

در تفسیر این آیه آمده: محبت، هدیه ای الهی است که با مال و مقام و زیبایی به دست نمی آید. «جَعَلَ» (مودت و رحمت، هدیه خدا به عروس و داماد است). هر کس با هر عملی که آرامش و مودت و رحمت خانواده را خدشه دار کند، از مدار الهی خارج و در خط شیطان است. «جَعَلَ بَيْنَكُمْ» (۳)

پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) می فرمایند: «هنگامی که خداوند کسی از بندگانش را دوست دارد، به فرشته بزرگش جبرئیل می گوید: من

ص: ۳۲

۱- . سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۰۲.

۲- . روم / ۲۱.

۳- . تفسیر نور، ج ۹، ص ۱۸۹.

فلان کس را دوست دارم، او را دوست بدار. جبرئیل او را دوست خواهد داشت، سپس در آسمان ها ندا می دهد که ای اهل آسمان! خداوند فلان کس را دوست دارد، او را دوست دارید و به دنبال آن همه اهل آسمان او را دوست می دارند، سپس پذیرش این محبت در زمین منعکس می شود و هنگامی که خداوند کسی را دشمن بدارد، به جبرئیل می گوید من از او متنفرم، او را دشمن بدار، جبرئیل او را دشمن می دارد، سپس در میان اهل آسمان ها ندا می دهد که خداوند از او متنفر است او را دشمن دارید، همه اهل آسمان ها از او متنفر می شوند، سپس انعکاس این تنفر در زمین خواهد بود»^(۱)

وقتی بدانیم خداوند مقلب القلوب است و می تواند در یک لحظه همه چیز را تغییر دهد، پس باید بپذیریم مطمئن ترین راه برای محبوب شدن، تحصیل رضایت مقلب القلوب است زیرا دل ها دست خداست!

(ب) زندگی مؤمنانه و داشتن سبک زندگی اسلامی

قرآن مجید یکی از مهمترین عوامل محبوبیت در زندگی و سرچشمه محبوبیت را ایمان به خدا می داند و می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا»^(۲)؛ کسانی که ایمان آورده و عمل شایسته انجام دادند، خداوند رحمان محبت آنان را در دل ها می افکند»

فطرت های پاک، به خداجویان بیشتر از دیگران اعتماد می کنند؛

ص: ۳۳

۱- نهج الفصاحه مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (صلی الله علیه و آله)، ص ۲۹۰.

۲- مریم / ۹۶.

هر چند خود به دلایل آن آگاه نباشند. شاید دلیلش این باشد که ایمان به خدا، پندار و گفتار و کردار انسان را تحت تأثیر خود قرار می دهد و به صورت اخلاق عالی انسانی مانند تقوا، درستی، امانت، شجاعت و گذشت، تجلی می کند که هر یک از آن ها بسان نیروی عظیم مغناطیس، دل های دیگران را به سوی خود می کشاند.

با توجه به این عامل مهم، می توان به رمز محبوبیت مردان بزرگ تاریخ مانند پیامبران و اولیای الهی پی برد که بدون برخوردار از امکانات ظاهری، توانستند دل های میلیون ها نفر را در طول زمان به سوی خود بکشانند. استاد مطهری می گوید: «شاگردان فلاسفه فقط متعلم اند و فلاسفه، نفوذی بالاتر از نفوذ یک معلم ندارند؛ اما انبیا نفوذشان از قبیل نفوذ یک محبوب است؛ محبوبی که تا اعماق روح محب راه یافته و پنجه افکنده است و تمام رشته های حیاتی او را در دست گرفته است.»^(۱)

تاریخ نام دلباختگان به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) چون ابوذر غفاری، بلال حبشی، عمار یاسر و دیگران را ثبت کرده است که با بررسی و مرور سرگذشت آنان، می توان اذعان کرد که در هیچ مکتبی این چنین شیفتگی ها و بی قراری ها و از خود گذشتگی ها یافت نمی شود.

ابوذر غفاری در جنگ تبوک در هوای گرم بر روی ریگ های گداخته به راه می افتد. با اینکه خستگی و تشنگی او را سخت آزار می دهد، اما از آب سرد و گوارا چشم می پوشد و می گوید: هرگز نمی آشامم تا دوستم رسول الله (صلی الله علیه و آله) بیاشامد. مشکش را پر از آب می کند و به دوش می گیرد و خود را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) می رساند.

ص: ۳۴

حضرت فرمود: زود به او آب برسانید. ابوذر می گوید: آب همراه دارم. حضرت فرمود: آب داشتی و از تشنگی نزدیک به هلاکتی؟ گفت: آری، وقتی که آب را چشیدم، دریغ آمد که قبل از دوستم رسول الله (صلی الله علیه و آله) از آن بنوشم. (۱)

ابن ابی الحدید می گوید: کسی سخن رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) را نمی شنید مگر اینکه محبت او در دلش جای می گرفت و متمایل به او می شد. لذا قریش مسلمانان را در دوران مکه، صباه (شیفتگان و دل باختگان) می نامیدند و می گفتند: بیم آن است که ولید بن مغیره، دل به دین محمد بدهد و اگر ولید که گل سرسبد قریش است، دل بدهد، تمام قریش به او دل خواهند سپرد. می گفتند: سخنانش جادوست، بیش از شراب، مست کننده است. فرزندان خویش را از نشستن با او نهی می کردند که مبادا با سخنان و قیافه گیرای خود، آن ها را جذب نماید. هر گاه پیغمبر در کنار کعبه در حجر اسماعیل می نشست و با آواز بلند قرآن می خواند و یا خدا را یاد می کرد، انگشت های خویش را در گوش های خود فرو می کردند که نشوند. (۲)

نمونه دیگر، ابر مرد تاریخ، امیر المؤمنین علی (علیه السلام) است. او در سایه عشق خدا به چنان محبوبیتی دست یافته بود که افرادی چون میثم تمار به عشق او پس از بیست سال از مرگ محبوبش، بر سر چوبه دار از او سخن می گوید و جان خود را در این راه نثار می کند.

در بسیاری از کتب حدیث و تفسیر اهل تسنن (علاوه بر شیعه) روایات متعددی در شأن نزول آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

ص: ۳۵

۱- همان، ص ۷۹، با تلخیص.

۲- همان، ص ۸۵...

الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده است که نشان می دهد نخستین بار این آیه در مورد علی (علیه السلام) نازل گردیده است.

در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم: که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آخر نماز خود با صدای بلند به طوری که مردم می شنیدند در حق امیر مؤمنان علی (علیه السلام) چنین دعا می کرد: «اللَّهُمَّ هَبْ لِعَلِيِّ الْمَوَدَّةَ فِي صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْهَيْبَةَ وَ الْعِظَمَةَ فِي صُدُورِ الْمُنَافِقِينَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا(۱)؛

خداوندا! محبت علی (علیه السلام) را در دل های مؤمنان بیفکن و همچنین هیبت و عظمت او را در دل های منافقان، در این هنگام آیه فوق و آیه بعد از آن نازل شد.»

ما در همین زمان خودمان، مردان بزرگی را دیده ایم که با بندگی خدا به اوج قله محبوبیت نائل شده اند. عشق متقابل میان امام خمینی (ره) و امت را هرگز فراموش نخواهد شد؛ امام به حقیقت بردل ها حکومت می کرد. زیرا ایشان بنده واقعی خدا بود و با ایمان راسخ و اعمال صالح خود توانست دل ها را برآید.

محبت به امام خمینی (ره) نه تنها با گذشت زمان کمرنگ نشد؛ بلکه روز به روز بیشتر گردید تا جایی که در تشییع جنازه آن یار سفر کرده، میلیون ها نفر شرکت کردند.

چرا کسانی که اهل ایمان و عمل صالح هستند، به تعبیر حضرت امیر المومنین (علیه السلام) محبوب مردم می شوند و یا بهتر عرض کنم خدا محبتشان را در دل مؤمنین قرار می دهد؟

ص: ۳۶

در یک جدول مسابقه که خانه های عمودی و افقی دارد، آنگاه که خانه های عمودی را درست پر می کنید خانه های افقی، خود به خود درست پر می شود.

خانه های عمودی مسابقه زندگی ما، ارتباط با خداست! اگر این رابطه عمودی را درست پر کنیم، خانه های افقی مسابقه زندگی ما؛ یعنی رابطه ما با مردم درست پر می شود.

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) و نیز امام حسن عسکری (علیه السلام) می فرمایند: «مَنْ أَصْلَحَ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ (۱)؛

کسی که بین خود و خدایش را اصلاح کند، خداوند بین او و مردم را اصلاح می کند.»

ج) محبت و مهرورزی به دیگران

سومین عاملی که باعث محبوبیت افراد می شود که متأسفانه در زندگی های امروزه، جایش بسیار خالی است «مهرورزی و محبت به دیگران» است.

این سخن معروف است که «محبت، محبت می آورد». اگر علاقه و دوستی خود را نثار کسی کردی، او هم خواهان و دوستدار تو می شود. از این رو گفته اند: «برای کسی بمیر که برایت تب می کند.»

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: «بِالتَّوَدُّدِ تَكُونُ الْمَحَبَّةُ (۲)؛ محبت در سایه مهرورزی فراهم می آید»

ص: ۳۷

۱- من لا يحضره الفقيه ج ۴، ص ۳۹۶.

۲- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۱۴.

چهارمین عامل محبوبیت، احسان و خدمت و سود رساندن به مردم است: امام علی (علیه السلام) می فرماید: «سَيَبُتُ الْمَحَبَّةِ الْإِحْسَانُ (۱)؛ احسان به دیگران مایه جلب محبت و دوستی است»

هر کس به مردم نیکی کند، در دل ها جای می گیرد؛ زیرا مردم، بنده احسان و نیکی اند و سرشت انسان ها گرایش به قدردانی از صاحب نعمت دارد و دل به کسی می سپارد که از دست او چیزی گرفته باشد و عشق کسی را در سینه می پرورد که از او احسان و خیری دیده باشد.

از رهگذر نوع دوستی و خدمت صادقانه به بندگان خدا، می توان به محبوبیت در دل ها رسید. از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پرسیدند: محبوب ترین مردم کیست؟ حضرت فرمود: آن کسی که وجودش برای مردم سودمندتر باشد. (۲)

مرد شامی تازه به شهر رسیده بود و در کوچه های مدینه قدم می گذاشت. او متوجه سواری شد که از دور می آمد و رهگذران سلامش نموده و به احترامش راه باز می کردند.

مسافر از آنان پرسید: این سوار کیست که این گونه گرامیش می دارید؟!

گفتند: او حسن بن علی بن ابی طالب (علیه السلام) می باشد.

با شنیدن این نام، مرد چهره در هم کشید و غضبناک به سوی سوار رفت. مقابل او ایستاد و شروع به سرزنش نمود. تا توانست

ص: ۳۸

۱- . تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۸۶.

۲- . کافی، همان، ص ۱۶۴.

ناسزا گفت و بدگویی نمود و سخنان ناروا بر زبان جاری ساخت.

وقتی که فحش هایش تمام شد، امام (علیه السلام) رو به او نموده و سلامش کرد! آنگاه خندید و گفت: ای مرد! فکر می کنم در اینجا غریب هستی...، اگر از ما چیزی بخواهی، به تو عطا خواهیم کرد. اگر گرسنه ای سیرت می کنیم، اگر برهنه ای می پوشانیمت، اگر نیازی داری، بی نیازت می کنیم، اگر از جایی رانده شده ای پناهت می دهیم، اگر حاجتی خواسته باشی برآورده می کنیم، اینک بیا و مهمان ما باش. تا وقتی که اینجا هستی مهمان مایی...!

مرد شامی که این همه احسان و دل جویی و محبت را از امام مشاهده کرد، به گریه افتاد و گفت:

شهادت می دهم که تو خلیفه خدا روی زمین هستی و خداوند بهتر می داند که مقام خلافت و رسالتش را در کجا قرار دهد. من پیش از این، دشمنی تو و پدرت را به سختی در دل داشتم؛ اما اکنون تو را محبوب ترین خلق خدا می دانم.

آن مرد، از آن پس از دوستان و پیروان امام (علیه السلام) به شمار آمد و تا هنگامی که در مدینه بود، همچنان مهمان آن بزرگوار بود. [\(۱\)](#)

ص: ۳۹

۳- اهمیت و آثار یاد مرگ

اشاره

ص: ۴۱

«أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكَكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ» (۱)

ایجاد انگیزه

ایجاد انگیزه (۲)

روزی عزرائیل (علیه السلام) به مجلس حضرت سلیمان (علیه السلام) وارد شد و در آن مجلس مدام به یکی از اطرافیان حضرت نگاه می کرد! پس از مدتی عزرائیل از آن مجلس بیرون رفت. آن شخص به حضرت سلیمان (علیه السلام) گفت: این شخص چه کسی بود؟ حضرت سلیمان (علیه السلام) فرمود: او عزرائیل (علیه السلام) بود. آن مرد گفت: طوری به من نگاه می کرد گویا دنبالم بود تا مرا قبض روح کند. حضرت سلیمان (علیه السلام) فرمود: الان چه می خواهی؟ او که وحشت زده و دستپاچه شده بود، عرض کرد: اگر ممکن است برای خلاصی من از دست عزرائیل، به باد فرمان دهید مرا به هندوستان ببرد. حضرت سلیمان (علیه السلام) به باد دستور داد تا او را سریع به هندوستان ببرد، باد هم او را با سرعت به نقطه ای از هندوستان برد. در جلسه بعد، هنگامی که حضرت سلیمان (علیه السلام) با عزرائیل (علیه السلام) ملاقات کرد، به او فرمود: در

ص: ۴۳

۱- . نساء/۱۸۱.

۲- . روش داستانی.

دیدار قبلی چرا مدام به یکی از هم نشینان من، نگاه می کردی؟ عزرائیل (علیه السلام) در جواب گفت:

آن روز من از طرف خداوند مأمور بودم تا ساعاتی دیگر او را در هندوستان قبض روح کنم، ولی او را اینجا دیدم و تعجب کردم، به هندوستان رفتم و آنجا پیداش کردم و جانش را گرفتم.

خداوند متعال در قرآن می فرماید: «أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ (۱)؛

هر کجا باشید، مرگ شما را فرا می گیرد؛ اگرچه در کاخ های بسیار محکم باشید.»

چه باشید در برج و در قصر و کاخ

چه باشید در کومه و سنگلاخ

به هر جا که باشید و هر ساز و برگ

بگیرد گریبانتان سخت مرگ (۲)

آری مرگ همواره در پی انسان است و او توجه نداشته باشد و به مرگ فکر نکند، آنگاه که مرگ به سراغش آید، غافلگیر می شود. در قرآن چنین آمده: زمانی که ملک الموت به سراغ عده ای می آید، می گویند: «رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ؛ پروردگارا! مرا باز گردانید، شاید در آنچه از خود به جای گذاشته ام، کار نیکی انجام دهم.» اما خداوند متعال در جوابشان می فرماید: «كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ؛ هرگز

ص: ۴۴

۱- . نساء/۱۸۱.

۲- . امید مجد.

چنین نمی شود! این سخنی است که او به زبان می گوید و در پی آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند»(۱)

حال این سؤال پیش می آید که دلیل این همه تأکید یاد مرگ چیست؟ مگر چه تأثیری در زندگی انسان دارد؟

متن و محتوا

آثار یاد مرگ

اشاره

در منابع دینی برای یاد مرگ، آثار متعددی ذکر شده، برخی از آن عبارتند از:

۱. خشکاندن ریشه غفلت

امام صادق (علیه السلام) در روایتی آثار یاد مرگ را چنین می شمارند: «ذِكْرُ الْمَوْتِ يُمِيتُ الشَّهَوَاتِ فِي النَّفْسِ وَيَقْطَعُ مَنَابِتَ الْغَفْلَةِ وَيَقْوِي النَّفْسَ بِمَوَاعِدِ اللَّهِ وَيُرِقُّ الطَّبَعُ وَيَكْسِرُ أَعْلَامَ الْهَوَىٰ وَيُطْفِئُ نَارَ الْجِرْصِ وَيُحَقِّقُ الدُّنْيَا»(۲)؛ یاد مرگ، خواهش های باطل را از دل زایل می کند و دل را با وعده های الهی قوی و مطمئن می گرداند و طبع را نازک می سازد و علم های هوی و هوس را می شکند و آتش حرص را فرو می نشاند و دنیا را حقیر و بی مقدار می پندارد»(۳)

از این رو، هر امر مربوط به مرگ، می تواند عامل بیداری و دوری فرد از غفلت شود.

هیچ گاه نباید فراموش کنیم که زندگی ما نفس هایی است که

ص: ۴۵

۱- مؤمنون/۹۹ و ۱۰۰.

۲- بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۳۳.

۳- مصباح الشریعه، ص ۱۷۱.

شمرده می شود و چون نفسی بگذرد، قدمی به مرگ نزدیک تر شده ایم. امیرالمؤمنین فرمودند: «نَفْسُ الْمَرْءِ خُطَاةٌ إِلَى أَجَلِهِ (۱)؛

نفس انسان، گام برداشتن او به سوی اجلش است.»

۲. بی میل شدن به دنیا

ابی عبیده از امام باقر (علیه السلام) تقاضای موعظه ای کرد، ایشان به عملی توصیه نمودند که اثر آن زهد در دنیا است: «قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) حَيْدُتُنِي بِمَا أَنْتَفِعُ بِهِ فَقَالَ يَا أَبَا عُبَيْدَةَ أَكْثَرَ ذِكْرِ الْمَوْتِ فَإِنَّهُ لَمْ يُكْثِرِ الْإِنْسَانُ ذِكْرَ الْمَوْتِ إِلَّا زَهَّدَ فِي الدُّنْيَا (۲)؛

به امام باقر (علیه السلام) عرض کردم: چیزی بفرماید که از آن سود برم. فرمود: ای ابا عبیده! فراوان مرگ را یاد کن! زیرا هر انسانی آن را بسیار یاد کند، نسبت به دنیا بی رغبت می شود.»

آیا تاکنون به کاروان سرا رفته اید و یا در فیلم ها و سریال ها کاروان سراها را دیده اید؟ درین مکان ها هرکسی به کاری مشغول است. دنیا نیز چون کاروان سرایی است که هر کسی مشغول کاری است در آنجا یکی بار بر زمین می نهد و در اینجا کسی به دنیا می آید، در کاروانسرا یکی بار سفر می بندد و در دنیا روزی تعدادی از دنیا بار سفر بسته و به دیار باقی می روند. کسی در کاروان سرا خوشحال است که ایام را به نیکی سپری کرده و توشه ای با خود دارد که به شهر و دیار خود بازگردد. در دنیا نیز کسی خوشحال می رود که توشه ای داشته باشد. کسی به کاروانسرا دل نمی بندد

ص: ۴۶

۱- نهج البلاغه، حکمت ۷۴.

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۳۱.

زیرا همه می دانند، باید رفت، در دنیا نیز باید چنین باشد و به اندازه نیاز از آن استفاده کرد.

این خانه که خانه وبال است

پیداست که وقف چند سال است

چون قامت ما برای غرق است

کوتاه و دراز او چه فرق است(۱)

البته خوب است بدانیم رها کردن دنیا به معنای دلبستگی و بی رغبتی به دنیاست، نه اینکه شخص اصلاً از دنیا استفاده نکند و به فکر آن نباشد. در روایات فراوانی از ائمه معصومین (علیهم) داریم که آن بزرگواران دنیا را دوست داشته و دارند؛ زیرا می توانستند از آن برای آخرت خود توشه بردارند و دنیا را مزرعه آخرت می دانستند.(۲)

آری حکایت کسی که بر دنیا دل بسته، حکایت شخص تشنه ای است که آب دریا می خورد و هرچه از آن آب می آشامد، سیراب نمی شود. کسی که همیشه توجه به مرگ دارد، بیش از حد به دنبال مال دنیا نمی رود، بلکه او به مقدار اندکی از آن راضی می گردد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «أَكْثَرُوا مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ فَإِنَّهُ يَزُهِدُ فِي الدُّنْيَا(۳)؛ مرگ را بسیار یاد کنید؛ زیرا یاد مرگ از میل و رغبت به دنیا می کاهد.»

۳. کوتاه شدن آرزوها

گاهی انسان در اثر فراموشی مرگ، غرق در دنیا و امور دنیوی می گردد و برای آنچه هنوز به دست نیاورده، در دل، آرزوی وصال

ص: ۴۷

۱- . نظامی گنجوی.

۲- . ارشاد القلوب دیلمی، ج ۱، ص ۸۹.

۳- . میزان الحمکه، حدیث ۱۹۱۵۳.

می نماید؛ اما هزار دریغ و افسوس که اجل به او مهلت نمی دهد و مرگ او را در کام خود فرو می کشد و آرزوهای دور و دراز او را به خانه گور می برد!

آیا تاکنون با اعلامیه فوت شخصی روبه رو شده اید که اصلاً فکر مرگش را هم نمی کردید؟ کسی که چند روز پیش با او ملاقات داشتید، چقدر برنامه برای زندگی اش داشت؟ خرید ماشین یا خانه و یا ازدواج فرزندانیش یا گسترش مغازه، سرمایه گذاری در بانک و... هزاران برنامه و نقشه دیگر!

او اصلاً تصورش هم نمی کرد که چند روز بعد می میرد؛ اما کسی که یاد مرگ باشد و همیشه به خودش نهیب بزند: فلانی! حواست باشد تو روزی از دنیا می روی و کار تو به این دنیا ختم نمی شود؛ مرگ تازه اول راه اوست و قطعاً با چنین اندیشه ای، آرامش پیدا می کند.

نقل شده: اسامه بن زید از زید بن ثابت کنیزی که بهای صد دینار و به مهلت یک ماه خرید. هنگامی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از این مسئله آگاه شدند، فرمودند: آیا از اسامه در شگفت نیستید که خریدار تا یک ماه است؟ اسامه دراز آرزوست! به خدایی که جان محمد در قبضه قدرت اوست، چشمانم به هم نمی خورد، جز اینکه گمان می کنم پیش از آنکه مژده هایم به هم رسد، خداوند جانم را بگیرد و چشم باز نمی کنم، جز اینکه گمان می برم پیش از آنکه چشم بر هم نهم، جانم گرفته شود و لقمه ای بر دهان نمی گذارم، جز اینکه گمان می کنم، پیش از آنکه آن را فروبرم، بر اثر مرگ گلوگیرم گردد. سپس فرمود:

«يَا بَنِي آدَمَ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ فَعُدُّوا أَنْفُسَكُمْ مِنَ الْمَوْتِ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّمَا تُوَعَدُونَ لَآئٍ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ (۱)؛ ای فرزندان آدم! اگر خرد دارید، خود را در زمره مردگان شمارید! سوگند به آنکه جانم به دست اوست! آنچه به شما وعده داده می شود، خواهد آمد و شما نمی توانید [خدا را] به عجز درآورید.»

امام خمینی (ره) همیشه به خاطر داشتند که مرگی هم وجود دارد و زندگی به این دنیا و آرزوهای آن ختم نمی شود؛ لذا فرمودند: «با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار، به فضل خدا از میان برادران و خواهران ایمانی به دیار باقی رهسپارم» (۲)

مگر امام (ره) چه فرقی با شاه فراری و مزدور داشت؟ چرا شاه با آن همه امکانات از افسردگی و غصه مرد؟ مگر ممکن است با هوای صاف، زندگی بی دغدغه، امکانات و پول کافی و ... از افسردگی مردن؟

زیرا شاه فقط زندگی را در این دنیا محدود می دانست و آن را به باد فراموشی سپرده بود؛ ولی امام خمینی (ره) مرگ را آخر دنیا نمی پنداشت و هرگز از آن غافل نبود.

بسیار روشن است، انسانی که همواره در یاد مرگ باشد، هیچ گاه عملی انجام نمی دهد که در قیامت نتواند پاسخگوی آن باشد و بدین سبب، عذاب الهی را بر خود هموار سازد؛ بلکه آرزوها را کوتاه نموده، سعی در طاعت و بندگی خدا خواهد داشت تا بهشت الهی را جایگاه خویش قرار دهد.

باید توجه داشت که آرزو نداشتن به معنای نداشتن امید در زندگی نیست؛ بلکه امید داشتن، همان چیزی که انسان را از

ص: ۴۹

۱- . مشکات الانوار، ص ۸۷.

۲- . وصیت نامه امام خمینی (ره).

افسردگی دور می کند. انسان با امید زنده است و نباید فارغ از دنیا شود؛ بلکه باید بهترین های حلال را با کار و تلاش و کوشش به دست آورد.

آری عالم آخرت، سرای یوم الحساب است که انسانها بیدار شده و دست تهی خود را می بینند و بر اساس آیات قرآن کریم به مؤمنین می گویند: «نظری به ما بیفکنید تا از نور شما پرتوی بگیریم!» به آن ها گفته می شود: به پشت سر خود بازگردید و کسب نور کنید! در این هنگام دیواری میان آنها زده می شود که دری دارد، درونش رحمت است و برونش عذاب! آن ها را صدا می زنند: مگر ما با شما نبودیم؟! می گویند: آری، ولی شما خود را به هلاکت افکندید و انتظار کشیدید، و (در همه چیز) شک و تردید داشتید، و آرزوهای دور و دراز شما را فریب داد تا فرمان خدا فرا رسید، و شیطان فریبکار شما را در برابر (فرمان) خداوند فریب داد!

پس امروز نه از شما فدیة ای پذیرفته می شود، و نه از کافران و جایگاهتان آتش است و همان سرپرستان می باشد و چه بد جایگاهی است.»(۱)

بنابراین باید برای دنیا و رفع نیازهای آن تلاش کرد؛ اما دلبسته به دنیا و متعلقات آن نشد، و یکی از اموری که دلبستگی به دنیا را از ذهن انسان پاک می کند، یاد مرگ است.

۴. انگیزه سازی برای انجام اعمال صالح

یکی دیگر از آثار یاد مرگ، انگیزه سازی برای انجام اعمال صالح

ص: ۵۰

است. وقتی ما بدانیم به زودی طومار زندگی ما برچیده خواهد شد و باید بار سفر ببندیم، در نتیجه به دنبال توشه سفر خواهیم رفت.

بهترین محرک آدمی برای انجام دادن کارهای نیک و پسندیده، «یاد مرگ» است. انسانی که سفر خود به سوی عالم آخرت را نزدیک می بیند، توشه لازم را برای این سفر ابدی و پرحادثه تدارک می بیند و چه توشه ای بهتر از پارسایی و بندگی مخلصانه!

حضرت علی (علیه السلام) بارها به رابطه میان یاد مرگ و انجام دادن اعمال صالح اشاره کرده است، در نهج البلاغه می خوانیم: «خدا رحمت کند آن کسی را که پیش از فرا رسیدن مرگ، خویش را آماده کند و از اعمال نیک، توشه ای برای آخرت برگیرد.»^(۱)

آن حضرت، در جای دیگری اولیای خدا را چنین وصف می کند: «وَاسْتَقْرَبُوا الْأَجَلَ فَبَادَرُوا الْعَمَلَ (۲)؛ پایان زندگی را نزدیک شمرده و اعمال نیک، انجام داده اند.»

در حدیث دیگری نیز فرمودند: «مَنْ ارْتَقَبَ الْمَوْتَ سَارَعَ إِلَى الْخَيْرَاتِ (۳)؛ آن کسی که منتظر مرگ باشد، به سوی اعمال نیک شتاب می گیرد»

یادمان باشد همیشه به یاد مرگ باشیم، برای خودمان از حالا فاتحه بفرستیم و با اعمال صالح، با گره گشایی از کار دیگران، با گرفتن دست جوانان و آسان گیری در ازدواج آن ها یا وصیت کردن به ثلث اعمال جهت موقوفات و هزاران کار ارزشمند دیگر.

ص: ۵۱

۱- . نهج البلاغه، خطبه ۷۶.

۲- . شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۷، ص ۲۵۰.

۳- . امالی صدوق، ص ۲۷۷.

ای که دست می رسد کاری بکن

پیش از این کز تو نیاید هیچ کار

۵. افزایش آستانه تحمل در گرفتاری ها

اگر همیشه به یاد داشته باشیم که بالاخره باید بمیریم، هیچ وقت از کمبودهای زندگی خود عجز و ناله نمی کنیم؛ و در هر صورت شاکر خداوند هستیم. یادمان باشید بزرگ بر روی دیوار دلمان بنویسیم «این نیز بگذرد» این طور هرگز ناخوش نمی شویم؛ زیرا تمام این دارایی های دنیا را موقت و از بین رفتنی می دانیم. همچون شهدا که دل به هیچ چیز دنیا نبستند و خدا آن ها را برای خودش برد.

شهدا هرگز از عاقبت کارهای سخت در جبهه مثل گرمای شدید هوا و یا سرمای شدید زمستان و نخوردن آب و غذا در چند روز شکایت نمی کردند و صبور بودند. آنچه تحمل سختی های اینچنینی را برای آن ها آسان می کرد، یاد مرگ و شهادت بود.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا هَانَتْ عَلَيْهِ الْمُصِيبَاتُ (۱)؛

هر که دل از دنیا برکند، مصیبت های آن بر او آسان می شود.»

یاد کردن پیوسته و به اندازه مرگ سبب می شود، ارزش واقعی دنیا بر انسان آشکار شود و بدین ترتیب، از توجه زیاد خود به دنیا و امور دنیایی بکاهد. چنین فردی، در برابر سختی ها و مصیبت های زندگی استقامت بیشتری از خود نشان می دهد و کاستی ها و کمبودهای مادی را به راحتی تحمل می کند. حضرت

ص: ۵۲

علی (علیه السلام) در این باره می فرماید: «مَنْ صَوَّرَ الْمَوْتَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ هَانَ أَمْرُ الدُّنْيَا عَلَيْهِ (۱)؛ هر که مرگ را میان دو چشمش مجسم سازد، کار جهان بر وی آسان می شود.»

باید توجه داشته باشیم که روزی جسد بی جان ما، روی دستان عزیزانمان تشییع می شود؛ فرزندانمان، پدران، مادران، همسران، همسایه ها و همه آن هایی که می شناختیم. این آدم ها فقط تالاب گور ما را همراهی می کنند، تازه ما را جنازه هم خطاب می کنند. ای وای بر ما! اگر برای آن ساعتی که صورت ما را بر خاک قبر می گذارند و می روند، کاری نکرده باشیم!

ص: ۵۳

۱- . تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۴۶.

۴- اهمیت حفظ آبروی مؤمن

اشاره

ص: ۵۵

«إِنَّ الَّذِينَ يَزُمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (۱)

ایجاد انگیزه

ایجاد انگیزه (۲)

یسع بن حمزه می گوید: خدمت امام رئوف حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) بودم، جمعیت زیادی هم حضور داشتند که از مسائل دینی حلال و حرام سؤال می نمودند، در این هنگام مردی بلندقد و گندمگون وارد شد، پس از سلام عرض کرد: یا بن رسول الله! مردی از دوستان شما و پدران و اجدادتان هستم، از سفر حج بر می گردم، مقداری پول برای بازگشت به وطنم داشتم که گم شده است. از شما تقاضا دارم مرا کمکی بفرمائید تا به شهر خود برگردم، چون خداوند نعمت را به من ارزانی داشته (و ثروتمندم) صدقه به من نمی رسد آن مبلغ را از طرف شما در آنجا صدقه می دهم.

حضرت فرمودند: بنشین خدا تو را بیامرزد، آنگاه با مردم شروع

ص: ۵۷

۱- . نور/۲۳.

۲- . روش داستانی.

به صحبت نمود و جواب های آن ها را دادند تا کم کم مردم رفتند و متفرق شدند، من و سلیمان جعفری و خثیمه با آن مرد باقی ماندیم. آن حضرت فرمودند: اجازه می دهید وارد (اندرون خانه) شوم؟ سلیمان عرض کرد: بفرمائید. حضرت بلند شدند و به حجره ای رفتند و بعد از چند دقیقه از پشت در فرمودند: «آن مرد مسافر خراسانی کجاست؟» مرد خراسانی برخاست و گفت: «اینجا هستم.» امام (علیه السلام) از بالای در دستش را به سوی مسافر دراز کرد و فرمودند: «این مقدار دینار را بگیر و خرجی راه خود را با آن تأمین کن و این مبلغ مال خودت باشد. دیگر لازم نیست از ناحیه من، معادل آن را صدقه بدهی، حالا برو که نه تو مرا بینی و نه من تو را بینم»

مسافر خراسانی پول را گرفت و رفت. سلیمان به امام رضا (علیه السلام) عرض کرد: فدایت شوم، به این مرد کمک کردی و مهربانی فرمودی؛ ولی چرا وقتی می خواستید به مسافر پول بدهید، خود را نشان ندادی و خود را پشت در پنهان نمودی؟

امام رضا (علیه السلام) در پاسخ فرمودند: «مَخَافَةٌ أَنْ أَرَى دُلَّ السُّؤَالِ فِي وَجْهِهِ لِقَضَائِي حَاجَتَهُ؛ از آن ترسیدم که چون حاجتش را بر آوردم، شرمندگی درخواست را در چهره او بینم»

بعد حضرت یک بیت شعری را خواندند:

مَتَى آتِهِ يَوْمًا لِأَطْلُبَ حَاجَتَهُ

رَجَعْتُ إِلَى أَهْلِي وَ وَجْهِهِ بِمَائِهِ (۱)

ص: ۵۸

هرگاه پیش او برای درخواست می روم، به سوی خانواده خود برمی گردم با اینکه آبرویم حفظ شده است.

یکی از مهمترین مسائلی که مورد تأکید آموزه های دینی قرار گرفته؛ ولی متأسفانه در زمانه ما کمتر به آن توجه می شود و به راحتی و به ارزانی برخی افراد آن را می فروشند و چوب حراج به آن می زنند؛ موضوع «حفظ آبروی خود و دیگران» هست. ما به عنوان یک مسلمان نسبت حفظ آبرو خود و دیگران تکالیفی داریم.

متن و محتوا

اشاره

در منابع دین بر حفظ آبروی دو گروه تأکید شده است:

الف) حفظ آبروی خود

آبرو از جمله مسائلی است که به عنوان یک ارزش واقعی برای انسان ها وجود دارد و شخص کریم و بزرگوار هرگز راضی به ریخته شدن آبروی خود نمی شود و حفظ آبرو یکی از وظایف هر انسان عاقلی است. استاد شهید مرتضی مطهری می فرمایند: «کسی حق ندارد آبروی خودش را جلوی مردم بریزد، بگوید مال خودم است، دلم می خواهد آبرویم را بریزم، به شما چه کار!» (۱)

آبی است آبرو که نباید به جوی باز

از تشنگی بمیر و مریز آبروی خویش

ص: ۵۹

روایات حضرت علی (علیه السلام) درباره ریختن آبرو:

۱. «مَنْ بَدَلَ عِرْضَهُ ذَلَّ (۱)؛»

کسی که آبروی خود را به رایگان بدهد، خوار گردد»

۲. «مِنَ اللَّؤْمِ أَنْ يَصُونَ الرَّجُلَ مَالَهُ وَ يَبْدُلَ عِرْضَهُ (۲)؛»

از پستی و لثامت مرد است که مال خود را نگه دارد و آبروی خود را خرج کند»

امام صادق (علیه السلام) در روایتی، انسان هایی را که در جهت حفظ آبرو و ادای دین خود و کمک به اقوام و بستگانشان کار نمی کنند، افرادی بی فایده و بی ارزش معرفی کرده و می فرماید: «لَمَّا خَيْرَ فِيمَنْ لَمَّا يُحِبُّ جَمْعَ الْمَالِ مِنْ حَلَالٍ فَيُكْفَى بِهِ وَجْهَهُ وَ يَقْضَى بِهِ دَيْنَهُ وَ يَصِلَ بِهِ رَحْمَهُ (۳)؛»

کسی که نمی خواهد از راه حلال مالی را فراهم کند که با آن آبروی خود را حفظ نماید و دینش را ادا کند و صله رحم را به جا آورد، خیری در او نیست.»

اما از منظر امیرالمؤمنین (علیه السلام) کسی که آبروی خود را حفظ کند، انسانی بزرگ و محترم به حساب می آید: «مَنْ صَانَ عِرْضَهُ وَقَرَّ (۴)؛»

کسی که آبروی خود را حفظ کند، بزرگ و محترم گردد.»

یا حضرت نشانه بزرگی یک انسان را خرج مالش برای حفظ آبروش می دانند و می فرمایند: «مِنَ النَّبْلِ أَنْ يَبْدُلَ الرَّجُلَ مَالَهُ وَ يَصُونَ عِرْضَهُ (۵)؛»

از بزرگی و ارجمندی مرد است که مال خود را خرج کند و آبروی خود را حفظ کند»

ص: ۶۰

۱- . تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۵۵.

۲- . همان، ص ۲۵۶.

۳- . من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۶۶.

۴- . تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۵۵.

۵- . همان، ص ۳۸۶.

این قسم از حفظ آبرو به مراتب مهمتر از بخش اول می باشد.

نقل شده: امیرمؤمنان علی (علیه السلام) مقدار ۵ وسق (هر وسق حدود یک بار شتر) خرما برای مردی فرستاد. آن مرد شخصی آبرومند بود و از کسی تقاضای کمک نمی کرد. شخصی در آنجا بود، به علی (علیه السلام) گفت: «او که تقاضای کمک نکرد، چرا برایش خرما فرستادی؟ به علاوه یک وسق برای او کافی بود.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به او فرمودند: «خداوند امثال تو را در جامعه ما زیاد نکند، من می دهم، تو بخل می ورزی؟! اگر من آنچه را که مورد حاجت اوست، پس از درخواستش به او بدهم، چیزی به او نداده ام، بلکه قیمت آبرویی را که به من داده، به او داده ام؛ زیرا اگر صبر کنم تا او درخواست کند، در حقیقت او را وادار کرده ام که آبرویش را به من بدهد، رویی که در هنگام عبادت و پرستش خدای خود و خدای من، به خاک می سایید.»^(۱)

آبرو و حیثیت مردم چیزی است که در قرآن بسیار گران به حساب می آید و در میان ما بسیار ارزان!

خداوند متعال، سوره همزه را با تهدیدی کوبنده آغاز کرده و می فرماید: «وای بر هر عیب جوی مسخره کننده ای! آن ها که با نیش زبان و حرکات، دست و چشم و ابرو در پشت سر و پیش رو، دیگران را استهزاء کرده، یا عیب جویی و غیبت می کنند، یا آن ها را هدف تیرهای طعن و تهمت قرار می دهند.

از آنجا که آبرو و حیثیت اشخاص از نظر اسلام بسیار محترم است و هر کاری که موجب تحقیر مردم گردد گناه بزرگی است، خداوند

ص: ۶۱

مهربان، این سوره را لحن تهدید و کوبنده آغاز کرده است.

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره ریختن آبروی دیگران هشدار داده و می فرمایند: «أَذَلُّ النَّاسِ مَنْ أَهْرَانَ النَّاسِ (۱)؛ دلیل ترین مردم کسی است که به مردم توهین کند.»

آن حضرت در حدیث دیگری فرمودند: «قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَنْ أَهَانَ لِي وَلِيًّا فَقَدْ أَرَصَدَ لِمَحَارَبَتِي (۲)؛ خداوند تبارک و تعالی فرموده است: هر کس دوستی از دوستان مرا خوار کند، در کمین جنگ با من نشسته است.»

امام باقر و امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى الْكُفْرِ أَنْ يُوَاحِيَ الرَّجُلَ عَلَى الدِّينِ فَيُحْصِي عَلَيْهِ عَثْرَاتِهِ وَ زَلَّاتِهِ لِيَعْنَفَهُ بِهَا يَوْمًا (۳)؛ نزدیکترین حالتی که بنده به کفر دارد، اینست که با مردی عقد برادری در دین بسته باشد و لغزش ها و خطاهای او را شماره کند که روزی او را به آن ها سرزنش کند.»

یکی از کلیدی ترین آیات قرآن که تعیین کننده سبک زندگی مسلمان هست و برخی مصادیق آبروریزی را بیان می کند، آیات یازدهم و دوازدهم سوره حجرات است. در این آیات چند گناه کلیدی مطرح شده: مسخره کردن همدیگر، عیب جویی و لقب زشت دادن، گمان بد، تجسس و غیبت کردن اشاره و آن ها را

ص: ۶۲

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۹۶.

۲- کافی، ج ۲، ص ۳۵۱.

۳- همان، ص ۳۵۴.

ممنوع اعلام می کند.

در آیه یازدهم از عوامل اختلاف افکن در بین مسلمانان، مثل بدگمانی، تجسس، مسخره کردن و عیب جویی و لقب بد دادن، نهی کرده و در آیه دوازدهم ظن و گمان، تجسس و غیبت را مطرح می کند که گمان بد سرچشمه تجسس و تجسس موجب افشای عیوب و اسرار پنهانی و آگاهی بر این امور سبب غیبت می شود که اسلام از معلول و علت همگی نهی کرده است. سپس برای اینکه زشتی و پستی غیبت را نشان دهد، مثالی زده و می فرماید: «أَيُّجَبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ؛ آیا هیچ یک از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! «فکرهتّموه» به یقین همه شما از این امر کراهت دارید.»

علامه طباطبایی (ره) در تفسیر ارزشمند المیزان می فرماید: «غیبت در حقیقت ابطال هویت و شخصیت اجتماعی افرادی است که خودشان از جریان اطلاعی ندارند و خبر ندارند که دنبال سرشان چه چیزهایی می گویند.»^(۱)

آبروی برادر مسلمان همچون گوشت تن او است و ریختن این آبرو به وسیله غیبت و افشای اسرار پنهانی همچون خوردن گوشت تن او است و تعبیر به «مرده» به خاطر آن است که «غیبت» در غیاب افراد صورت می گیرد، که همچون مردگان قادر بر دفاع از خویشان نیستند و این ناجوانمردانه ترین ستمی است که ممکن است انسان درباره برادر خود روا دارد.^(۲)

ص: ۶۳

۱- . ترجمه المیزان، ج ۱۸، ص ۴۸۵.

۲- . تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۱۸۴-۱۸۷.

انسان چهار سرمایه دارد که همه آن‌ها باید در دژهای قانون «ضرورت حفظ آبروی دیگران» قرار گیرد و محفوظ باشد: «جان»، «مال»، «ناموس» و «آبرو»

بر اساس آموزه‌های دینی، آبرو و حیثیت افراد همچون مال و جان آن‌ها است؛ بلکه از بعضی جهات مهمتر است! اسلام می‌خواهد در جامعه اسلامی امنیت کامل حکم فرما باشد، نه تنها مردم در عمل و با دست به یکدیگر هجوم نکنند، بلکه از نظر زبان مردم و از آن بالاتر از نظر اندیشه و فکر آنان نیز در امان باشند.

پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) در حدیثی می‌فرماید: «كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ دَمُهُ وَ مَالُهُ وَ عِرْضُهُ؛ هر مسلمانی خون، مال و آبرویش بر مسلمان دیگر، حرام است» بعد حضرت در ادامه می‌فرمایند: «الْغَيْبَةُ تَنَاوُلُ الْعِرْضِ (۱)؛ غیبت آبرو را می‌برد.»

بود بی گمان بر مسلمان حرام

هر آن چیز هر مسلم ای شاد کام

چه عرض و چه مال و چه جان و چه خون که از راه حق نیست مؤمن برون (۲)

در مقابل پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) به کسی که از آبروی مؤمن دیگری، وقتی از او غیبت می‌شود دفاع کند بشارت دل چسپی داده است: «مَنْ رَدَّ عَنْ عِرْضِ أَخِيهِ بِالْغَيْبَةِ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَرُدَّ عَنْ عِرْضِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ قَالَ صَ أَيضاً مَنْ رَدَّ عَنْ عِرْضِ أَخِيهِ

ص: ۶۴

۱- . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ۱، ص ۱۱۵.

۲- . گل‌های جاویدان (هزار کلمه قصار)، ص ۲۶۱.

بِالْغَيْبِ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُعْتَقَهُ مِنَ النَّارِ(۱)؛ هر کس از آبروی برادر مسلمانش وقت غیبت، دفاع کند، بر خداوند لازم است که در روز قیامت از آبروی او، دفاع کند؛ و نیز فرمود: هر کس از آبروی برادرش به هنگام غیبت او، دفاع کند، حق است بر خدا که او را از آتش دوزخ آزاد کند.»

در روز قیامتی که به تعبیر قرآن می فرماید: «يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ(۲)؛ روزی که اسرار پنهان، آشکار می شود.»

بر اساس آیه قرآن اگر کسی فقط قصد آبروریزی داشته باشد و دوست داشته باشد، آبروی دیگری را بریزی گرچه آبرو نریزد؛ دوست داشتن هم گناه کبیره است! «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ(۳)؛ کسانی که دوست دارند زشتی ها در میان مردم باایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است»

بنابراین کسی که از ضایع شدن یک مسلمانی لذت برد؛ همین علاقه اش عذاب دردناکی برای او در پی دارد.

در روایات آبروی مؤمن با مقدس ترین سرزمین، یعنی «کعبه مکرمه» که قبله گاه مسلمانان و نماز گزاران است، مقایسه شده است. روایت شده حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) به کعبه نگاه کردند و فرمودند: «مرحبا به تو ای کعبه! چه اندازه بزرگ هستی و در نزد

ص: ۶۵

۱- مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ۱، ص ۱۱۹.

۲- طارق/۹.

۳- نور/۱۹.

خداوند ارج و اعتبار داری، به خداوند سوگند حرمت مؤمن از تو بزرگ تر است، خداوند تو را از یک چیز حرام کرده در صورتی که از مؤمن سه چیز را حرام نموده، مالش، جانش و سوءظن نسبت به او»(۱)

بنابراین همان طور که تخریب و اهانت به کعبه حرام است؛ تخریب چهره مؤمن و اهانت به او نیز حرام است. واقعاً چه کسی به خود جرأت می دهد کعبه را خراب یا به آن اهانت کند؟ آیا جز جبارانی مانند یزید که حکم تخریب و آتش زدن کعبه را صادر کرد، کسی چنین جسارتی را دارد؟ پس چگونه است که باوجود بالا-تر بودن حرمت مؤمن از حرمت کعبه به آسانی مورد توهین، تخریب و جسارت قرار می گیرد و آبروی مسلمان به سادگی ریخته می شود؟!

زکریای اشعری قمی یکی از مؤمنانی است که از طرف امام رضا (علیه السلام) مأمور می شود تا در میان مردم قم به امر تبلیغ بپردازد. بعد از مدتی او از وجود برخی مسائل در میان مردم اندوهگین می شود. روزی برای کسب اجازه، خدمت امام رضا (علیه السلام) رسید و عرض کرد، من قصد دارم از میان خاندان و اهل قم بیرون رفته، آنان را ترک گویم؛ زیرا افراد نادان در میان ایشان زیاد شده اند.

امام رضا (علیه السلام) در پاسخ به این مؤمن واقعی فرمودند:

«لَا تَفْعَلْ فَإِنَّ أَهْلَ قُمْ يُدْفَعُ عَنْهُمْ بِكَ كَمَا يُدْفَعُ عَنْ أَهْلِ بَعْدَادَ بِأَبِي الْحَسَنِ (۲)؛ این کار را نکن و از قم مهاجرت ننما، زیرا خداوند به واسطه وجود تو بلا و عذاب را از خاندان تو و اهل قم دفع می کند، چنانچه به وجود پدرم امام کاظم (علیه السلام) شر و بلا

ص: ۶۶

۱- بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۷۱.

۲- الاختصاص، ص ۸۷.

را از اهل بغداد دور ساخته است.»

باری مؤمن تا اندازه ای می تواند ارزش داشته باشد که برکت وجودی او همچون برکت وجود امام کاظم (علیه السلام) در میان قوم خود شود؛ که به برکت آن ها عذاب از اهل یک شهر برداشته شود.

پس همواره حرمت مؤمن را نگه دارید؛ زیرا مؤمن کسی است که خداوند مدافع او است: «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا(۱)» و مؤمن کسی است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره اش فرموده است: «الْمُؤْمِنُ حَرَامٌ كُلُّهُ عِرْضُهُ وَ مِرَالُهُ وَ دَمُهُ(۲)؛ مؤمن همه چیزش، آبروی او مال او و خون او حرام (محترم) است.»

ص: ۶۷

۱- . حج/۳۸.

۲- . تحف العقول، ص ۵۷.

۵- عوامل غفلت از حسابرسی قیامت

اشاره

ص: ۶۹

ایجاد انگیزه

ایجاد انگیزه (۲)

یکی از ورزش های مورد تاکید دین اسلام تیراندازی است. تیراندازی آداب و تکنیک هایی دارد که رعایت و ملاحظه آن می تواند در اصابت تیر به سیل کمک کند. در مسابقات تیر اندازی معمولاً تعدادی تیر به عنوان «قلق گیری اسلحه» به افراد داده می شود تا میزان خطای اسلحه را سنجیده و سپس بر اساس آن تیرهای بعدی را به هدف بزند. اگر در قلق گیری حتی یک تیر را بدون دقت شلیک کنند، تیراندازی دقیقی صورت نخواهد پذیرفت. آنان که حسابگر هستند هیچ یک از تیرها را هدر نداده و از فرصت پیش آمده نهایت استفاده را می کنند و عده ای بی هدف و فقط با هدف سرگرمی و تفریح شلیک می کنند. آنچه در نگاه این افراد مهم می باشد، تعداد تیری است که از لوله تفنگ خارج می شود و مهم نیست چند تیر به

ص: ۷۱

۱- . انبیا/۱.

۲- . روش ابهام در موضوع.

هدف اصابت کند. آنانکه با حسابگری شلیک کرده اند، با اقتدار پای سییل رفته و تیرهای اصابت کرده را می شمارند؛ اما آنانکه بی هدف و بدون حسابگری شلیک نموده اند، از رفتن پای سییل واهمه دارند. آنگاه که تیرها تمام می شود و آخرین نفر تفنگش را بر زمین می گذارد، همه انسان ها به کنار سییل می روند و شمارش و اندازه گیری آ؛ از می گردد.

عالم دنیا هم محلی است که همه آدم ها در آن به سوی سییل مشخصی تیر می اندازند و تا آخرین فرد از عالم دنیا نرود، عالم آخرت شروع نمی شود.

برخی از افرادی که از روی حسابگری تیر می انداخته اند فکر می کنند، چند تیرشان به هدف خورده است؛ اما وقتی نزدیک سییل می رسند، تازه متوجه می شود که خبری نیست تا چه رسد به انسان هایی که بی حساب تیر انداخته اند این افراد بازندگان واقعی هستند.

در عالم آخرت ترازوی عدل الهی نهاده شده و با دقت خاصی، اعمال بندگان حسابرسی می شود؛ اما عده ای از این دادگاه و حسابرسی غافل هستند و آن را به فراموشی سپرده اند. این لحظات چنان وحشتناک است که انسان های مؤمن از آن می ترسند، تا چه رسد به افرادی که از آن غافل بوده اند.

متن و محتوا

غفلت یعنی آدمی استعدادش را از دست بدهد و از شرایط موجود به خوبی بهره نبرد.

ص: ۷۲

قرآن کریم می فرماید: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْإِنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ(۱)؛ کثیری از جن و انس را (گویا) برای جهنم آفریدیم؛ (زیرا) اینان قلب دارند، ولی (حقایق را) نمی فهمند؛ و چشم دارند، ولی نمی بینند (که سرانجام نافرمانی خدا چیست) و گوش دارند ولی نمی شنوند؛ (و خود را به کری می زنند) اینان همچون چهارپایان بلکه گمراه ترند؛ آن ها غافل اند. (و غفلتشان از شنیدن و دیدن انسانی و تفکر محرومشان کرده است.»

منظور از غفلت می تواند اعم از غفلت از خدا، غفلت از آیات خدا، یا غفلت از آخرت، باشد. یا به تعبیر دیگر، غفلت از هر آنچه که انسان را، به سوی کمال می برد: «وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَنِ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ(۲)؛

بسیاری از مردم از آیات و نشانه های ما غافل اند.» یا غفلت از حسابرسی روز قیامت که خداوند متعال در قرآن می فرماید: «اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ(۳)؛

مردم با وجود نزدیکی حسابشان و روز حساب، در غفلت از آن به سر می برند.»

آیا دردی بالاتر از این است که ما به فکر آباد کردن خانه دنیایی خود هستیم؛ به فکر رنگ کردن خانه و نظافت خانه هستیم؛ به فکر عوض کردن فرش های خانه هستیم؛ اما اینکه ممکن است

ص: ۷۳

۱- . اعراف / ۱۷۹.

۲- . یونس / ۹۱.

۳- . انبیا / ۱.

امشب شب اول قبر ما باشد، از آن غافلیم. از کتاب اعمال خود غافلیم و از حسابرسی دقیق خدا غفلت داریم!

اما چه عواملی سبب غفلت ما از حسابرسی روز قیامت می شود؟ مهم ترین عوامل ایجاد کننده غفلت از حساب که در آیات و روایات بدان ها اشاره شده، از این قرار است.

دل بستگی افراطی به دنیا

توجه افراطی به دنیا یکی از عوامل غفلت از حسابرسی است. در قرآن کریم آمده: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ أُولَئِكَ مَأْوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ(۱)»؛ آن ها که ایمان به ملاقات ما (و روز رستاخیز) ندارند، و به زندگی دنیا خشنود شدند و بر آن تکیه کردند، و آن ها که از آیات ما غافل اند. (همه) آن ها جایگاهشان آتش است، به خاطر کارهایی که انجام می دادند.»

امام باقر (علیه السلام) خطاب به جابر می فرماید: «يَا جَابِرُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يَتَّبِعِي لَهُ أَنْ يَزَكَنَ وَيَطْمَئِنَّ إِلَى زَهْرَةِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاعْلَمْ أَنَّ أَبْنَاءَ الدُّنْيَا هُمْ أَهْلُ غَفْلَةٍ(۲)»؛ ای جابر! شایسته نیست انسان با ایمان، متکی و دلگرم به زرق و برق این زندگی باشد، بدان که فرزندان (و دل باختگان) دنیا اهل غفلت اند.»

ص: ۷۴

۱- یونس / ۷ و ۸.

۲- تحف العقول عن آل رسول (صلی الله علیه و آله)، ص ۲۸۷.

در حکایتی آمده، حیوانی درنده، مردی را دنبال می کرد و او فرار می کرد تا اینکه چاهی دید که دو شاخه در دیواره آن روئیده بود، خود را در آن چاه انداخت و آن دو شاخه چوب را به دست گرفت تا در قعر چاه نیفتد. ناگاه متوجه شد که دو موش بزرگ یکی سفید و دیگری سیاه، مشغول جویدن ریشه های آن دو شاخه هستند. به قعر چاه نگاه کرد، اژدهایی را دید که دهان گشوده و منتظر افتادن اوست تا او را فرو برد.

در نزدیک خود چهار افعی دید که از لانه های خود، سر در آورده و آماده نیش زدن او هستند. هنگامی که سرش را بالا کرد، مقداری عسل دید که به سر آن دو شاخه چسبیده است. پس مشغول لیسیدن آن عسل شد و لذت شیرینی عسل، او را از خطر افعی ها و افتادن در دهان اژدها، غافل ساخت!

ای عزیز! بدن آن چاه، عالم دنیا است که پر از آفت ها و بلاها و مصیبت ها می باشد و آن دو شاخه، عمر آدمی است و آن دو موش، روز و شب هستند که پیوسته عمر آدمی را قطع می کنند و آن چهار افعی، اخلاط (عبارت اند از: صفرا، سودا، بلغم، خون) چهارگانه اند که به منزله زهرهای کشنده می باشند که آدمی نمی داند چه وقت به هیجان می آیند تا صاحب خود را هلاک کنند و آن اژدها، مرگ است که در راه انسان و منتظر اوست و آن عسل که انسان فریفته او شده و با همه آلودگی اش او را از آنچه ذکر شد، غافل ساخته است، لذت ها و خواهش ها و نعمت ها و عیش های دنیا است. (۱)

این لذت ها و زیبایی های دنیا است که باعث می شود گوش

ص: ۷۵

انسان نشنود چشم نبیند و حتی درک سختی ها را تحت تأثیر قرار دهد، همین دلبستگی هاست که ما را از حساب و قیامت غافل می کند و ما را در صحرای محشر دست خالی قرار می دهد!

روزی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) وارد بازار بصره شدند. به مردمی که در حال خرید و فروش بودند، نگاهی کرد و سخت گریست و آنگاه فرمود: «ای بنندگان دنیا و کارگران اهل دنیا! روز را به سوگند خوردن ها می گذرانید و شب را به خوابیدن در بسترهایتان و در این میان از آخرت غافلید، پس کی توشه آخرت فراهم می آورید و در کار معاد می اندیشید؟ مردی عرض کرد: ای امیرالمؤمنین! باید برای تأمین زندگی خویش بکوشیم و گرنه چه کنیم؟ امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: کسب درآمد از راه حلال، مانع کار آخرت نیست؛ اما اگر بگویی: چاره ای از احتکار نداریم، عذرت پذیرفته نیست! آن مرد با چشمی گریان برگشت. امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: برگرد تا برایت بیشتر توضیح دهم. مرد برگشت. حضرت فرمودند: بدان ای بنده خدا! که هر کسی در دنیا برای آخرت کار کند، لاجرم مزد کارش را در آخرت کامل دریافت می کند و هر کسی در دنیا برای دنیا کار کند، مزد کارش در آخرت آتش دوزخ است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) سپس این سخن خدای تعالی را تلاوت کرد: «فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ وَ آثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ (۱)»؛

پس هر که طغیان کرد و زندگی این جهانی را برگزید، همانا جهنم جایگاه اوست» (۲)

ص: ۷۶

۱- . نازعات/۳۷-۳۹.

۲- . میزان الحکمه ج ۶ ص ۲۶۳۳.

از دیگر عوامل غفلت از حسابرسی قیامت «آرزوهای طولانی» است؛ چرا که آرزوهای دور، تمام فکر انسان را به خود مشغول ساخته و از دیگر کارها غافل می سازد. امام علی (علیه السلام) در این باره می فرماید: «إِنَّ الْأَمَلَ يُشِيهِ الْقَلْبَ وَ يُكْذِبُ الْوَعْدَ وَ يُكْثِرُ الْغَفْلَةَ (۱)؛ بدانید آرزو دل را به فراموشی می کشاند، وعده ها را دروغ جلوه می دهد و غفلت را زیاد می کند.»

در جای دیگر حضرت از طولانی بودن آرزوها اعلام ترس می کنند؛ زیرا که انسان را از حساب آخرت غافل می کند: «إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَيْنِ اتَّبَعَ الْهَوَى وَ طُولَ الْأَمَلِ فَأَمَّا اتَّبَعَ الْهَوَى فَإِنَّهُ يَرُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ أَمَّا طُولَ الْأَمَلِ فَيَنْسِي الْآخِرَةَ (۲)؛

همانا من بر شما از دو چیز می ترسم: پیروی از هوای نفس و آرزوهای طولانی پس همانا پیروی از هوای نفس از حق دور می کند و آرزوهای طولانی سبب غفلت از آخرت می شود.»

آرزوی طولانی ثروتمندان و قدرتمندان و شاهان را به ثروت اندوزی و ساختن کاخ ها و قصرها وا می دارد.

گویند: چون مسعود، پسر محمد غزنوی پس از پدر بر تخت سلطنت نشست، دستور داد تا وزیر پدرش را که حسنک نام داشت در جلوی کاخ به دار آویزند. در این زمان، مردم بر گرد جسدش جمع شدند و به سرزنش و شمردن عیب های او پرداختند. از آخر

ص: ۷۷

۱- . الغارات، ج ۲، ص ۴۳۶.

۲- . المحاسن، ج ۱، ص ۲۱۲.

جمعیت، ژنده پوشی، برخواست و گفت: او عیب دیگری داشت که از همه آنچه که شما گفتید، بدتر بود. پرسیدند: آن چه بود؟ گفت: او کاخ ها بر پا کرد و کاریزها و کارگاه ها ساخت که در آن کارگاه ها، پارچه های ابریشمی می بافتند. او هزار خدمتکار داشت که از نظر جمال و زیبایی، مانند نداشتند. اما از آن همه کاریز که ساخت، پنج سطل آب برای غسل دادنش کافی بود! از آن همه پارچه که در کارگاه هایش می بافتند، پنج گز برای کفنش بس بود! از آن همه کاخ ها، نصیبش فقط ده خشت است! و از آن همه خدمتکار، سهمش چهار حمال است که جنازه اش را بردارند! و از آن همه زمین که داشت، چهار گز برای او باقی ماند که در آن به خاکش بسپارند! عیب او آن بود که در این جهان ادعای دانایی می کرد، اما ذره ای از عیوب و نقایص این جهان را شناخت.»(۱)

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمودند: وقتی که این آیه بر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نازل شد: «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ - فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ...»(۲)؛

ابلیس (پدر شیطان ها) سخت ناراحت گردید. بالای کوهی در مکه به نام «تُور» رفت و آثرِ خطرش بلند شد و همه یارانش را دعوت نمود. همه بچه شیطان ها جمع شدند. ابلیس نزول آیات فوق را به اطلاع آنان رساند و اظهار نگرانی کرد و از آن ها کمک خواست. یکی از یاران او گفت: من با دعوت نمودن انسان ها از این گناه به آن گناه، اثر این آیه را خنثی می کنم. ابلیس سخن او را نپذیرفت. دیگری پیشنهادی شبیه اولی کرد؛ ولی باز مورد پذیرش ابلیس

ص: ۷۸

۱- . دریای جان، ص ۱۶۶.

۲- . آل عمران/ ۱۳۵ و ۱۳۶.

قرار نگرفت. تا اینکه از میان شیطان‌ها، شیطان کهنه کاری به نام «وسواس خناس» گفت: پیشنهاد من این است که فرزندان آدم را با وعده‌ها و آرزوهای طولانی آلوده به گناه می‌کنم و می‌گویم که الآن برای توبه کردن زود است و فرصت استغفار و توبه بسیار است، وقتی که مرتکب گناه شدند، خدا را فراموش کرده و بازگشت به سوی خدا و توبه از خاطر آنان محو می‌گردد. ابلیس گفت: «مرحبا! راه همین است. سپس این مأموریت را تا پایان دنیا به او سپرد.»^(۱)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: آنگاه که حضرت عیسی (علیه السلام) با حواریین سیاحت می‌نمود، به دهکده‌ای رسید که تمام ساکنین آن، در بین راه و منزلشان مرده بودند، فرمود: این‌ها به مرگ طبیعی از بین نرفته‌اند. قطعاً مورد غضب خدا قرار گرفته و بر آن‌ها عذاب نازل گردیده است. پیروانش گفتند: ای کاش ما می‌توانستیم از جریان ایشان، مطلع شویم! به حضرت عیسی (علیه السلام) خطاب رسید: در میان مردگان صدا بزن، یک نفر از آنان جواب تو را خواهد داد. حضرت عیسی (علیه السلام) با صدای بلند فرمود: ای ساکنین قریه! شخصی از آن‌ها جواب داد: چه می‌گویی ای روح الله؟

حضرت پرسید: داستان شما چه بوده و اکنون حالتان چگونه است؟ پاسخ داد: ما صبحگاهی با سلامتی و خاطری آسوده، سر از خواب برداشتیم و شبانگاه همه در هاویه افتادیم. فرمود: هاویه چیست؟ گفت: دریا‌های آتش که کوه‌هایی مشتعل در میان آن است. حضرت پرسید: از چه رو به این گرفتاری مبتلا

ص: ۷۹

شدید؟ گفت: دوست داشتن دنیا و پرستش طاغوت، ما را به این روز انداخت. سؤال کرد: چه اندازه به دنیا علاقه داشتید؟ گفت: «كُحِبُّ الصَّبِيَّ إِذَا أَقْبَلَتْ فَرِحَ وَإِذَا أَدْبَرَتْ حَزِنَ؛ همانند علاقه کودک شیرخوار به مادرش که چون به او رو می آورد، خوشحال می شود و هر وقت بر می گردد، اندوهگین می شود.»

حضرت پرسید: به چه اندازه طاغوت را می پرستیدید؟ جواب داد: هر چه می گفتند، اطاعت می کردیم. فرمود: چرا از بین این جمعیت، فقط تو با من سخن گفتی؟ پاسخ داد: زیرا این ها دهانشان با لجام های آتشین بسته است، ملانکه تندخو و سختگیر، مأمور آن هainد، من در میان آن ها بودم؛ ولی در رفتار، از ایشان پیروی نمی کردم، هنگامی که عذاب خدا رسید، مرا هم فرا گرفت، اینک از مویی کنار جهنم آویزانم، می ترسم در میان آتش فرود آیم.

پس حضرت عیسی (علیه السلام) به یاران خویش فرمود: «النَّوْمُ عَلَى الْمَزَابِلِ وَ أَكْلُ خُبْزِ الشَّعِيرِ كَثِيرٌ مَعَ سَيِّئَاتِهِ الدِّينِ (۱)؛ به راستی که خوابیدن در مزبله ها (بدترین جایگاه ها) و خوردن نان جو، برای انسان خیر فراوانی است، اگر دین او در سلامت باشد.»

لقمه حرام

لقمه حرام و غفلت، همبستگی متقابل دارند. غفلت، انسان را به برخورداری نامشروع و خلاف قانون و شرع سوق می دهد و

ص: ۸۰

ثروت های بادآورده، آدمی را به غفلت می کشاند.

مولوی با الهام از ادبیات روایی بر اثر لقمه تاکید می کند. از نظر او لقمه مانند تخم است که میوه درخت آن، اندیشه است و در تمثیل دیگر: لقمه مانند دریا است و اندیشه، صدف و گوهر آن است. ارتباط وثیق لقمه و اندیشه در دیدگاه مولوی به گونه ای است که می توان در شناخت شخصیت آدمی فرمول زیر را به کار رفت: «بگو چه می خوری تا بگویم چه می اندیشی»

بنابراین لقمه حلال سبب افزایش علم، حکمت، عشق، رقت، و میل به خدمت و خلق و عزم تعالی جستن می شود و لقمه حرام برخلاف آن سبب به وجود آمدن حسد، جهل، غفلت و زندانی شدن فرد می گردد.

ص: ۸۱

۶- آثار تقوا در زندگی

اشاره

ص: ۸۳

«مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (۱)

ایجاد انگیزه

ایجاد انگیزه (۲)

در این فرصت از فضیلتی سخن به میان خواهد آمد که ریشه بسیاری از صفات نیک است و عامل پرهیز از گناهان و رذایل اخلاقی می باشد؛ فضیلتی که موجب افزایش رزق و روزی شده و به انسان بصیرت می بخشد؛ فضیلتی که عامل موفقیت و توفیق برخی افراد در سرنوشتان بوده است.

با کسب این فضیلت می توان در مسیر رشد معنوی و سیر و سلوک عرفانی قرار گرفت. این فضیلت ریشه و اساس هر خیر و سعادت است و بر همه اعمال نیک مقدم می باشد.

معصومان (علیهم) از ما می خواهند کوشش ما در انجام این عمل، از سایر اعمال بیشتر باشد (۳)؛

زیرا هیچ عملی بدون آن پذیرفته نمی شود.

خداوند متعال، بعد از آنکه در سوره شمس هفت قسم مهم یاد

ص: ۸۵

۱- . طلاق/ ۲ و ۳.

۲- . روش تعریف از موضوع به همراه ابهام موضوع.

۳- . «أَشَدَّ اهْتِمَاماً مِنْكَ بِالْعَمَلِ» مکارم الأخلاق، ص ۴۶۸.

می کند، از رستگاری افرادی سخن گفته که مزین به این صفت هستند: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا»

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) درباره این فضیلت می فرمایند: «سَبَبُ صَلَاحِ الْإِيْمَانِ التَّقْوَى (۱)؛

تقوا موجب اصلاح ایمان است.»

هر آن کاخی که از تقواست محکم

نسازد گردش دوران از آن کم

هر آن زرعی که آب از نهر تقوا

گرفت از تشنگی ها شد مبرا

اگر سودیست در ایمان و تقواست

زیان اندر گناه از حق تعالی است

متن و محتوا

تقوا در لغت به معنای پرهیزکاری و در اصطلاح به معنای خود نگه داری در برابر گناه است.

در عربی امروز به ترمز «وقایه» می گویند. وقایه از وقی و هم ریشه با تقواست؛ بنابراین تقوا یعنی ترمز در برابر چراغ قرمزها و توقف در برابر گناه و ترمز و توقف در برابر هر چیز غیر خدا.

از سالکی پرسیدند که «تقوا چگونه است؟» گفت: «هرگاه در زمینی وارد شدی که در آن خار وجود دارد، چه می کنی؟» گفت «دامن برمی گیرم و خویشان را مواظبت می نمایم.» گفت: «در

ص: ۸۶

دنيا نيز چنين كن كه تقوا اين گونه است»(۱)

تقوا به معنای گوشه نشینی و فاصله گرفتن از جامعه نیست. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در خطبه معروف متقین در توصیف افراد باتقوا می فرماید: «پرهیزکاران در این دنیا اهل فضائل اند، گفتارشان صواب، پوشاکشان اقتصادی و رفتارشان افتادگی است. از آنچه خدا بر آنان حرام کرده، چشم پوشیده و گوش های خود را وقف دانش با منفعت نموده اند. آنان را در بلا و سختی و آسایش و راحت حالتی یکسان است و اگر خداوند برای اقامتشان در دنیا زمان معینی را مقرر نکرده بود، از شوق ثواب و بیم از عذاب به اندازه چشم به هم زدنی روحشان در بدنشان قرار نمی گرفت. خداوند در باطنشان بزرگ و غیر او در دیدگانشان کوچک است. آنان با بهشت چنان اند که گویی آن را دیده و در فضایش غرق نعمت اند و با عذاب جهنم چنان اند که گویی آن را مشاهده نموده و در آن معذب اند.»(۲)

اما تقوا چه آثاری در زندگی ما دارد؟

آثار و برکات تقوا

تقوا هم در دنیا و هم در آخرت آثار و برکات بی شماری را به همراه دارد.

بصیرت افزایی

یکی از سلاح های مهم در مقابله با دشمنان در جنگ نرم، تقوای الهی است؛ زیرا دشمنان می کوشند تا با حق جلوه دادن عقاید، افکار و فرهنگ خویش، جامعه اسلامی را گمراه نمایند و تنها

ص: ۸۷

۱- . سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۷۸.

۲- . نهج البلاغه، خ ۱۹۳.

چیزی که می تواند در مقابل این توطئه آن ها، جامعه اسلامی را نجات دهد، سوق دادن جامعه به تقوای الهی است تا در پرتو آن، با روشن بینی و بصیرت، حق از باطل تشخیص داده شود و جامعه دچار گمراهی نگردد. خداوند در قرآن کریم، خطاب به مؤمنان می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا»^(۱)؛

ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر تقوای الهی داشته باشید، خداوند برای شما مایه تمیز (خوب و بد، حق و باطل) را قرار می دهد (روشن بینی خاصی که در پرتو آن، حق را از باطل خواهید شناخت)»

در آیه ای دیگر آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ»^(۲)؛

پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه های شیطان شوند، به یاد (خدا و پاداش و کیفر او) می افتند و (در پرتو یاد او، راه حق را می بینند و) ناگهان بینا می گردند.»

روایات معصومین (علیهم) نیز گاهی به شکل مستقیم، تقوا و پاکی از گناه را در بصیرت و روشن بینی روح مؤثر دانسته اند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «لَوْ لَا أَنَّ الشَّيَاطِينَ يَحُومُونَ عَلَى قُلُوبِ بَنِي آدَمَ لَنَظَرُوا إِلَى الْمَلَائِكَةِ»^(۳)؛ اگر شیاطین بر قلب های آدمیان مسلط نمی شدند، آن ها می توانستند باطن جهان هستی را بنگرند.»

ص: ۸۸

۱- . انفال/۲۹.

۲- . اعراف/۲۰۱.

۳- . بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۵۹.

گاهی نیز احادیث به طور غیرمستقیم این مطلب را بیان می کنند. مثل اینکه هواپرستی و از کف دادن زمام، تقوا را در تاریک شدن روح، تیرگی دل و خاموش شدن نور عقل مؤثر دانسته اند. حضرت علی (علیه السلام) در این باره می فرماید: «مَنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ أَغْمَاهُ وَ أَصَمَّهُ وَ أَذَلَّهُ وَ أَضَلَّهُ (۱)؛

هرکسی از هوای نفسش پیروی کند، او را کور و کر می کند و ذلیل و گمراه می سازد.»

در حقیقت ارتباط میان تقوا و بصیرت، یک منطق مسلم است. حافظ می گوید:

جمال یار ندارد نقاب و پرده ولی

غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد

غلبه بر مشکلات و سختی ها

خداوند متعال می فرماید: «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا (۲)؛ هر کسی تقوای الهی پیشه کند، خداوند کار را بر او آسان می سازد.»

در آیه دیگری می فرماید: «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا (۳)؛ هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند.»

ص: ۸۹

۱- . تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۶۵.

۲- . طلاق / ۴.

۳- . طلاق / ۲ و ۳.

از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده که فرمودند: «إِنِّي لَأَعْلَمُ آيَةَ لَوْ أَخَذَ بِهَا النَّاسُ لَكَفَّتْهُمْ وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ اللَّهُ الْآيَةَ فَمَا زَالَ يَقُولُهَا وَيُعِيدُهَا؛ مَنْ آيَةٍ أَيْ رَأَى شَيْئًا مِنْهَا فَهُوَ كَمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ...» است؛ و حضرت پیوسته این آیه را قرائت می کرد»^(۱)

بنابراین راه برون رفت از بن بست های اقتصادی، علمی، شغلی، تربیتی، اخلاقی و ... تقوای الهی است.

بر اساس آیات قرآن کریم، تقوای الهی، توان و صبری به فرد پارسا می دهد که در برابر دشمنان و حيله گران نیز خود را نمی بازد و در تنگنا قرار نمی گیرد؛ چرا که او با نور خداوندی می نگرد و با ایمانی که به وعده های الهی دارد، در مشکلات می ایستد: «إِنَّ تَصَبُّرًا وَ تَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا»^(۲)؛ اگر صبر کرده تقوا پیشه کنید، مکر و حيله آنان به شما ضرری نمی رساند.

مرحوم آیت الله بهاءالدینی نقل می کند: اوایلی که حضرت امام (ره)، انقلاب کردند من نگران امام بودم که نکند ایشان را اذیت کنند یا روحیه خودشان صدمه ببیند. من به دیدن ایشان رفتم؛ زیرا از جوانی با حاج آقا مصطفی خیلی رفیق بودم. از حاج آقا مصطفی حال امام پرسیدم. ایشان هم آدم شوخ طبعی بودند، به بنده فرمودند: آقای بهاءالدینی! پدر من آن قدر آرامش دارد که پا در کفش آمریکا و شاه کرده، توپیده به همه، از هیچ کسی هم نمی ترسد.

ص: ۹۰

۱- . تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۵۷.

۲- . آل عمران/۱۲۰.

«فَمَنْ اتَّقَىٰ وَ أَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (۱)

گفت: آن قدر آرامش دارد که شب بعد از اینکه کارهایش را انجام می دهد، سرش را می گذارد به متکا، هنوز سرش به متکا نرسیده خوابش می برد.

جالب است بدانید وقتی امام (ره) در هواپیما از فرانسه به ایران می آمدند. در حالی که حکومت به دست آمریکا و بختیار افتاده بود و امکان داشت هواپیما ایرادی داشته باشد، در کمال آرامش نماز شب خواندند و استراحت کردند. وقتی خبرنگار از ایشان پرسید: چه احساسی دارید؟ فرمودند: احساسی ندارم. این یعنی آرامش در پرتو تقوا. (۲)

آری «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ» (۳)؛ پرهیزگاران در جایگاه امنی قرار دارند.

حضرت علی (علیه السلام) در روایتی می فرمایند: «فَاعْتَصِمُوا بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّ لَهَا حَبْلًا وَثِقًا عُرْوَةً وَ مَعْقِلًا مَنِيعًا ذُرْوَةً» (۴) ؛ به تقوای الهی چنگ زنید که ریسمان آن دستگیره ای محکم دارد و پناهگاه آن مطمئن و دور از آسیب است.

گشایش در رزق و روزی

برخی از افراد خیال می کند که تقوا همچنان که محدودیت است، محرومیت هم هست! آن ها معتقدند، باتقوا زندگی کردن یعنی انسان خودش را از همه چیز محروم کند؛ اما آموزه های دینی عکس این قضیه را ذکر می کند.

ص: ۹۱

۱- . اعراف/۳۵.

۲- . نقل از حجت الاسلام فرحزاد در برنامه سمت خدا، ۱۳/۵/۹۳.

۳- . دخان/۵۱.

۴- . نهج البلاغه، خ ۱۹۰.

بر اساس گزاره های دینی از آنجا که فرد با تقوا، هرگز از راه های نامشروع به دنبال روزی نمی رود، خداوند راه دیگری از روزی به روی او باز می کند که آن راه، مزیتی دارد که راه عادی و معمولی و لو حلال هم باشد، ندارد.

خداوند متعال می فرماید: «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ (۱)؛ هر که تقوا پیشه کند، خداوند برای او راه خروج از تنگنا قرار می دهد و از آنجائی که گمان نمی برد به او روزی عطا کند.»

در آیه دیگری، باز شدن درهای برکات آسمان و زمین را در گرو ایمان و تقوای جامعه قرار داده و می فرماید: «لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَيَّاءِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ؛ اگر مردم هر منطقه ایمان آورده تقوا بورزند، درهای برکات آسمان و زمین را بر آنان می گشایم.»

البته این به معنای این نیست که انسان متقی نیازی به کار و تلاش ندارد و خداوند روزیش را بدون تلاش می رساند.

در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) آمده: وقتی آیه «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ ...» نازل شد، جمعی از یاران رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درها را بر روی خود بستند و به عبادت رو آوردند و گفتند خداوند روزی ما را عهده دار شده است، این جریان به گوش پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسید. کسی را نزد آن ها فرستاد که چرا چنین کرده اید؟ گفتند: ای رسول خدا! چون خداوند روزی ما را تکفل کرده ما به عبادت مشغول شدیم.

ص: ۹۲

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: کسی که چنین کند، دعایش مستجاب نمی شود و طلبش برآورده نمی گردد. (۱)

در تاریخ نمونه های فروانی از روزی های بی حساب تقل شده است.

عارف بزرگوار، آیت الله ارباب از اشخاصی بود که به مقامات و مدارج بالای علمی و معنوی رسیده و ایشان رزق علمی خود را از راه غیر معمول دریافت کرده بود.

آیت الله ارباب می گوید: اوایل طلبگی یک شب در حجره خود نشسته بودم، در حالی که از شدت سرما همه جا یخ زده بود. ناگهان در حجره من به صدا درآمد. وقتی در را باز کردم، دیدم زنی است که اهل یکی از روستاهای اطراف می باشد. زن گفت: من اهل فلان روستایم، ماشین های روستای ما رفته اند و من پول هایم را خرج کرده ام و فعلاً پولی ندارم که به مسافرخانه بروم، اینجا هم کسی را نمی شناسم، چون این مکان (مدرسه طلاب) محل امنی است، آمده ام اگر اجازه دهید، امشب را در حجره شما بمانم، گفتم: بیا داخل.

آمد، گوشه حجره نشست. ناگهان نفسم شروع به وسوسه و تحریک نمود. به سرعت عبایم را برداشتم، از حجره خارج شدم و به محل کلاس مدرسه رفتم و آن شب سرد را بدون لوازم گرم تا صبح در آنجا ماندم تا مبادا نگاه و نظری داشته باشم که مورد رضایت مولایم امام زمان (عج) نباشد.

هنگام صبح که آمدم، دیدم آن زن رفته است. آماده شدم و برای کلاس به نزد استاد رفتم. ناگهان متوجه شدم آنچه استاد

ص: ۹۳

می فرماید، مانند آینه در قلب من نقش می بندد و هرچه به من دادند، از همان ترک گناه دوران نوجوانی دادند. (۱)

مصونیت از گناه و معصیت

برکت دیگر تقوا که به انسان متقی می رسد، مصونیت از گناه است؛ زیرا هم خداوند، انسان متقی را تحت حمایت خود قرار می دهد و بارها در قرآن به نقش ولایت خداوند و سرپرستی او از مؤمنان اشاره کرده است «اللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ» (۲) و هم اینکه انسان پرهیزگار در پرتو نور تقوا، بسیاری از خطراتی که ناشی از غفلت و عدم آینده نگری ممکن است به او برسد را دفع می کند و تکلیف خویش را در فتنه ها، ناهنجاری ها و التهابات خانوادگی و اجتماعی می داند و مجهز به سپری محکم و لباسی محفوظ به نام تقواست. از این روست که در تشبیه جالبی در قرآن از تقوا به لباس تعبیر شده است «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوَاتِكُمْ وَرِيشًا وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكُمْ خَيْرٌ ذَلِكُمْ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ» (۳)؛ ای فرزندان آدم! لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می پوشاند و مایه زینت شماست؛ اما لباس پرهیزگاری بهتر است! این ها (همه) از آیات خداست تا متذکر (نعمت های او) شوند!

امام باقر (علیه السلام) در تفسیر این فراز از آیه می فرماید: «لباس» همان جامه هایی است که می پوشند و «لباس تقوا» عفاف و پاک دامنی

ص: ۹۴

۱- نگاه پاک (بررسی نگاه به نامحرم، مرزها و آثار آن)، یاسین کمالی وحدت .

۲- جاثیه/۱۹.

۳- اعراف/۲۶.

است؛ زیرا شخص پاک دامن اگرچه برهنه از لباس باشد، عیبی از او آشکار نمی شود و آلوده دامن، هرچند پوشیده از لباس باشد، عیب هایش آشکار است. خداوند می فرماید: «و لباس التقوی ذلک خیر» یعنی «العفاف خیر» (۱)

می توان گفت همان گونه که «لباس مادی» آدمی را در برابر سرما و گرما و خطرات حفظ می کند، عیوب جسمانی را می پوشاند و مایه زینت آدمی است، تقوا نیز چنین تأثیراتی را بر جسم و روح آدمی به همراه دارد.

شبی طلبه ای جوان به نام «محمدباقر» در اتاق خود مشغول مطالعه بود که به ناگاه دختر جوانی وارد اتاق او شد. آن دختر به سرعت در را بست و طلبه بی چاره را مجبور کرد تا سکوت کند. دختر گفت: من شاهزاده ای هستم که به خاطر درگیری با زنان داخل کاخ فرار کرده ام. آنگاه با غرور خاصی از آن طلبه خواست تا غذایی آماده کند! شاهزاده بعد از صرف شام، در گوشه ای از اتاق خوابید.

صبح روز بعد، مأموران حکومتی متوجه شدند که شاهزاده خانم از اتاق آن طلبه خارج شد. او را به همراه طلبه جوان، نزد شاه بردند. شاه با عصبانیت از آن طلبه پرسید: چرا شب به ما خبر ندادی؟

محمدباقر گفت: شاهزاده من را تهدید کرد و گفت: اگر به کسی خبر دهم، مرا به دست مأموران حکومت خواهد سپرد. شاه دستور داد تحقیق شود که آیا این جوان در شب گذشته خطایی کرده یا نه؟

بعد از آنکه متوجه شد از آن طلبه جوان، هیچ گونه خیانتی سر

ص: ۹۵

نزده است، از او پرسید: چگونه توانستی شهوت خود را کنترل کنی و گناهی انجام ندادی؟

محمدباقر انگشتان خود را نشان داد. شاه متوجه شد تمام انگشتانش سوخته است! علت را پرسید.

طلبه جوان گفت: شب گذشته، هنگامی که شاهزاده به خواب رفت، نفس اماره همواره مرا وسوسه می نمود؛ اما هر بار که نفسم وسوسه می کرد، یکی از انگشتانم را بر روی شعله سوزان شمع می گذاشتم تا طعم آتش جهنم را بچشم و بالاخره از سر شب تا صبح با این روش با نفسم مبارزه کردم و به فضل خدا، شیطان و نفس اماره نتوانست مرا از راه راست، منحرف کند و ایمانم را بسوزاند.

شاه عباس، از تقوا و پرهیزکاری آن طلبه جوان خوشش آمد و دستور داد تا همین شاهزاده را به عقد میر محمدباقر در آوردند و به او لقب میرداماد دادند.^(۱)

محمدباقر بر اثر پرهیز از گناه و کنترل شهوت خود، به جایی رسید که امروزه تمام عالمان بزرگ از وی به عظمت و نیکی یاد کرده و نام و یادش را گرامی می دارند.

«سید محمد سعید جعفری کرمانشاهی» یکی از جوانان متقی است که در جنگ تحمیلی به شهادت رسید. برادر سعید به نام «سید شجاع الدین» می گوید: قرار بود شب به عملیات برویم. سعید چندین ساعت قبل از شهادتش پیش من آمد. نزدیکی های غروب به من گفت: «آقا شجاع! بریم غسل شهادت کنیم؟» با خوشحالی گفتم: بریم.

در نزدیکی ما موقعیتی بود به نام رودخانه امام حسن (علیه السلام) که

ص: ۹۶

از سرشاخه های رود الوند به حساب می آمد، آب زلالی داشت و عمقش هم تقریباً به اندازه یک نفر بود.

آقا سعید در طول مسیر با من صحبت می کرد و از اهمیت امر به معروف و نهی از منکر و لزوم پرهیزکاری سخن می گفت. ... صحبت هایمان تا زمان بیرون آمدن از آب هم ادامه یافت. توصیه هایی به من فرمود از جمله آنکه گفت: «تو الآن در سستی قرار داری که در معرض نگاه حرام هستی. چشمانت را پاک نگهدار و از گناه دوری کن»

گفتم: آقا سعید! روزگار طوری نیست که بشود تقوا را آن طور که شما می گوئید نگه داشت. صبح که از منزل بیرون می آییم کسانی را می بینیم که حجابشان را درست رعایت نمی کنند

آقا سعید همان طور که سرش را با حوله خشک می کرد، پرسید: «سن شما بیشتر است یا من؟»

گفتم: شما.

حوله را از روی صورتش کنار زد و گفت: «به وجود مقدس امام زمان (عج) تا به امروز یک نگاه حرام نکرده ام!»

این سوگند بزرگ ترین قسم سعید بود و چنان این حرف را محکم زد که اشک در چشمانم حلقه بست. (۱)

مقصد من خواجه مولای من است

توشه من نیز تقوای من است

در مناجاتم چو موسی با اله

خلوت دل، طور سینای من است (۲)

ص: ۹۷

۱- . رجا نیوز، ۴/۶/۹۲.

۲- . وحدت کرمانشاهی.

۷- پیامدها و عواقب اسراف

اشاره

ص: ۹۹

«وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (۱)

ایجاد انگیزه

ایجاد انگیزه (۲)

محل استقرار بهداری و درمانگاه لشکر، نزدیک چادر فرماندهی بود. داخل چادر نشسته بودم که از بیرون کسی مرا به اسم صدا کرد. بیرون که آمدم آقا مهدی را جلوی چادر تدارکات بهداری دیدم. کیسه ای را با یک دست گرفته بود و با دست دیگرش لای نان خورده ها را می گشت.

سلام کردم، جواب سلامم را داد و تکه نانی را از کیسه بیرون آورد و به من نشان داد و گفت:

— برادر رحمان! این نان را می شود، خورد؟

— بله، آقا مهدی می شود.

دوباره دست در کیسه کرد و تکه نان دیگری را از داخل گونی بیرون آورد.

— این را چطور؟ آیا این را هم می توان استفاده کرد؟

ص: ۱۰۱

۱- . اعراف/۳۱.

۲- . روش داستانی.

سرم را پایین انداختم. چه جوابی می توانستم بدهم؟ آقا مهدی باکری ادامه داد.

— الله بنده سی... (۱) پس چرا کفران نعمت می کنید؟... آیا هیچ می دانید که این نان ها با چه مصیبتی از پشت جبهه به اینجا می رسد؟... هیچ می دانید که هزینه رسیدن هر نان از پشت جبهه به اینجا، حداقل ده تومان است؟ چه جوابی به خدا خواهید داد؟

سپس بدون آنکه چیز دیگری بگوید، سرش را به زیر انداخت و از چادر تدارکات دور شد و مرا با وجدان بیدار شده ام، تنها گذاشت و رفت. (۲)

متن و محتوا

اسراف، به معنای زیاده روی و تجاوز از حد اعتدال است. (۳) اسراف، حرام است. برخی حرمت آن را از ضروریات دین دانسته (۴) و برخی در ردیف گناهان کبیره شمرده اند. (۵)

از دیدگاه قرآن، اسراف یکی از نکوهیده ترین کارها است که حتی اسراف کنندگان را اصحاب دوزخ می شمارد: «إِنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ (۶)»

اسراف در مصرف، به یکی از شیوه های زیر اتفاق می افتد:

۱. اتلاف و ضایع نمودن هر گونه شیء قابل استفاده؛

روزی حسن بصری و امیرالمؤمنین (علیه السلام) کنار شط فرات بودند. حسن ظرفی را پر از آب نمود و مقداری از آن را آشامید، سپس

ص: ۱۰۲

۱- . تکیه کلام شهید باکری به معنای «بنده خدا»

۲- . خداحافظ سردار، نوشته سید قاسم ناظمی، چاپ سوم، صفحه ۲۵. خاطره از رحمان رحمان زاده.

۳- . جمع البیان، ج ۴، ص ۱۷۶.

۴- . عوائد الایام، ص ۶۱۵.

۵- . جواهر الکلام ج ۱۳، ص ۳۱۳. و ج ۱۳، ص ۳۲۰.

۶- . غافر/۴۳.

مابقی را روی زمین ریخت. علی (علیه السلام) فرمود: در این کار اسراف نمودی، زیرا آب را بر زمین ریختی و بر روی آب نریختی! (۱)

۲. رها کردن و بدون استفاده گذاردن هر نوع سرمایه؛

۳. مصرف اشیا؛ به نحوی که فایده مادی یا معنوی به بار نیاورد؛

۴. مصرف بیش از میزان درآمد؛ به نحوی که در شأن شخص نباشد؛ مانند خرید وسایل تزئینی و تجملات برای کسی که توان تأمین معاش خود را ندارد؛

نقل شده روزی حضرت علی (علیه السلام) برای عیادت «علاء بن زیاد حارثی» به منزل او وارد شد. هنگامی که وسعت خانه و زرق و برق اسباب و وسایل او را دید فرمود: در این دنیا، با وسعت این خانه چه می کردی! آگاه باش که در آخرت بدان نیازمندی تری، آری اگر خواهی توانی به وسیله آن به آخرت خوبی برسی، در آن مهمان نوازی کنی، و صله رحم نمائی و حقوق را به وسیله آن به جای خودشان رسانی و در این صورت است که به وسیله آن به آخرت خوبی می رسی. (۲)

۵. مصرف بیش از حد و افزون بر نیاز؛ مانند خرید چند خانه یا پرخوری و ...

افزون بر این موارد، هرگونه مصرف سرمایه در راه گناه، مصداق اسراف شمرده می شود. (۳)

عمل حرام و گناه اسراف که متأسفانه امروزه به صورت عرف و عادت و گاه یک ارزش درآمده، پیامدها و عواقب شومی هم در دنیا و هم در آخرت به همراه دارد.

ص: ۱۰۳

۱- . انوار نعمانیه، ص ۲۲۶.

۲- . بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۵۳.

۳- . دانشنامه مجازی اهل بیت (علیهم).

۱. زوال نعمت و کم برکتی در روزی

میانه روی در تمام ابعاد زندگی، از جمله ویژگی های مؤمنان است. کسانی که در زندگی به اسراف و تبذیر مبتلا می شوند، نعمت از دستشان می رود. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند: «الْقَصِيدُ مِثْرَاهُ وَ السَّرْفُ مَثْوَاهُ (۱)؛ میانه روی، موجب فراوانی مال و اسراف، باعث تباهی آن است»

امام کاظم (علیه السلام) می فرمایند: «مَنْ اِقْتَصَدَ وَ قَنَعَ بَقِيَّتْ عَلَيْهِ النُّعْمَةُ وَ مَنْ بَدَّرَ وَ اسْرَفَ زَالَتْ عَنْهُ النُّعْمَةُ (۲)؛ کسی که میانه روی و قناعت ورزد، نعمتش باقی می ماند و آنکه تبذیر و اسراف کند، نعمتش زوال می پذیرد»

گاهی ممکن است اسرافکار، نعمت زیادی در اختیار داشته باشد؛ اما اسراف، برکت را از او می گیرد. امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «إِنَّ مَعَ الْاِسْرَافِ قِلَّةَ الْبُرْكَه (۳)؛ همانا اسراف، همراه با کاهش برکت است»

در کشور ما جمعیتی نزدیک به هشتاد میلیون نفر زندگی می کنند، اگر هر فرد ایرانی روزی تنها یک دانه برنج دور بریزد، می شود حداقل ۸۰۰۰۰۰۰۰ دانه برنج و از آنجا که به طور متوسط هر کیلو برنج حدود ۶۰۰۰ دانه است؛ بنابراین اگر این عدد را بر ۶۰۰۰ دانه (متوسط تعداد دانه های یک کیلو برنج) تقسیم کنیم، می شود،

ص: ۱۰۴

۱- . کافی، ج ۴، ص ۵۳.

۲- . بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۲۷.

۳- . کافی، ج ۴، ص ۵۵.

چیزی حدود ۴۸۰ کیلوگرم، و اگر این را ضرب در سی روز کنیم، در ماه حدود ۱۴۵ تن برنج دور ریخته می شود؛ البته این حداقل اسراف و در واقعیت بسیار بیش از این اتفاق می افتد.

در مراسم های عروسی و جشن و غذاهایی که در رستوران ها توزیع می شود، داخل هر بشقاب یا ظرف یک بار مصرف، چند عدد برنج دور ریخته می شود؟ والله اعلم!

آمار سازمان خواروبار و کشاورزی سازمان ملل نشان می دهد، بیش از یک سوم مواد غذایی در دنیا به خاطر اسراف و ضعف در مدیریت ذخیره سازی دور ریخته می شود. این مقدار که حدود یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تن است، می تواند ۸۴۲ میلیون گرسنه را در سراسر جهان سیر کند. آمارها در این زمینه نگران کننده است، به ویژه اگر آن را با رشد جمعیت بسنجیم تا جایی که فائو - سازمان جهانی خواروبار و کشاورزی - با ابراز نگرانی از این روند، از همه کشورهای دنیا خواسته تلاش خود را برای پیشگیری از فاجعه کمبود غذا و بحران منابع پایه ای در آینده نه چندان دور به کار ببندند.

طبق تحقیقات کارشناسان صنایع غذایی سازمان خواروبار و کشاورزی سازمان ملل با این الگوی مصرف نادرست و رشد جمعیت در سال ۲۰۵۰ منابع غذایی باید حجم محصولاتشان را ۶۰ درصد افزایش دهند؛ ولی اگر مدیریت درستی برای کنترل و مصرف مواد غذایی انجام گیرد، می توان این افزایش را به نصف رساند. البته برای تولید محصولات کشاورزی، انرژی، آب، خاک و... با توجه به گسترش کم آبی و خشک سالی در برخی کشورها

نمی توانیم مطمئن باشیم که بتوان تولید را برای جبران دور ریز غذا افزایش داد و قاعدتاً با جمعیت ۹ میلیاردی کره زمین در سال ۲۰۵۰ با گسترش گرسنگی و فقر روبه رو خواهیم بود. از این رو بسیاری از کارشناسان جنگ های بعدی را جنگ آب و جنگ غذا ارزیابی می کنند.^(۱)

۲- فقر و تنگدستی

بی شک یکی از عوامل مهم فقر و تنگدستی در جهان، اسراف و تبذیر است. حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «سَبَبُ الْفَقْرِ الْإِسْرَافُ»^(۲)؛ اسراف، سبب فقر است»

امام صادق (علیه السلام) خطاب به عبید فرمود: «يَا عَبِيدُ إِنَّ السَّرْفَ يورِثُ الْفَقْرَ وَ إِنَّ الْقَصْدَ يورِثُ الْغِنَى»^(۳)؛ ای عبید! اسراف، باعث فقر می شود و میانه روی، موجب بی نیازی می گردد»

بسیاری از افراد به خاطر داشتن ثروت زیاد، دست به انواع ریخت و پاش ها و ولخرجی ها می زنند و چون دارای ثروت هستند، ترسی از آینده ندارند؛ غافل از این که ولخرجی، موجب فقر و ورشکستگی است.

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «مَنْ افْتَحَرَ بِالتَّبْدِيرِ احْتَقَرَ بِالْإِفْلَاسِ»^(۴)؛ هر کس به ریخت و پاش افتخار کند، با تهیدستی (ورشکستگی) کوچک می شود»

ص: ۱۰۶

۱- سلامت نیوز: ۹/۲/۱۳۹۵. <http://www.salamatnews.com>.

۲- . تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۵۹.

۳- . الکافی، ج ۴ ف ص ۵۳.

۴- . تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۶۰.

اکنون که ما اینجا هستیم:

۸۷۰۰ میلیون نفر در جهان غذای کافی برای خوردن ندارند که این تعداد از سال ۱۹۹۰ تعداد ۱۳۰ میلیون کاسته شده؛ اما پس از سال ۲۰۰۸ کاهش تعداد گرسنگان روند کندی داشته است. (۱)

۰ فقر تغذیه ای، هر ساله باعث مرگ ۲/۶ میلیون کودک زیر پنج سال می شود، یعنی جمعیتی معادل یک سوم جمعیت کودکان جهان. (۲)

۰ ۶۶۰ میلیون کودک در مقطع ابتدایی در کشورهای در حال توسعه در سراسر جهان، به دلیل فقر گرسنه به مدرسه نمی روند. (۳)

با پرهیز از اسراف در جامعه می توان ریشه بسیاری از فقر و کمبودها را خشکاند.

مسلمه بن عبدالملک یکی از فرماندهان عمر بن عبدالعزیز است. روزی به خلیفه گزارش رسید که مسلمه در زندگی خود به زیاده روی و اسراف گراییده است و برای تهیه غذاهای گوناگون، روزانه هزار درهم خرج سفره می پردازد. عمر بن عبدالعزیز از این خبر به شدت ناراحت شد و شبی از مسلمه دعوت کرد تا شام را به طور خصوصی با خلیفه تناول کند. این دعوت برای او مایه سربلندی و افتخار بود و با کمال میل آن را پذیرفت. عمر بن عبدالعزیز به مسئول آشپزخانه خود دستور داد که در آن شب، انواع طعام ها را تهیه کند و آشی از عدس، پیاز و زیتون نیز آماده نماید و هنگامی که دستور آوردن شام داده می شود، در ابتدا آش را بر سر سفره آورد و سپس با مقداری فاصله، سایر غذاها را حاضر کند.

ص: ۱۰۷

۱- منبع سازمان برنامه جهانی غذا: ۲۰۱۲، State of Food Insecurity in the World, FAO

۲- همان منبع: ۲۰۱۱، UNICEF Levels and trends in child mortality

۳- همان منبع: ۲۰۱۲، WFP, Two Minutes to Learn About School Meals

شب موعود فرا رسید و مسلمة شرفیاب شد. مجلس بسیار خصوصی بود و جز میزبان و مهمان کسی حضور نداشت. عمر بن عبدالعزیز پیرامون اوضاع مردم و جنگ های آن منطقه از مسلمة پرسش هایی کرد و او پاسخ داد. مجلس به درازا کشید و از هنگام خوردن شام دو ساعتی گذشته بود که خلیفه دستور داد غذا را آورند. سفره گسترده شد و بر طبق قرار قبلی در ابتدا آش را حاضر کردند. مسلمة که سخت گرسنه شده بود به انتظار غذاهای دیگر نماند و خود را به آش سیر کرد. وقتی طعام های رنگارنگ را آوردند، اشتها نداشت و از آن ها چیزی نخورد. عمر بن عبدالعزیز سؤال کرد چرا نمی خوری؟ جواب داد سیر شده ام. خلیفه گفت: سبحان الله! تو از این آش که یک درهم خرج آن شده، سیر می شوی؛ اما برای رنگین کردن سفره خود، روزی هزار درهم خرج می کنی! از خدا بترس، اسراف نکن و این پول گرانی را که برای تجلیل صرف می نمایی به مستمندان بده که رضای خدا در آن است. موعظه خصوصی و تذکر خیرخواهانه عمر بن عبدالعزیز در مسلمة اثر گذارد، به عیب خود متوجه شد، از خلیفه سپاسگزاری کرد و با تحوّل فکری و روحی به منزل خویش بازگشت. (۱)

۳- وابستگی اقتصادی و سیاسی به بیگانگان

تاریخ ملت های مستضعف حاکی از این واقعیت تلخ است که آنان بر اثر اسراف گرایی در برابر فشار و تحریم اقتصادی سلطه گران تاب نیاورده و ناچار از تسلیم گشته اند؛ زیرا به مصرف بی رویه

ص: ۱۰۸

خو گرفته و تحمل کم و کاستی در خوراک و پوشاک و دیگر مواد مصرفی را نداشته اند. امام علی (علیه السلام) در روایتی این عمل را تذکر داده است: «لَا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ بِخَيْرٍ مَا لَمْ يَلْبَسُوا لِبَاسَ الْعَجَمِ وَ يَطْعَمُوا طَعَامَ الْعَجَمِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ ضَرَبَهُمُ اللَّهُ بِالذُّلِّ (۱)؛ کار این امت به خیر است تا آن زمان که لباس عجم (اشراف غیر عرب) نپوشند و خوراک های عجم نخورند و چون چنین کنند، خدا آنان را خوار می کند»

با توجه به آمارهای واردات و صادرات گندم در سطح جهان، می توان گفت کشورهای صنعتی مانند آمریکا، انگلیس فرانسه و... سعی در وابسته نگه داشتن کشورهای دیگر در زمینه تهیه اقلام اساسی دارند و به هیچ وجه عرصه تولید غذای اساسی را رها نکرده اند و هر ساله سعی دارند، سهم خود را از بازار جهانی کالاهای اساسی چون گندم بالا ببرند و این در حالی است که اغلب کشورهای اسلامی، واردکننده این غذای اساسی هستند و هر ساله بر میزان واردات آن ها و در نتیجه وابستگی آن ها به کشورهای غربی افزوده می شود.

این مسئله می تواند در بلندمدت تبعات بسیار خطرناکی برای کشورهای اسلامی به همراه داشته باشد چراکه کشورهای غربی می توانند با استفاده از ابزار تهیه غذای اساسی خواسته های خود را در هر زمینه ای و با حربه تحریم به کشورهای اسلامی تحمیل کنند.

ص: ۱۰۹

به جهت اهمیت بالایی این مطلب است که رهبر معظم انقلاب چند سالی است که مباحث اقتصادی را به عنوان ضرورت و اولویت کشور مطرح می کند و امسال را سال «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل» نام گذاری می کند؛ یعنی اینکه باید از حد شعار و سخن درآمده و در عمل اقتصاد خود را از وابستگی به غرب و شرق، بیمه کنیم.

ایشان پس از ابلاغ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و در تبیین این سیاست ها در حضور جمعی از مسئولان دستگاه های مختلف، فعالان اقتصادی، و مدیران مراکز علمی و رسانه ای و نظارتی فرمودند: «مسئله ششم (از سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی) امنیت اقلام راهبردی و اساسی است؛ در درجه اول غذا و دارو. باید تولید داخلی کشور طوری شکل بگیرد که کشور در هیچ شرایطی، در زمینه تغذیه و در زمینه دارو دچار مشکل نشود؛ این یکی از مؤلفه های اساسی در این سیاست هایی است که ابلاغ شده. باید خودکفا باشیم، بایستی زمینه های کاملاً کفایت کننده مورد توجه قرار بگیرد.»^(۱)

رهبر معظم انقلاب توصیه می کنند از اسراف دوری کنیم که یکی از اصول اقتصاد مقاومتی است و ما برای ایستادگی در مقابل نظام سلطه چاره ای جز تلاش مضاعف و مصرف صحیح نداریم.

مصر یکی از کشورهای مصرف گراست که وابستگی بسیار شدیدی به آمریکا از جهت واردات گندم دارد و اولین واردکننده گندم جهان است. مصر به تازگی خرید فوری گندم برای رفع نیازهای ضروری را درخواست کرده است. تولید داخلی گندم در

ص: ۱۱۰

۱- .بیانات در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی ۲۰/۱۲/۱۳۹۲.

مصر به شدت ضعیف است و این کشور ماهانه ۷۵۰.۰۰۰ تن گندم مصرف می کند و این یعنی زیاده روی در مصرف و سال گذشته مصر نزدیک به ۱۰ میلیون تن گندم وارد کرده است. (۱)

مجدی حسین نویسنده و روزنامه نگار و اندیشمند مصری در حلقه ای دیگر از سلسله مباحث «بندگی آمریکا شرک معاصر» به بررسی و تبیین مساله وابستگی مصر به آمریکا به عنوان یکی از مظاهر سرسپردگی و بندگی آمریکا می پردازد. (۲)

۴- دوری از رحمت خدا و چشیدن عذاب الهی

اسرافکار از رحمت خداوند دور بوده، گرفتار خشم الهی می شود. در قرآن کریم، چنین آمده است: «وَلَا تُشْرِكُوا أَنَّهُ لَا يَجِبُ الْمُشْرَفِينَ (۳)؛ زیاده روی نکنید که او اسراف کاران را دوست ندارد.»

امام جعفر صادق (علیه السلام) نیز در این زمینه فرمودند: «إِنَّ الْقَصِيْدَ أَمْرٌ يَجِبُهُ اللَّهُ وَإِنَّ السَّرْفَ أَمْرٌ يَنْغِضُهُ اللَّهُ (۴)؛ میانه روی چیزی است که خدای بزرگ آن را دوست می دارد و اسراف چیزی است که مورد غضب خداوند است.»

گویند: روزی بهلول کنار یکی از قصرهای مجلل هارون الرشید رفت و تکه زغالی برداشته و روی دیوار قصر نوشت: «رفع الطین علی الطین و وضع الدین؛ گل بر روی هم انباشته شده، ولی دین خوار و پست گردیده.»

ص: ۱۱۱

۱- <http://khabaronline.ir/detail/۳۰۳۴۵۸.۱۱/۲/۱۳۹۵>.

۲- خبرگزاری حوزه علمیه <http://hawzahnews.com/TextVersionDetail/۳۵۱۴۱۷>.

۳- اعراف/۳۱.

۴- کافی، ج ۴، ص ۵۲.

گچ ها بر هم مالیده شده؛ اما دستور صریح دین از بین رفته است. هارون در آن حال بهلول را دید و از او خواست تا جمله اش را تفسیر کند، بهلول گفت: اگر این کاخ را از پول و ثروت حلال خود ساخته ای، اسراف و زیاده روی نموده ای، «والله لا یحب المسرفین»؛ اما چنانچه از مال مردم باشد، به آن ها ستم کرده ای «والله لا یحب الظالمین» خداوند ستمکاران را دوست ندارد.

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ (۱)؛ افراط گران همدمان آتش اند.»

نقل شده هنگامی که امیرمؤمنان (علیه السلام) در عطایای بیت المال، رعایت مساوات کرد، عده ای از خودخواهان بر حضرت ایراد گرفتند! آن حضرت در پاسخ آنان، ضمن ایراد خطبه ای فرمودند: «آگاه باشید که بخشیدن مال در غیر حقش، تبذیر و اسراف است. این کار در دنیا، انجام دهنده آن را بالا می برد؛ ولی در آخرت، موجب سرافکنندگی وی می گردد و در میان مردم، گرامی اش می نماید؛ ولی در نزد خداوند، خوارش می سازد. هیچ کسی مال خودش را در غیر مورد حقش، مصرف نکرد و به غیراهلش نسپرد؛ جز این که خداوند او را از سپاس گزاری آنان، محروم ساخت و محبتشان با دیگری بود.» (۲)

ص: ۱۱۲

۱- . غافر/۴۳.

۲- . کافی، ج ۴، ص ۳۱.

٨- شاهدان اعمال

اشاره

ص: ١١٥

«وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ اِلَىٰ عَالَمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (۱)

ایجاد انگیزه

ایجاد انگیزه (۲)

مدتی است که پلیس راهنمایی و رانندگی برای جلوگیری از تخلفات و سوانح حادثه ساز در جاده ها و خیابان ها دوربین های مخفی کار گذاشته است. نصب این دوربین در کاهش تخلفات بسیار موثر بوده و معمولاً رانندگان هنگام عبور از این مسیرها در حرکاتشان بسیار دقت می کنند تا مبادا جریمه شوند.

امروزه بسیاری از فروشگاه ها و بانک ها و منازل این دوربین ها را برای امنیت و حفاظت در مکان های مناسب نصب می کنند. مراجعین نیز به هنگام عبور از مقابل این دوربین ها مواظب رفتار خود هستند تا مبادا عمل ناشایستی از ایشان سر بزند که بعداً موجب خجالت و سرافکنندگی آن ها گردد.

اما این دوربین های مادی است که ما نام بردیم و خوب است بدانیم خداوند حکیم در این عالم، دوربین های مخفی قرار داده

ص: ۱۱۷

۱- ۱. توبه / ۱۰۵.

۲- . روش ابهام در موضوع.

که این دوربین ها برای جلب توجه نیکوکاران و بدکاران است.

ساختار این دوربین ها به گونه ای است که هر انسانی در تمام عمر خود در برابر این دوربین ها قرار گرفته و تمام کارهایش ضبط می شود.

اگر انسان بداند که این لنزها از همه لحظات زندگی او فیلمبرداری می کنند، به آسانی گرفتار فریب شیطان نخواهد شد.

ما در این عالم تا چه اندازه، مراقب دوربین های خداوند می باشیم؟ دوربین هایی که از همه اعمال و رفتار ظاهری و حتی نیت های باطنی ما فیلمبرداری می کنند؛ دوربین هایی که ممکن است فردای قیامت جریمه های سنگین برای ما صادر کنند.

به نظر شما چه دوربین هایی اعمال ما را ثبت و ضبط می کنند تا در پیشگاه الهی شهادت بدهند؟

متن و محتوا

اشاره

به طور کلی از آیات قرآن و روایات، استفاده می شود که شش نوع دوربین و شاهد برای دادگاه عدل الهی وجود دارد:

۱. خداوند متعال

خداوند در آیه ۱۰۵ سوره توبه ناظرین اعمال را بیان کرده است. این آیه اولین ناظر و شاهد اعمال را خداوند معرفی کرده:

«وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَيُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالَمِ الْغَيْبِ وَاللَّهِ آدِهٖ فَيَتَّبِعُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ؛ بگو ای

پیامبر: شما عمل کنید پس به طور حتم خداوند عمل شما را

ص: ۱۱۸

می بیند، و رسول خدا و مؤمنین می بینند، و به طور مسلم شما به سوی خداوندی که به پنهان و آشکارا داناست، باز گردانیده می شوید! و آن خداوند شما را به آنچه عمل نموده اید، آگاه خواهد ساخت!

در آیه دیگری از قرآن می فرماید: «فَالَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ»^(۱)

در سوره یونس آمده: «در هیچ حال (و اندیشه ای) نیستی، و هیچ قسمتی از قرآن را تلاوت نمی کنی، و هیچ عملی را انجام نمی دهی، مگر اینکه ما گواه بر شما هستیم، در آن هنگام که وارد آن می شوید! و هیچ چیز در زمین و آسمان، از پروردگار تو مخفی نمی ماند؛ حتی به اندازه سنگینی ذره ای، و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر، مگر اینکه (همه آن ها) در کتاب آشکار (و لوح محفوظ علم خداوند) ثبت است.»^(۲)

شخصی نزد امام حسین (علیه السلام) آمد و عرض کرد: من اراده ضعیفی دارم و اهل گناه هستم. شما به من نصیحتی بکنید. امام (علیه السلام) فرمودند: پنج کار را بکن و هر گناهی خواستی انجام بده. یکی از آن کارها این بود: «اطْلُبْ مَوْضِعًا لَا يَرَاكَ اللَّهُ وَ اَذْنِبْ مَا شِئْتَ»^(۳)؛ (برای گناه) جای خلوتی پیدا کن که خدا تو را نبیند.

این آیات و روایات صراحتاً اظهار می دارند که هرگز و در هیچ

ص: ۱۱۹

۱- . یونس/۴۶.

۲- . همان/۱۶.

۳- . بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۶.

صورتی اعمال ما از دیدگان خداوند مخفی نبوده و همه ما در سیطره حکومت خداوند هستیم. اینجاست که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در دعای کمیل می فرمایند: «وَلَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ»

هنگامی که انسان در حال خطا و گناه، متوجه حضور بچه ای شود، شرمنده شده و بلافاصله خود را از آن باز می دارد، اما برخی در حضور خدای خود گناه می کنند! شاعر چه زیبا این صحنه را به تصویر می کشد:

در زمانی که کنی قصد گناه

گر کند کودکی از دور نگاه

شرم داری ز گنه در گذری

پرده عفت خود را مدری

شرم بادت ز خداوند جهان

که بود واقف اصرار نهان

شهید عبدالحمید دیالمه کسی است که قبل از شهادتش استاد دانشگاه بود. یکی از دوستان استاد می گوید: روزی چند خانم دانشجو جلو رفتند تا سؤال هایشان را از ایشان بپرسند. استاد نگاهش را به زمین دوخته بود و در تمام مدت سرش بالا نیامد.

خانم ها که رفتند، خودم را به عبدالحمید رساندم و به او گفتم: تو چرا به فردی که با تو حرف می زند، نگاه نمی کنی و آن قدر سرت را پایین می گیری که ممکن است آن ها فکر کنن تو خشک

ص: ۱۲۰

و متعصب هستی، در نتیجه اثر حرف های تو کم شود!

گفت: فلانی! من نگاه نمی کنم تا خدا مرا نگاه کند.

در دادگاه های دنیا زمانی که یک قاضی بخواهد حکمی صادر کند، به دنبال شاهد می گردد. حال اگر خود قاضی شاهد باشد، دیگر نیازی به شاهد بیرونی نیست. آن کسی که همواره ما را می بیند، خود هم قاضی و هم شاهد است: «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى (۱)؛ مگر ندانسته اند که خدا می بیند؟»

شخصی بعد از انجام گناهی، توبه کرده بود و پیوسته می گریست به او گفتند: چرا اینقدر گریه می کنی؟ مگر نمی دانی که خداوند متعال غفور است؟ گفت: آری، ممکن است او عفو کند، ولی این خجالت و شرمساری که او مرا دیده، چگونه از خود دور کنم؟

۲- فرشتگان

قرآن کریم می فرماید: «وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ (۲)؛ هر انسانی وارد محشر می گردد، در حالی که همراه او حرکت دهنده و گواهی دهنده است.»

«سائق» و «شهِيد» دو فرشته ای هستند که هنگام حضور هر انسانی در رستاخیز او را همراهی می کنند؛ مانند حال مجرمی که در دنیا او را به سوی دادگاه می برند. یکی او را به سوی زندان می کشاند و دیگری در حال رسیدگی به پرونده او برای رهایی از زندان است.

ص: ۱۲۱

۱- . علق/۱۴.

۲- . ق/۲۱.

امام سجاد (علیه السلام) چنین درخواستی از خداوند دارد: «اللَّهُمَّ يَسِّرْ عَلَيَّ الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ مُؤْتِنَتِنَا، وَ اَمْلَأْ لَنَا مِنْ حَسَنَاتِنَا صَحَائِفَنَا، وَ لَا تُخْزِنَا عِنْدَهُمْ بِسُوءِ اَعْمَالِنَا؛ بار خدایا! چنان کن که فرشتگانی که اعمال ما را می نویسند از نوشتن اعمال بد ما در رنج نیفتند. نامه های عمل ما را از حسنات پر ساز و ما را به اعمال ناپسندمان در نزد آنان خوار مگردان» (۱)

شخصی از امام صادق (علیه السلام) پرسید: در حالی که می دانیم خداوند از هر چیزی باخبر است و هیچ چیزی از او مخفی نیست، پس علت وجود فرشتگان مأمور ثبت اعمال نیک و بد انسان ها چیست؟

آن حضرت در پاسخ فرمودند: «خداوند این فرشتگان را به عبادت خود دعوت کرد و آن ها را شهود بر بندگانش قرار داد، تا بندگان به خاطر مراقبت آنان، بیشتر مراقب اطاعت الهی باشند، و از عصیان او بیشتر ناراحت شوند، و چه بسیار بنده ای که تصمیم به گناه می گیرد، پس به یاد این فرشته می افتد و خودداری می کند، می گوید:

پروردگرم مرا می بیند، و فرشتگان حافظ اعمال نیز گواهی می دهند، علاوه بر این، خداوند به رحمت و لطفش این ها را مأمور بندگان کرده، تا به فرمان خدا، شیاطین سرکش را از آن ها دور کند، و همچنین جانوران زمین و آفات بسیار را که آن ها نمی بینند، تا آن زمان که فرمان خدا و مرگ آن ها فرا رسد.» (۲)

ص: ۱۲۲

۱- . صحیفه سجادیه، نیایش ششم.

۲- . احتجاج، ج ۲، ص ۳۴۸.

در قرآن کریم آمده: «يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ(۱)»؛

در آن روز که زبان ها و دست ها و پاهایشان بر ضد آن ها به اعمالی که مرتکب می شدند گواهی می دهد.»

از برخی آیات و روایات بر می آید که همه اعضای بدن به نوبه خود اعمالی را که انجام داده اند گواهی می دهند حتی در برخی آیات اضافه می کند، گنهکاران که هرگز انتظار نداشتند پوست های تن آن ها به صورت گواهانی بر ضد آنان در آیند، آن ها را مخاطب ساخته، می گویند: «چرا شما بر ضد ما گواهی دادید؟» آن ها پاسخ می دهند: «خدایی که همه چیز را به نطق در آورده، ما را به سخن در آورده است.»(۲)

۴- زمین

خداوند متعال فرماید: «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا(۳)» در آن روز، زمین تمام خبرهایش را بازگو می کند.»

در حدیثی از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می خوانیم که فرمود: آیا می دانید منظور از اخبار زمین در اینجا چیست؟

گفتند: خدا و پیغمبرش آگاهتر است. فرمودند: منظور از خبر دادن زمین این است که اعمال هر مرد و زنی را که بر روی زمین

ص: ۱۲۳

۱- . نور/۲۴.

۲- . فصلت/۲۱.

۳- . زلزال/ ۴.

انجام داده اند، خبر می دهد، می گوید: فلان شخص در فلان روز فلان کار را انجام داد، این است خبر دادن زمین!» (۱)

اگر در گذشته، افرادی از شهادت زمین تعجب می کردند، امروز یک دستگاه ضبط که به صورت یک دکمه به لباس دوخته می شود، می تواند مسائل بسیاری بازگو کند.

از این رو امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرمایند: «در قسمت های مختلف مساجد نماز بخوانید، زیرا هر قطعه زمینی در قیامت برای کسی که روی آن نماز خوانده گواهی می دهد.» (۲)

۵- زمان

امام علی (علیه السلام) می فرمایند: «ما مِنْ يَوْمٍ يَمُرُّ عَلَى ابْنِ آدَمَ إِلَّا قَالَ لَهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ يَا ابْنَ آدَمَ! أَنَا يَوْمٌ جَدِيدٌ، وَأَنَا عَلَيْكَ شَهِيدٌ، فَقُلْ فِيَّ خَيْرًا وَأَعْمَلْ فِيَّ خَيْرًا، أَشْهَدُ لَكَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (۳)؛

هیچ روزی بر فرزند آدم نمی گذرد، مگر اینکه به او می گوید: ای فرزند آدم! من روز تازه ای هستم و بر تو گواهم، در من سخن خوب بگو، و عمل نیک انجام ده، تا در قیامت به نفع تو گواهی دهم.»

۶- پیامبر و امامان (علیهم)

در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) می خوانیم: «تمامی اعمال شما بر پیامبران هر عصر پنجشنبه عرضه می شود، بنا بر این باید از اینکه عمل زشتی از شما بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) عرضه شود شرم کنید.» (۴)

روزی امام صادق (علیه السلام) خطاب به اصحاب و افرادی که در مجلس

ص: ۱۲۴

۱- . تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۴۹.

۲- . لئالی الاخبار، ج ۵، ص ۷۹.

۳- . کافی، ج ۲، ص ۵۲۳.

۴- . تفسیر برهان، ج ۲، ص ۱۵۸.

آن حضرت حضور داشتند فرمودند: چرا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را از خود می رنجانید؟!

شخصی از حضرت سؤال کرد: ما چگونه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را ناراحت می کنیم؟ حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: مگر نمی دانید که همه اعمال شما بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) عرضه می شود، پس اگر معصیتی در اعمال شما مشاهده نماید، باعث ناراحتی و رنجش خاطر او خواهد شد. پس با اعمال بدتان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را ناراحت نکنید، بلکه سعی کنید با اعمال خوبتان او را خوشحال و مسرور سازید. ^(۱)

عبدالله بن ابان می گوید: به حضرت رضا (علیه السلام)، عرض کردم که برای من و خانواده ام دعایی کنید. حضرت فرمودند: مگر من دعا نمی کنم؟ به خدا سوگند، اعمال شما در هر روز و شبی بر من عرضه می شود، لذا در هر مورد که مناسب باشد دعا می کنم. عبدالله می گوید این حرف امام برای من تعجب آور بود که اعمال ما هر روز و شب بر امام عرضه شود.

ایشان وقتی متوجه تعجب من شدند، خطاب به من فرمودند: آیا کتاب خداوند عزوجل را نمی خوانی آنجا که می فرماید: «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَنَسِيرِيَ اللّٰهُ عَمَلِكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ» ^(۲)

ابو بصیر می گوید: «امام باقر (علیه السلام) از یکی از افریقائیان حال یکی از شیعیان خود به نام «راشد» را جویا شدند. پاسخ داد: خوب بود و سلام می رساند. امام (علیه السلام) فرمودند: خدا رحمتش کند. با تعجب گفت: مگر او مرده است؟ فرمودند: آری.

ص: ۱۲۵

۱- . کافی، ج ۱، ص ۲۱۹.

۲- . همان.

گفت: چه وقت در گذشت؟ فرمود: دو روز پس از خارج شدن تو. گفت: به خدا سوگند او بیمار نبود ...

فرمود: مگر هر کس می میرد به جهت بیماری است؟ آنگاه ابو بصیر از امام در مورد آن در گذشته سؤال کرد.

حضرت فرمودند: او از دوستان و شیعیان ما بود، گمان می کنید که چشم های بینا و گوش های شنوایی برای ما همراه شما نیست! او چه پندار نادرستی است! به خدا سوگند هیچ چیز از کردارتان بر ما پوشیده نیست، پس ما را نزد خودتان حاضر بدانید و خود را به کار نیک عادت دهید و از اهل خیر باشید تا به همین نشانه و علامت شناخته شوید. من فرزندان و شیعیانم را به این برنامه فرمان می دهم.» (۱)

یکی از راویان می گوید: «در کوفه به زنی قرآن می آموختم. روزی با او شوخی کردم! سپس به دیدار امام باقر (علیه السلام) رفتم، حضرت فرمودند: آنکه (حتی) در پنهان مرتکب گناه شود، خداوند به او اعتنا و توجهی ندارد، به آن زن چه گفتی؟ از شرمساری چهره ام را پوشاندم و توبه کردم، امام فرمود: تکرار نکن.» (۲)

اگر ما واقعاً شاهد بودن پیامبر و امامان (علیهم) را باور کنیم، به طور حتم در اعمالمان اثر به سزائی خواهد داشت. اهمیت و ارزش این معرفت وقتی بر انسان آشکار می شود که فرصت عمل به پایان رسیده است و این شاهدان خدا برای آخرین بار هنگام مرگ پرونده انسان را مرور می فرمایند.

آخرین فرد در زمان ما، حضرت بقیه الله (عج) هستند. ایشان بیش از ۱۱۷۶ سال است که بر همه کسانی که در زیر پرچم امامت

ص: ۱۲۶

۱- بحار الانوار، ج ۴۶، صص ۲۴۳ و ۲۴۴.

۲- همان، ج ۴۶، ص ۲۵۸.

ایشان هستند، نظارت دارند. خوب است کمی تأمل کنیم که ایشان در این مدّت طولانی، شاهد و ناظر چه اعمالی از امت خود بوده اند؟! و امت واقعاً چه مقدار به این مقام ایشان اعتقاد و توجّه داشته اند؟!

شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان در مورد امام زمان (عج) این گونه تفسیر می کند: ایشان چشم خدا در میان انسان ها است: «السلام عليك يا عين الله في خلقه» و او شاهد تمام اعمال ما از ظاهر و باطن نیت هاست. [\(۱\)](#)

امام زمان (عج) تک تک ما را به اسم می شناسد و به فکر ما است. ایشان می فرمایند: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِيْنَ لِذِكْرِكُمْ؛ ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را از خاطر نبرده ایم که اگر جز این بود گرفتاری ها، به شما روی می آورد و دشمنان، شما را ریشه کن می کردند» [\(۲\)](#)

امان از لحظه غفلت که تو شاهد باشی یا صاحب الزمان!

هر کس به طریقی دل ما می شکند بیگانه جدا دوست جدا می شکند

بیگانه اگر می شکند عیبی نیست

از دوست پرسید چرا می شکند [\(۳\)](#)

همسر شهید آوینی می گوید: آقا سید مرتضی سیگار می کشید، یک وقت دیدم دیگر لب به سیگار نمی زند. پرسیدم: آقا مرتضی! چه شده چرا سیگار نمی کشید؟ گفت: پیش خودم فکر کردم و دیدم: لحظه ای که سیگار گوشه لبم می گذارم، آقا من را می بیند،

ص: ۱۲۷

۱- . مفاتیح الجنان، ص ۹۹ و ۱۰۲.

۲- . احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷.

۳- . ناهید یوسفی.

در اردوی راهیان نور، دختری نزد روحانی کاروان آمد و گفت: دوستم می گوید اگر بتوانید ضرورت پوشیدن چادر را برای من ثابت کنید، قول می دهم حتما چادری می شوم.

روحانی خطاب به او گفت: اگر این جمعه، آقا ظهور کند و به تو هم وقت ملاقات بدهند که بتوانی پیش آقا بروی، با همین مانتو و وضع ظاهری پیش ایشان می روی؟ گفت: نه، خجالت می کشم. گفت: پس چطور می روی؟ گفت: چادری سرم می کنم.

آنگاه روحانی گفت: پس خودت هم حس می کنی، آقا از این وضع راضی نیست. همین الان هم آقا از ظاهر تو آگاه و ناراحت هستند. چرا به خاطر لذت خود حاضری امام زمانت را ناراحت کنی؟ به نظر تو یک لبخند روی لب های مهدی فاطمه (علیها السلام) ارزش تحمل سختی چادر را ندارد؟

همین کلام عمیق سبب چادری شدن آن دختر جوان گردید.

خوب است بدانیم عرضه اعمال بر امامان (علیهم) بشارت بزرگی برای شیعیان و دوستان ایشان است.

موسی بن سیار می گوید: من همراه حضرت رضا (علیه السلام) بودم که به دیوارهای شهر طوس رسیدیم. صدای شیون و ناله ای را شنیدم. دنبال صدا رفتیم تا به جنازه ای رسیدیم. در همین حال دیدم، مولایم از اسب پیاده شدند و به سوی جنازه رفتند و آن را بلند کردند و چنانکه بره به مادر خود می چسبید، خود را به آن جنازه چسبانده و... (پس از تشییع) همین که جنازه را بر زمین نهادند، دیدم امام (علیه السلام) به طرف آن رفتند و مردم را کنار زدند تا خود

ص: ۱۲۸

را به جنازه رساندند، آنگاه دست مبارک خود را بر سینه او نهادند و فرمودند: «ای فلانی پسر فلانی! تو را به بهشت مژده باد. بعد از این لحظه دیگر وحشت و ترسی بر تو نیست.»

عرض کردم: فدایت شوم، آیا شما این شخص را می شناسید؟ در حالی که قسم به خدا تاکنون قدم به این سرزمین نگذاشته بودید! امام فرمودند: «ای موسی بن سیار! آیا نمی دانی که اعمال و رفتار شیعیان ما، در هر صبح و شام بر ما امامان عرضه می شود؟ آنگاه اگر تقصیری در رفتار آن ها باشد، از خدا می خواهیم از سر تقصیرشان در گذرد و اگر کار خوبی داشته باشند، از خدا می خواهیم که به آن ها جزای خیر دهد.»

بنابراین، شاهد بودن ائمه (علیهم) بر اعمال و رفتار انسان، از طرفی ممکن است باعث خجالت و بی آبرویی او گردد و از طرف دیگر سبب امیدواری است؛ زیرا ایشان برای شیعیان دست به دعا بلند کرده و بر گناهانشان از خداوند طلب عفو و بخشش می نمایند.

۹- اهمیت حق الناس در اسلام

اشاره

ص: ۱۳۱

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» (۱)

ایجاد انگیزه

ایجاد انگیزه (۲)

«شهید ثانی» (ره) در رؤیای صادقه ای، یکی از بزرگان را دید و احوالش را پرسید. او گفت: «یک سال از مردنم گذشته است، اما من همچنان به علّت کاری که کرده ام، گرفتار هستم.»

شهید ثانی، ماجرا را پرسید. او ادامه داد: «روزی در راهی عبور می کردم که فردی مقداری کاه وارد شهر کرد.

من بدون اینکه به او اطلاع دهم و اجازه بگیرم، یک پر کاه از بارش برای تمیز کردن دندان هایم برداشتم و نزد خود گفتم که یک ذره کاه دیگر رضایت گرفتن نمی خواهد؛ اما به خاطر همین پر کاه یک سال است که در گرفتاری هستم!»

محدث مشهور، «سید نعمت الله جزایری» در «انوار نعمائیه» در باب دوران بعد از مرگ می نویسد: مرد مستمندی از دنیا رفت. جمعیت زیادی برای تشییع جنازه او جمع شدند. اما از صبح

ص: ۱۳۳

۱- . نساء/۲۹.

۲- . روش داستانی.

که جنازه او را برداشتند تا هنگام غروب به سختی توانستند او را دفن کنند. بعدها او را در خواب دیدند و از او سؤال کردند: خداوند متعال با تو چگونه رفتار کرد؟

«گفت: خداوند مرا آمرزید و لطف زیادی در حق من روا داشت، ولی رسیدگی به حساب بندگان خیلی دقیق بود به طوری که روزی بر در دکان یکی از دوستانم نشسته بودم و روزه دار نیز بودم، وقتی که اذان می گفتند، من از کیسه داخل مغازه، یک دانه گندم برداشتم و آن را با دندان خود دو نیم کردم.

در این هنگام به یادم آمد که گندم من نیست، آن دانه گندم نصف شده را روی گندم های او انداختم و رفتم. برای همین خداوند از ثواب و حسنات من به اندازه نقص قیمت گندمی که شکسته بودم کم کرد.»

یکی از اموری که در منابع دینی مورد تأکید قرار گرفته، رعایت حق الناس می باشد.

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ (۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید»

در اهمیت موضوع حق الناس همین بس که اشرف انبیاء در روزهای آخر عمرشان از مردم می خواهند که هرکسی حقی به گردنشان دارد، بیاید آن را دریافت کند. (۲)

ص: ۱۳۴

۱- . نساء/۲۹.

۲- . امالی صدوق، صص ۶۳۳، ۶۳۴.

برخی از سوره های قرآن همچون مطففین، حجرات و همزه از زوایای مختلفی بحث حق الناس را بیان کرده اند. طولانی ترین آیه قرآن اشاره ویژه ای به حق الناس دارد.

از نظر شرعی، چنانچه حتی بر عهده نمازگزار باشد و او حق را نپردازد، این کار مانع قبولی نماز اوست. (۱)

حتی شهدا نیز اگر حتی بر گردنشان باشد، باید پاسخگو باشند. امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «أَوَّلُ فَطْرِهِ مِنَ الشَّهِيدِ كَفَّارَةٌ لِدُنْبِهِ إِلَّا الدِّينَ فَإِنَّ كَفَّارَتَهُ قَضَائُهُ»؛ نخستین قطره از خون شهید کفاره گناهان او است؛ مگر دین (و حق دیگران) که کفاره اش پرداختن آن است.

اگر فردی حقوق مالی و غیرمالی مردم را ضایع کند، همین امر می تواند موجب عذاب او در قبر شود. (۲)

همین کار ممکن است برکت روزی او را بردارد. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود: «مَنْ حَبَسَ عَنِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ شَيْئًا مِنْ حَقِّهِ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَرَكَهَ الرِّزْقِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ»؛ (۳)

هر کسی چیزی از حقوق برادر مسلمانش را از او باز دارد، خداوند برکت روزی را بر او حرام می کند. مگر اینکه توبه کند.

یکی از علمای معروف در علم و زهد و تقوا مرحوم «سید هاشم حطاب بن سید محمد بن سید عوید موسوی» است. علت اینکه «سید هاشم» را «حطاب» شهرت داده اند، این است که او در اوایل تحصیل کاسبی می کرد و از صحرای نجف هیزم می چید

ص: ۱۳۵

۱- . تنبيه الخواطر، ج ۱، ص ۵۳.

۲- . وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۳۲۶.

۳- بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۶۵؛ ج ۶، ص ۲۲۲.

۴- . وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۲۳۷.

و در بازار می فروخت و به این وسیله زندگی خود را اداره می کرد و درس می خواند. تا اینکه عالمی بزرگ شد.

نقل می کنند: مردی که عازم حج بیت الله الحرام بود، صندوقچه ای که در او پول و طلائی فراوانی بود، نزد تاجری که به امانت داری معروف بود، گذاشته و پس از انجام مناسک، حج وقتی که به نجف مراجعت کرد و امانتش را از مرد امین مطالبه کرد، آن مرد منکر شد و امانت او را نداد و این خبر در نجف شهرت یافت.

عده ای آن حاجی را راهنمایی کردند تا نزد سید هاشم خطاب رفته و از تاجر شکایت کند، پس آن شخص نزد سید آمد و قصه را شرح داد، سید به او گفت: من به در دکان او می روم، تو مراقب من باش وقتی که من از دکان او برخوایم و رفته؛ بلافاصله نزد او برو و مالت را طلب کن.

بر اساس قرار قبلی، سید حرکت کرد و به دکان تاجر رفت و پس از صحبت طولانی، از مغازه بیرون رفت. در این لحظه، صاحب مال با عجله نزد تاجر رفت و مالش را طلب کرد. مرد تاجر این دفعه برخلاف دفعات قبل که منکر می شد. گفت: مالت حاضر است با شتاب مال را به صاحبش تحویل داد.

آن مرد وقتی که مالش را تحویل گرفت، با اصرار از تاجر خواست تا راز انکار مال در دفعات قبل و علت اعتراف و دادن مال را در این بار بیان کند.

تاجر گفت: «اما علت انکار مال، طمعی بود که مرا وادار به انکار این مال زیاد کرد؛ اما علت اینکه امروز اعتراف کردم و مال را به

تو دادم، این بود که سید هاشم خطاب مرا موعظه کرد و سپس رانش را نشان من داد که در آن اثر زخمی بود که در اثر داغ کردن چندین سال پیش باقی مانده بود.

من از سید هاشم علت زخمی بودن رانش را پرسیدم، او گفت جهتش این است که یک فلس از مال شخصی در ذمه من مانده بود. یک شب در خواب دیدم که قیامت بر پا شده و ملکی از کنار امیرالمؤمنین (علیه السلام) من را کشان کشان تا کنار جهنم می برد. هر چه تلاش کردم تا خود را به نزد امیرالمؤمنین (علیه السلام) بکشانم، حضرت مانع می شد. تا اینکه به حضرت التماس کردم که مرا بپذیرد، حضرت فرمود: اگر تو به خدا بدهکار بودی، من می توانستم از خدا بخواهم که تو را ببخشد، ولی حق مردم را ناچار باید رد کنی و من یادم نبود که یک فلس بدهکارم.

ناگهان دیدم مردی از جهنم به سوی من حمله کرد و گفت: ای سید! پولم را بده، پس انگشتش را به ران من زد و به قوت فشار داد. اینکه می بینی در ران من است، جای انگشت سبابه اوست»

پس مرد تاجر گریه کرد و از صاحب مال حلیت خواست و مالش را به او تحویل داد. (۱)

مصادیق حق الناس

اشاره

دامنه حق الناس بسیار گسترده است و از درون خانه شروع می شود و تا کوچه و خیابان، محل کار، جامعه و ... ادامه پیدا می کند.

احکام و مسائل مربوط به حق الناس دو قسم است:

ص: ۱۳۷

الف) امور مالی (مانند بدهی، مظالم، خمس، زکات و ...)

ب) امور غیرمالی (مانند غیبت، تهمت، هتک حرمت و ...)

برخی از مصادیق حق الناس عبارت اند از:

۱. تزیع بیت المال

بدترین نوع خیانت، خیانت به چیزی است که متعلق به همه مردم می باشد. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرمایند: «إِنَّ أَعْظَمَ الْخِيَانَةِ خِيَانَةُ الْأُمَّةِ (۱)؛ بدترین نوع خیانت، خیانت به مردم است»

متأسفانه برخی به بهانه های واهی در اموال عمومی تصرف غیرمجاز می کنند، مثل استفاده شخصی از وسایل نقلیه ادارات، خراب کردن وسایل عمومی و خط کشیدن روی آن ها، نوشته یادگاری بر روی دیوارها و درختان پارک ها، میز مدرسه و دانشگاه و ...

امام علی (علیه السلام) در نامه ای کارگزاران را بر حفظ بیت المال تأکید کرده است: «أَدِقُّوا أَقْلَامَكُمْ وَ قَارِبُوا بَيْنَ شَيْطَرِكُمْ، وَ اخْذِفُوا مِنْ فُضُولِكُمْ، وَ اقْصِدُوا اقْصِدَ الْمَعَانِي وَ إِيَّاكُمْ وَ الْأَكْثَارَ فَإِنَّ أَمْوَالَ الْمُسْلِمِينَ لَا تَحْتَمِلُ الْأَضْرَارَ (۲)؛

نوک قلم های خویش را تیز کنید، میان سطرهای نوشته زیاد فاصله نیندازید، حرف های زیادی را حذف کنید و روی کاغذ نیاورید، به بیان اصل معنا پردازید، از زیاده روی در مصرف پرهیز کنید، زیرا بیت المال تحمل این گونه ضررها را ندارد.»

ص: ۱۳۸

۱- . نهج البلاغه، ص ۳۸۳.

۲- . بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۱۰۵.

خادمه حضرت علی (علیه السلام) در یکی از شب های سرد قطیفه و پوششی برای آن حضرت آورد، اما حضرت از گرم کردن خود با آن خودداری نمود و فرمود: این چیست؟

خادمه گفت: این از قطیفه های بیت المال است.

حضرت فرمود: «امشب باید تا صبح سرما بکشم، من نمی توانم از قطیفه های بیت المال برای گرم کردن خود استفاده کنم.» (۱)

باید دانست در حق الناس تفاوتی بین حق کودک و پیر نیست. اگر حق کودکی هم سلب شود، حق الناس است. بچه ای که در مسجد نشسته اگر دیگری جای او را غصب کند و در آنجا نماز بخواند، بنابر احتیاط واجب باید دوباره نمازش را در مکان دیگری بخواند.

۲. تصرف غیر شرعی در اموال یتیمان

قرآن کریم می فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا (۲)؛ کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می خورند، (در حقیقت)، تنها آتش می خورند و به زودی در شعله های آتش (دوزخ) می سوزند.»

در جای دیگر می فرماید:

«وَآتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا (۳)؛

و اموال یتیمان را (هنگامی که به حد رشد رسیدند) به آن ها بدهید! و اموال

ص: ۱۳۹

۱- . درس های از تاریخ، ج ۱، ص ۲۹۶.

۲- . نساء / ۱۰.

۳- . نساء / ۲.

بد (خود) را، با اموال خوب (آن‌ها) عوض نکنید! و اموال آنان را همراه اموال خودتان (با مخلوط کردن یا تبدیل نمودن) نخورید، زیرا این گناه بزرگی است»

۳. پرداختن قرض

یکی از سنت‌های زیبا در سبک زندگی اسلامی، سنت قرض دادن است. «مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيضاعفه له أضعافاً كثيرةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيُنصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (۱)

اما ما اگر از کسی قرض گرفتیم، نسبت به آن شخص، تکالیف و وظایفی داریم: «مَا حَقُّ غَرِيمِكَ الَّذِي يَطَالِيكَ فَإِنْ كُنْتَ مُؤَسِّرًا اعْطَيْتَهُ وَإِنْ كُنْتَ مُعْسِرًا ارْضَيْتَهُ بِحُسْنِ الْقَوْلِ» (۲)؛

حق کسی که از تو طلب دارد، این است که اگر وضعت خوب است، مال او را بپردازی و اگر در فقر و تنگدستی هستی با گفتار نیکوی خویش او را راضی نمایی»

متأسفانه مشاهده می‌شود در جامعه دینی ما این گونه نیست. بارها شده افرادی مطرح می‌کنند که پولی را به کسی قرض دادند و از زمان برگشت آن هم مدت‌هاست می‌گذرد.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «مَنْ اشْتَدَّانَ دَيْنَا فَلَمْ يَنْوَقِضْهُ كَانَ بِمَنْزِلَةِ السَّارِقِ» (۳)؛

هر که

ص: ۱۴۰

۱- . بقره / ۲۴۵.

۲- . وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۷۷.

۳- . الحیاه با ترجمه احمد آرام، ج ۳، ص ۱۵۴.

وامی بگیرد و قصد پرداختن آن را نداشته باشد، به منزله دزد است.»

ابو ثمامه، از یاران امام جواد (علیه السلام) از امام پرسید: می خواهم به زیارت مکه و مدینه بروم ولی بدهکارم، حضرت پاسخ دادند: اول بدهکاری خویش را پرداز، سپس به زیارت برو، تلاش کن تا در زیارتگاه وقتی خداوند متعال به تو می نگرد، بدهکار مردم نباشی. سپس امام (علیه السلام) علت آن را برایش فرمود: که اگر بتوانی بدهی خویش را پردازای ولی این کار را انجام ندهی و به زیارت بروی، خیانت کرده ای و انسان باایمان خیانت نمی کند. (۱)

راوی می گوید: در سرزمین کربلا، امام حسین (علیه السلام) به من فرمود: «نَادِ فِي النَّاسِ أَنْ لَا يِقَاتِلُنَّ مَعِيَ رَجُلٌ عَلَيْهِ دَيْنٌ، فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ رَجُلٍ يَمُوتُ وَعَلَيْهِ دَيْنٌ لَا يَدْعُ لَهُ وَفَاءً إِلَّا دَخَلَ النَّارَ (۲)؛ به مردمی که به یاری من آمده اند بگو: کسانی که مقروض هستند در رکاب من نباشند، زیرا کسی که بدهکار باشد و راه پرداخت برای آن در نظر نگیرد، وارد آتش جهنم خواهد شد.»

یکی از علمای تهران نقل می کند که من در نجف اشرف طلبه بودم، خبر آوردند که پدرم فوت کرده است. جنازه او را به نجف آوردیم و او را دفن کردیم، چند روزی از دفن او گذشته بود که در عالم خواب، به حضور پدرم رسیدم و دیدم ناراحت است.

تعجب کردم که چرا کسی که هفتاد سال راه دین رفته، باید ناراحت باشد و لذا پرسیدم: «چرا شما را بی نشاط می بینم؟»

ص: ۱۴۱

۱- . کافی، ج ۵، ص ۹۴،

۲- . موسوعه کلمات الامام الحسین (علیه السلام)، ص ۵۰۵.

گفت: «من هیچ‌ده تومانی به مشهدی تقی نعلبند بدهکارم و مرا گرفته اند و نمی گذارند سر جایم بروم.»

از خواب بیدار شدم، نامه ای به برادرم نوشتم که بینم این مشهدی تقی نعلبند کیست؟ و آیا پدرمان به او بدهکار بوده یا نه؟

مدتی بعد جواب نامه آمد که ما نزد مشهدی تقی نعلبند رفتیم و گفتیم: «چیزی از پدر ما طلب داشتی؟»

گفت: «آری، هیچ‌ده تومانی طلبکار بودم» گفتیم: «چرا نیامدی طلب خود را بگیری؟»

گفت: «پدرتان باید در دفترش می نوشت.»

بالاخره برای اینکه روح پدرم شاد شود، ما آن بدهی را پرداخت کردیم. (۱)

۴. عدم پرداخت خمس

یکی دیگر از مصادیق حق الناس، پرداختن خمس است. گاهی شخص مال حرام کسب نمی کند و کسب او مشروع است؛ اما پس از کسب ثروت، حق امام زمانش را فراموش می کند و باعث می شود تصرفاتش در اموال حرام باشد.

خداوند می فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِلذِّي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ (۲)؛ و بدانید هر گونه غنیمتی به شما رسد خمس آن برای خدا و برای پیامبر و برای ذی القربى و یتیمان و مسکینان و

ص: ۱۴۲

۱- . گناهان کبیره، ج ۲، ص ۵۸۲.

۲- . انفال/۴۱.

امام زمان (عج) می فرمایند: «مَنْ فَعَلَ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ مِنْ غَيْرِ أَمْرِنَا فَقَدْ اسْتَحَلَّ مِنَّا مَا حُرِّمَ عَلَيْهِ وَ مَنْ أَكَلَ مِنْ أَمْوَالِنَا شَيْئًا فَإِنَّمَا يَأْكُلُ فِي بَطْنِهِ نَارًا وَ سَيُضَلِّي سَعِيرًا(۱)؛ هر کسی بدون اجازه ما در اموال ما تصرف کند مرتکب گناه شده و هر کسی ذره ای از مال ما را بخورد پس گویا شکم او را آتش فرا گرفته است.»

از نظر شرعی، تصرف در ملک میتی که خمس یا زکات بدهکار است، حرام و نماز در آن باطل است، مگر آنکه بدهکاری او را بدهند یا بنا داشته باشند، بدون مسامحه بپردازند.(۲)

کسی که اعتقاد به خمس ندارد، یکی از مسلمات شیعه را انکار کرده است، امام زمان (عج) فرمودند: «لَهْنُهُ اللَّهُ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ عَلَى مَنْ اسْتَحَلَّ مِنْ مَالِنَا دِرْهَمًا(۳)؛

لعنت خدا و فرشتگان و مردم بر کسی که یک درهم مال ما را حلال شمارد»

۵- حقوق غیرمادی

روزی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) به اصحاب و یارانش فرمودند: آیا می دانید فقیر و بینوا و مفلس کیست؟

اصحاب گفتند: یا رسول الله! در نظر ما آدم مفلس به کسی می گویند که دستش از مال دنیا خالی باشد. حضرت فرمودند،

ص: ۱۴۳

۱- . کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۲۱.

۲- . توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسئله ۸۷۵.

۳- . وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۴۱.

مفلس آن کسی است که در صحرای محشر قدم بگذارد در حالی که نماز و روزه و... با خودش آورده باشد؛ اما چون در دنیا حقّ النَّاس را اداء نکرده، به این صورت که یک نفر را زده یا به کسی ناسزا گفته یا نسبت ناروا زده و یا مال کسی را خورده، یا حق کسی را ضایع کرده یا تجاوزی به مال و شخصیت کسی کرده، یا با آبروی کسی بازی کرده یا صدای مظلومی را شنیده و به فریادش نرفته ... خدای متعال از حسنات و کارهای خوب او بر می دارد و به صاحبان حقوق می دهد. چنانچه حسناتش به اندازه کافی نبود، از گناهان آن کسانی که حقی گردن او دارند برمی دارند و بار او می کنند؛ و او را وارد جهنّم می کنند. به چنین افرادی مفلس و فقیر و بینوا و بیچاره می گویند. (۱)

چنان با تو رفتار دارد خدا

که در حق مردم بیاری به جا

در آخر باید گفت از حقوقی که بر گردن انسان است، هیچ یک بر دیگری ارجحیت ندارد. بنابراین آنچه که گروهی می گویند، حق مردم را پایمال نکن، با خدا می توان کنار آمد؛ نگاه اشتباهی است و در پاسخ آن ها باید گفت: اگر قرار است در بخشی سرمایه گذاری شود، به این معنی نیست که بخش دیگر را رها سازیم.

ص: ۱۴۴

۱۰- امتیازات حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

اشاره

ص: ۱۴۷

«وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (۱)

ایجاد انگیزه

ایجاد انگیزه (۲)

عفیف کندی می گوید: من مرد تاجری بودم که برای حج به مکه آمدم و به نزد عباس بن عبدالمطلب که سابقه دوستی با او داشتم می رفتم و از وی مقداری وسایل تجارت خریداری می کردم، پس روزی همچنان که نزد عباس در مسجدالحرام بودم، ناگاه مردی را دیدم که از منزلش خارج شد و نگاهی به خورشید کرد و چون دید ظهر شده، وضویی کامل گرفت و سپس به سوی کعبه به نماز ایستاد و پس از او پسری را که نزدیک به حد بلوغ بود، مشاهده کردم، او نیز آمد و وضو گرفت و در کنار وی ایستاد و پس از آن دو، زنی را دیدم بیرون آمد و پشت سر آن دو نفر ایستاد و به دنبال آن دیدم، آن مرد به رکوع رفت و آن پسرک و آن زن نیز از او پیروی کرده به رکوع رفتند، آن مرد به سجده افتاد،

ص: ۱۴۹

۱- . فرقان / ۷۴.

۲- . روش داستانی.

آن دو نیز به دنبال او سجده کردند.

من که آن منظره را دیدم به عباس (میزبان خود) گفتم: وای! این دیگر چه دینی است؟ پاسخ داد: این دین و آیین محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله) برادرزاده من است و عقیده دارد که خدا او را به پیامبری فرستاده و آن دیگر برادرزاده دیگرم، علی بن ابیطالب است (علیه السلام) و آن زن نیز همسرش خدیجه (علیها السلام) می باشد.

عقیف کندی پس از آن که مسلمان شده بود می گفت: ای کاش من چهارمین آن ها بودم. (۱)

متن و محتوا

مورخان از اهل سنت و شیعه به اجماع معتقدند، از میان زنان، اولین کسی که به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) ایمان آورد، حضرت خدیجه (علیها السلام) همسر باوفا و گرامی پیامبر است؛ اما از میان مردان، تمام عالمان شیعه و بسیاری از اهل سنت بر آنند، امام علی (علیه السلام) اولین کسی بود که دعوت پیامبر اسلام را لبیک گفت. (۲)

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: آیه «وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ» (۳) در حق علی و کسانی که از رسول خدا متابعت نمودند و مهاجرین و انصار... نازل شده و برای آنان بهشت با نهرهای جاری مهیا شده است که در آن ابدی و جاودانند، این همان فوز عظیم است. (۴)

تجلیل از شخصیتی که حق بسیار زیادی بر اسلام، بلکه بر جهان بشریت دارد و سهم بزرگی برای پیشرفت این دین آسمانی

ص: ۱۵۰

۱- . الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۵۷.

۲- . تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۰۳.

۳- . توبه/۱۰۰.

۴- . البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۸۳۳.

داشت، بر همه مسلمانان جهان، لازم است.

امتیازات ویژه حضرت خدیجه (علیها السلام)

اشاره

حضرت خدیجه از امتیازات ویژه ای برخوردار بوده است. برخی از امتیازات آن بانوی نمونه عبارت اند از:

۱. نسل پاک حضرت خدیجه (علیها السلام)

حضرت خدیجه (علیها السلام) بانویی آگاه و پاک سرشت و انسانی شیفته معنویت و حق گرایی، بود. او از همان روزگار جوانی یکی از دختران نامدار و بافضیلت اهل حجاز و عرب به شما می رفت. علاوه بر مقامات معنوی و روحی بلند، از نظر مادی و مالی نیز در اوج بوده و دارای اموال بسیاری بوده است. او با رد درخواست بزرگان و اشراف قریش که به خواستگاری او آمده بودند و انتخاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) به عنوان همسر خود، نعمت برخورداری از ثروت مادی را با تضمین سعادت مندی آخرت و بهره مندی از نعمت های ابدی بهشت، کامل نمود و خردمندی اش را به رخ همگان کشید. او برای دستیابی به این نعمت، اولین مسلمان و اولین تصدیق کننده پیامبر (صلی الله علیه و آله) شد.

بعد از علنی شدن دعوت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، دشمنان برای خاموش کردن صدای توحید و بانگ روح بخش «الله اکبر و لا اله الا الله» با هم همدست شدند و به هر طریقی با آن حضرت مبارزه نمودند. آن حضرت را بسیار اذیت و آزار کردند؛ اما شخصیتی که آن حضرت را دلداری می داد و بر جراحت های ایشان مرهم می گذاشت و با مهر و عطف و ایمان قوی، استقبال می نمود،

ص: ۱۵۱

حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) بود.

بانوی بزرگ مکه که از نظر ثروت و مال در کمال ناز و نعمت و آسایش بود، از زندگی اشرافی و تجملات و اموال بسیار و عزت ظاهری، چشم پوشید و همه را برای پیشبرد اهداف عالی شوهر عزیزش داد و در کنار همسرش در سخت ترین شرایط، زندگی نمود و او را یاری کرد.

خدیجه (علیها السلام) نیز چون پیامبر (صلی الله علیه و آله) از آزار مشرکان و بت پرستان بی نصیب نماند؛ زن ها از او کناره گرفته و رفت و آمد با او را قطع کردند؛ به او زخم زبان می زدند و سخنان درشت می گفتند، حتی در هنگام زایمان به کمک او نمی آمدند و او را تنها می گذاشتند.^(۱)

خداوند متعال نیز در برابر این همه بزرگواری و بخشندگی، حضرت خدیجه (علیها السلام) را به عنوان مادر یازده امام برگزید و از او نسلی پاک و طاهر پدید آورد و نسل او را در میان همه نسل ها برگزید.

خداوند حکیم نسل پیامبر آخرالزمان را از چنین بانویی قرار داد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) در عین نشاط جوانی، در سن بیست و پنج سالگی با خدیجه (علیها السلام) که چهل سال از عمر خویش را پشت سر گذاشته بود، ازدواج کرد.^(۲) و حدود بیست و چهار سال، خدیجه (علیها السلام) چراغ خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و انیس و غمخوار او بود و پیامبر (صلی الله علیه و آله) تا خدیجه (علیها السلام) زنده بود، یعنی تا سن پنجاه سالگی خودش و شصت و پنج سالگی خدیجه (علیها السلام)، زن دیگری اختیار نکرد.

در تعداد فرزندان حضرت خدیجه (علیها السلام)، میان مورخان اختلاف است. به گفته مشهور: ثمره ازدواج رسول خدا و خدیجه، شش فرزند بود.

ص: ۱۵۲

۱- بحار الانوار، ج ۱۶، صص ۸۰ و ۸۱.

۲- تاریخ اسلام در دوران پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، ص ۷۱.

۱- هاشم. ۲- عبدالله. (به این دو «طاهر» و «طیب» می گفتند.) ۳- رقیه. ۴- زینب ۵- ام کلثوم. ۶- فاطمه.

پسران خدیجه پیش از بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، بدرود زندگی گفتند. ولی دخترانش، نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را درک کردند.

در روایات آمده به حضرت عیسی (علیه السلام) وحی شد که پیامبری در آخرالزمان خواهد آمد که «نَسِيلُهُ مِنْ مُبَارَكَةٍ» که منظور از این زن مبارکه، حضرت خدیجه (علیها السلام) است در ادامه آمده: این زن مبارک همنشین مادر تو در بهشت است. (۱)

از امتیازات ویژه حضرت خدیجه (علیها السلام) این است که خداوند متعال ایشان و دختر گران قدرش و داماد و فرزندان معصومین ایشان (علیهم) را در آیه شریفه قرآن مایه چشم روشنی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) معرفی کرده و مؤمنین را به دعا برای داشتن چنین خانواده ای و الگو گرفته از این خانواده راهنمایی کرده است: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (۲)؛ آن ها کسانی هستند که می گویند: پروردگارا از همسران و فرزندان ما، مایه روشنی چشم ما قرار ده و ما را پیشوای پرهیزگاران بنما»

پیامبر گرامی در تفسیر این آیه فرمود: پس از نازل شدن این آیات از فرشته وحی پرسیدم: منظور از «ازواجنا» کیست؟

پاسخ داد: خدیجه (علیها السلام) است؛ و «ذریاتنا» فاطمه (علیها السلام) و دو نور دیده اش حسن و حسین (عل) هستند و در جمله ی «وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» منظور حضرت علی (علیه السلام) است. (۳)

ص: ۱۵۳

۱- الخراج و الجرایه، ج ۲، ص ۹۵۰.

۲- فرقان / ۷۴.

۳- علم الیقین فی اصول الدین، ج ۲، ص ۹۸۶ و تفسیر قمی ذیل آیه ۷۴ سوره فرقان.

آری، خدیجه (علیها السلام) در اسلام مقامی یافت که از میان بانوان، جز دخترش _ که سیده نساء عالمین است _ کسی به آن مقام و افتخار دست نیافت.

۲- سلام خاص خداوند بر ایشان

اعمال نیک و فداکاری هایی حضرت خدیجه (علیها السلام) باعث شد که خداوند توسط جبرئیل (علیه السلام) چندین مرتبه بر وی سلام ویژه ای بفرستد که برای هیچ یک از زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) اتفاق نیفتاده است.

از امام محمدباقر (علیه السلام) روایت شده: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) هنگام بازگشت از معراج، به جبرئیل فرمود: آیا سفارش و پیامی و خواسته ای داری؟

جبرئیل عرض کرد: خواسته ام این است که از طرف خدا و من به خدیجه سلام برسانی!

آنگاه که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به زمین رسید، سلام خدا و جبرئیل را به خدیجه (علیها السلام) ابلاغ کرد. خدیجه (علیها السلام) در پاسخ گفت: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَفِيهِ السَّلَامُ، إِلَيْهِ السَّلَامُ وَ عَلَى جِبْرِئِيلِ السَّلَامُ؛ همانا ذات پاک خدا سلام است و سلام از اوست و درود به سوی او باز گردد؛ و بر جبرئیل درود باد.»^(۱)

در روایتی دیگر می خوانیم: روزی حضرت خدیجه (علیها السلام) به دنبال رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بیرون آمد. جبرئیل به صورت مردی نا آشنا با وی روبه رو شد و از ایشان احوال رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را پرسید. ایشان

ص: ۱۵۴

۱- . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۷.

نمی توانست بگوید رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در کجا به سر می برد. او می ترسید این مرد از کسانی باشد که قصد کشتن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را دارد. وقتی که خدمت آن حضرت رسید و قصه را باز گفت، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: آن مرد جبرئیل امین بود و امر کرد که سلام خدا را به تو برسانم. (۱)

در روایتی نقل شده روزی جبرئیل امین به حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمد و در مورد خدیجه (علیها السلام) سؤال کرد. در آن هنگام، حضرت خدیجه (علیها السلام) در خانه نبود، جبرئیل فرمود: چون خدیجه آمد به او خبر بده که خدایش بدو سلام می رساند. (۲)

در این سلام ها نکات بسیار مهمی وجود دارد: اولاً، باید بین سلام رسان و دریافت کننده سلام، نوعی سنخیت معنوی وجود داشته باشند؛ یعنی دریافت کننده باید به درجه ای از قرب رسیده باشد تا مورد لطف سلام رسان واقع گردد و به یقین حضرت خدیجه (علیها السلام) به این مقام رسیده که خداوند جل و اعلی این گونه به او سلام رسانده است. ثانیاً، دریافت کننده سلام باید نزد خداوند متعال از ارزش والایی برخوردار باشد که این گونه به صورت خصوصی و گاهی حتی خدا فرشته بزرگ وحی را می فرستد تا سلامی به محضر ایشان برساند. توجه به این دو نکته، راز عظمت و بزرگی حضرت خدیجه (علیها السلام) را آشکار می سازد.

سلامت من دل خسته، در سلام تو باشد

زهی سعادت اگر دولت سلام تو یابم

ص: ۱۵۵

۱- ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۶.

۲- روضه الواعظین ترجمه دامغانی، ص ۴۳۸.

در صدر اسلام چندین نمونه از فشارها اقتصادی اتفاق افتاده که یکی از بارزترین آن‌ها محاصره اقتصادی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و یاران ایشان در مکه و شعب ابی طالب است. سران قریش که از پیشرفت حیرت‌انگیز آیین یکتاپرستی سخت‌نگران بودند، به فکر چاره افتادند. آن‌ها تصمیم گرفتند با محاصره اقتصادی و قطع کردن شریان‌های حیاتی مسلمانان، از نفوذ و گسترش اسلام بکاهند و پیامبر (صلی الله علیه و آله) و یارانش را در حصار فقر و تبعید نابود کنند یا به سازش و تسلیم وادارند.

تنها نسخه‌ای که در آن وضعیت می‌توانست، کارآمد باشد و البته همان‌هم اجرا شد، هزینه کردن تمام ثروت خدیجه (علیها السلام) بود که آن‌ها را از این گردنه سخت عبور داد. خدیجه (علیها السلام) در این سه سال هیچ‌گاه همسرش را تنها نگذاشت و مانند همیشه با مال خود به یاری او شتافت. خدیجه (علیها السلام) تمام ثروت خود را خرج کرد تا جایی که گفته شده بعد از محاصره اقتصادی، دیگر ثروتی نداشت.

او علاوه بر اینکه ثروت خود را در این راه صرف کرد، از خویشان خود نیز خواست که در فرصت پیش‌آمده به مسلمانان کمک کنند. از جمله افرادی که مسلمانان را یاری کردند، می‌توان حکیم بن خزام، برادرزاده خدیجه (علیها السلام) و ابوالعاص، داماد خدیجه (علیها السلام) و همسر رقیه را نام برد.

حکیم بن خزام نیمه‌های شب مقداری گندم و خرما بر شتری می‌گذاشت و تا نزدیکی شعب می‌برد. آنگاه افسار شتر را بر گردنش می‌آویخت و آن را رها می‌کرد تا به مسلمانان برسد. (۱)

ص: ۱۵۶

این ایثار بی نهایت یکی از دلایل وجود جایگاه ویژه حضرت خدیجه (علیها السلام) و خاندان وی نزد پیامبر بوده و خداوند هم وجود پربرکت حضرت زهرا (علیها السلام) را به ثمره همین ایثار به ایشان عطا کرد.

۴- نگاه ویژه پیامبر (صلی الله علیه و آله) به ایشان

حضرت خدیجه (علیها السلام) پشتیبان و نور چشم و موجب آرامش خاطر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) بود و در فضای آکنده از تاریک اندیشی و تمسخر، همراز و همدل رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و شریک غم هایش شد و همواره چون وزیری کارآمد و توانا و کوهی نستوه و استوار در کنار آن حضرت باقی ماند. بی شک حمایت های روحی و معنوی او از پیامبر (صلی الله علیه و آله) در گسترش و بقای اسلام در سرزمین مکه نقشی عمده داشت.

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نیز علاقه فراوانی به حضرت خدیجه (علیها السلام) داشت. عایشه از همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله)، علاقه و محبت شدید پیامبر به خدیجه را این گونه توصیف می کند: «من خدیجه را هرگز ندیده بودم؛ اما آن چنان که بر خدیجه حسد ورزیدم، بر هیچ یک از همسران پیامبر، رشک نبردم؛ چرا که پیامبر او را بسیار یاد می کرد.»^(۱) پیامبر (صلی الله علیه و آله) از خانه بیرون نمی آمد، مگر آنکه خدیجه را یاد می کرد و او را به نیکی ستایش می نمود.^(۲)

هرگاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) گوسفندی را ذبح می کرد، می گفت: آن را به دوستان خدیجه (علیها السلام) هم بدهید. سرانجام، روزی علت این کار را پرسیدم. فرمود: من دوست خدیجه را هم دوست دارم.^(۳)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرمایند:

ص: ۱۵۷

۱- . مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۸۶.

۲- . الاستیعاب، ج ۲، ص ۷۲۱.

۳- . الاصابه، ج ۴، ص ۲۷۵.

«أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَرْبَعٌ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَمَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَآسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ (۱)؛

بهترین زنان عالم مریم بنتِ عمران و آسیه بنت مزاحم و خدیجه بنت خُوَیلد و فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه و آله) هستند»

از ابن عباس روایت شده: پیامبر (صلی الله علیه و آله) چهار خط در زمین کشید و فرمود: «آیا می دانید این چیست؟» عرض کردند: خدا و رسول خدا دانایتر هستند. آنگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «فاضل ترین زنان بهشت، خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه و آله) و مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم _ همسر فرعون _ می باشند» (۲)

دوری خدیجه (علیها السلام) برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) تا حدی بود که پیامبر (صلی الله علیه و آله) سال وفات ایشان را «عام الحزن» (سال اندوه) نامید زیرا با این اتفاق پشتیبان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) کوچ کرد و بیانگر عظمت آن مصیبت غمبار بود.

حضرت علی (علیه السلام) که مدتی طولانی را نزد پیامبر، در خانه حضرت خدیجه (علیها السلام) سپری کرده بود، بعد از وفات حضرت خدیجه (علیها السلام)، دائماً به مناسبت هایی که پیش می آمد، از این بانوی بزرگ یاد می کرد و نامش را گرامی می داشت. از جمله، یک بار به دفاع پیامبر از حضرت خدیجه (علیها السلام) اشاره کرد و این قضیه را چنین نقل فرمود: یک روز که پیامبر خدا در میان همسران خویش حضور داشت، یادی از همسرش خدیجه نمود و به فراق او گریست. عایشه گفت: آیا بر پیرزن سرخ مویی از تیره بنی اسد می گریی؟!

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: چه کسی جای خدیجه را می گیرد؟ روزی

ص: ۱۵۸

۱- الخصال، ج ۱، ص ۲۰۶.

۲- الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۲۲؛ اسد الغابه، ج ۶، ص ۸۳.

که شما مرا تکذیب کردید، او مرا تصدیق کرد. روزی که کفر ورزیدید، به من ایمان آورد و هنگامی که نازا بودید، برایم فرزند آورد. (۱)

حضرت خدیجه (علیها السلام) در لحظات آخر عمر گران قدر خویش به دخترشان حضرت فاطمه (علیها السلام) چنین گفتند:

«یا حَبِیْبَتِی! وَ یا قُرَّةَ عَیْنِی! قَوْلِی لِأَبِیْکَ إِنَّ أُمِّی تَقُولُ أَنَا خَائِفَةٌ مِنَ الْقَبْرِ أُرِيدُ مِنْکَ رِدَائِکَ الَّذِی تَلْبِسُهُ حِیْنَ نَزُولِ الْوَحِیِّ تُکَفِّنَنِی فِیهِ؛ هَانِ اِی مَحْبُوبِ دَل مَادِر! نُور دِیدِه اَم! بِه پَدَر گِران قَدَرَت بَگو: مَادِر مِی گوید: مَن اَز خانِه قَبِر، شَب اول قَبِر و تَنهائِی دَر قَبِر نَگِران و تَرسانم، اَز شما تَقاضا دارم کِه یَکی اَز جامِه های خَویشتن را کِه بِه هَنگام فرود فرشته وحی و دریاft پیام خدا و راز و نیازهای شبانه در بر می کردید به من هدیه کنید تا پس از مرگ، پیکرم با آن کفن گردد.

فاطمه (علیها السلام) تقاضای مادر را با پدر در میان گذاشت و پیامبر نیز بی درنگ ردای مورد نظر را به فاطمه (علیها السلام) داد و او نیز با شادمانی آن را نزد مادر آورد.

هنگامی که آن بانوی گرامی جهان را بدرود گفت، پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مراسم غسل او پرداخت و هنگامی که خواست بر بدن ایشان جامه آخرت بپوشاند به ناگاه جبرئیل فرود آمد و پس از رساندن سلام خدا پیام خداوند را رساند که می فرمود: «جامه آخرت خدیجه (علیها السلام) از سوی ما می باشد، چرا که او ثروت و امکانات خویش را در راه دین و آیین ما هزینه نمود» و آنگاه آن جامه بهشتی را به پیامبر داد و آن حضرت هم بدن مطهره خدیجه (علیها السلام) را نخست با ردای

ص: ۱۵۹

خویش، آنگاه با آن جامه اهدایی کفن کرد و در آرامگاه «معلّی» در دامنه کوهی که بر فراز شهر مکه است به خاک سپرد. (۱)

ص: ۱۶۰

۱- ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۴۱۲.

۱۱- ویژگی های یاران امام زمان (عج)

اشاره

ص: ۱۶۳

«يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» (مائده/۵۴)

ایجاد انگیزه

ایجاد انگیزه (۱)

هنگامی که حضرت موسی (علیه السلام) متولد شد مسلم بود که فرعونیان این پسر بچه را خواهند کشت، مادر حضرت در فکر این بود که چه کاری انجام دهد! وحی الهی به این مادر رسید: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ»؛ شیرش بده، نترس. «فَإِذَا خَفَتْ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ» وقتی خطر زیاد شد و ترسیدی که بچه به دست دشمن بیفتد، نگذار او را از تو بگیرند؛ او را به دریا بینداز. مادر چطور تاب می آورد بچه خود را داخل صندوقی بگذارد و او را داخل رودخانه ای بیندازد که خروشان می رود؟ اما وحی الهی به مادر چنین گفت: «إِنَّا رَأَدُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ» (۲)

ص: ۱۶۵

۱- . روش داستانی.

۲- . قصص/۷.

خدای متعال در این آیه دو وعده به این مادر داد: اوّل اینکه این بچه را به تو بر می گردانیم، دوم اینکه او را از مرسلین قرار می دهیم. «فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ؛ این بچه را به مادرش بر گردانیدیم.» «كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَمَّا تَحْزَنَ؛ تا چشمش روشن شود و محزون نگردد.» «وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ (۱)؛ تا بداند وعده خدا درست است.» مادر موسی (علیه السلام) تحقق این وعده را دید؛ اما وعده بعدی: «وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ» در واقع پیام بعثت موسی پس از گذشت سال ها همین جا داده شد: همه بنی اسرائیل بدانند که این کودک، روزی به پیامبری مبعوث خواهد شد و شما را نجات خواهد داد.

موضوع مهدویت و ظهور امام زمان (عج) نیز وعده قطعی الهی و یکی از وعده های تخلف ناپذیر الهی می باشد، وعده ای که خدای مهربان آن را به همه انبیا و اوصیای آنها داده است.

تحقق چنین روزی که فرمانروایی زمین در اختیار بندگان صالح خداوند قرار می گیرد «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَىٰ الَّذِينَ اسْتَضَوْا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (۲)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرمایند:

«مَعَاشِرَ النَّاسِ! ابْشِرُوا بِالْفَرَجِ، فَإِنَّ وَعْدَ اللَّهِ لَا يُخْلَفُ، وَقَضَاءُ لَيْدٍ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ، وَإِنَّ فَتْحَ اللَّهِ قَرِيبٌ (۳)؛ ای

ص: ۱۶۶

۱- . قصص / ۱۳.

۲- . همان، ۵.

۳- . امالی صدوق، ص ۳۵۲.

گروه مردمان! مژده باد بر شما فرج و ظهور مهدی (علیه السلام) که به راستی وعده خداوند تخلف نمی یابد و قضای او باز نمی گردد، او حکیم و آگاه است و به راستی فتح و گشایش خداوند نزدیک است.»

آری! به راستی که امام زمان (عج) حتما خواهد آمد، همانطور که حضرت موسی به مادرشان برگردانده شد و به پیامبری مبعوث شد؛ اما نکته اینجاست که ما کجای قضیه ایم و باید بدانیم تا ما خودمان را بازخوانی نکنیم و خودسازی نکنیم و آماده ظهور نشویم، یقینا نمی توانیم منتظر واقعی مهدی (عج) باشیم.

پس اگر بخواهیم منتظر واقعی و از یاران آن حضرت باشیم، باید ویژگی های یاران امام زمان (عج) بشناسیم و آن را بر خود تطبیق دهیم تا در تحقق آن وعده بزرگ الهی نقش خود را به درستی ایفا کنیم.

متن و محتوا

امام صادق (علیه السلام) درباره آیه «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»^(۱) می فرماید: همانا صاحب امر (فرج) محفوظ است؛ و او دارای اصحابی است که اگر تمام مردم از بین بروند خداوند متعال اصحاب او را گرد او جمع می کند.^(۲)

ص: ۱۶۷

۱- . مائده/۵۴.

۲- . تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۷۳.

پیام آیه جهان شمول است و همه کسانی را که دارای این ویژگی ها باشند را در بر می گیرد؛ خواه در زمان عمر آن ها امام زمان (عج) ظهور کند یا نه.

در تفسیر گران سنگ مجمع البیان و نور الثقلین ذیل آیه می خوانیم وقتی از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) درباره مردمی که مصداق پیشگویی قرآن در آیه ۵۴ مائده هستند، پرسیدند، «ضَرَبَ رَسُولُ اللَّهِ يَدَهُ عَلَى عَاتِقِ سَلْمَانَ وَقَالَ هَذَا وَ ذُوهُ ثُمَّ قَالَ لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ مُعَلَّقًا بِالْثُرَيَّا لَنَالَهُ رِجَالٌ مِنْ فَارِسٍ؛ آن حضرت دست به شانه سلمان فارسی زد و فرمود: [مقصود آیه] این مرد و هم وطنان اویند! سپس فرمود: اگر ایمان به [ستاره] ثریا آویخته باشد، هر آینه مردانی از ایرانیان به آن دست یابند.»^(۱)

از این رو بر همه علاقه مندان به اسلام و ایران و انقلاب اسلامی است که برای حفظ این سند افتخار قرآنی و تداوم این دستاورد بزرگ تاریخی، برنامه ریزی کنند و در این راه، همه توان خود را به کار گیرند. حفظ این سند افتخار، در گرو تداوم و تقویت ویژگی هایی است که قرآن برای یاوران راستین اسلام، مشخص کرده است که یقیناً این ویژگی ها همان ویژگی های یاران امام زمان (عج) در حکومت جهانی آن حضرت می باشد.

ویژگی های یاران حضرت مهدی (عج)

۱. دوستی و محبت دوطرفه با خدا و بنده

اولین ویژگی یاران امام زمان (عج) که در آیه ۵۴ مائده مطرح است

ص: ۱۶۸

۱- . تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۴۲.

و سر منشأ صفات دیگر یاران آن حضرت بوده و ویژگی های دیگر ارتباط مستقیم با آن دارد، این است که آن ها به خدا عشق می ورزند و جز به خشنودی او نمی اندیشند. هم خداوند آنان را دوست دارد و هم آن ها خدا را دوست دارند «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ»

چه کسانی خدا را دوست دارند؟

منتظران و یاران امام زمان (عج) خدا را دوست دارند و تابع دستورات او و پیامبر ایشان هستند «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي (۱)؛ اگر خدا را دوست دارید، باید گوش به حرف من (پیامبر) بدهید.»

متأسفانه گاهی با اینکه می دانیم کاری امام زمان (عج) را شاد می کند، کوتاهی می کنیم. گاهی می دانیم که ایشان از بعضی کارها ناخرسند و گله مند می شوند، ولی شیطان فریب مان می دهد و آن ها را انجام می دهیم. در روایتی از امیرمؤمنان (علیه السلام) نقل شده است که فرمودند: «الْقَلْبُ الْمُحِبُّ لِلَّهِ يُحِبُّ كَثِيرًا النَّصَبَ لِلَّهِ وَالْقَلْبُ اللَّاهِي عَنِ اللَّهِ يُحِبُّ الرَّاحَةَ (۲)؛ دل خدا دوست، رنج و سختی در راه خدا را بسیار دوست می دارد و دل بی خبر از خدا، راحت طلب است.»

یکی از نشانه های اینکه انسان کسی را دوست دارد، این است که می خواهد به او خدمت کند و برایش زحمت بکشد. همان گونه که مادر از اینکه برای فرزند زحمت و بی خوابی بکشد، لذت

ص: ۱۶۹

۱- [۱] آل عمران/۳۱.

۲- . مجموعه ورام، ج ۲، ص ۸۷.

می برد. این روایت به این نکته اشاره می کند و می فرماید: دلی که خداوند را دوست می دارد، می خواهد برای او زحمت بکشد، اما دلی که غافل و از محبت خداوند تهی است، به دنبال راحتی و تنبلی است.

امام صادق (علیه السلام) در روایتی زیبا ملاک و معیار این دوستی را چنین بیان کرده است: «فَإِنَّ كُلَّ مَنْ خَيْرَ لَهُ أَمْرَانِ: أَمْرُ الدُّنْيَا وَ أَمْرُ الْآخِرَةِ، فَاخْتَارَ أَمْرَ الْآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا فَذَلِكَ الَّذِي يُحِبُّ اللَّهَ (۱)؛

هرکسی که بین دو امر مخیر بشود که یکی دنیوی و دیگری اخروی است، اگر کار اخروی را مقدم داشت، معلوم می شود که خدا را دوست دارد. (اما اگر امر دنیوی را مقدم بدارد، معلوم می شود برای خدا جایگاهی قائل نیست و خواست خدا برای او ارزشی ندارد).

این امتحانی است برای اینکه ما بینیم محبت های ما چه قدر عمق دارد و بدانیم که خدای متعال برای ما چه ارزشی قائل است.

یاران حضرت مهدی (عج) همچو یاران امام حسین (علیه السلام) رضایت خداوند و امر اخروی را بر هر چیزی مقدم می دارند و به خاطر دنیا و پست و مقام ها و لذت های زودگذر، آخرت خود را خراب نمی کنند و در هر حال و حتی سخت ترین شرایط رضایت محبوب خود را جلب می کنند. پس یاران حضرت به معنای واقعی کلمه مصداق یحبهم و یحبونه هستند.

چه خوش بی مهربانی هر دو سر بی

که یکسر مهربانی در دسر بی

ص: ۱۷۰

اگر مجنون دل شوریده ای داشت

دل لیلی از آن شوریده تر بی

۲. متواضع در برابر مؤمنان و سرسخت در برابر دشمنان

دومین ویژگی که در این آیه شریفه برای یاران امام زمان (عج) بیان شده «أَذَلَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّهُ عَلَى الْكَافِرِينَ؛ در برابر مؤمنان خاضع و مهربان هستند و در برابر کافران سختگیر.»

أَذَلَّهُ به معنای: ذلت، خواری، فرمانبری، کوچک نمودن، رام است. (۱)

أَعِزَّهُ به معنای: سرسخت، شکست ناپذیر و پر قدرت می باشد. (۲)

یاران امام زمان (عج) از هرگونه خود برتر بینی و تکبر و غرور نسبت به مؤمنین پرهیز می کنند و متواضعانه با آنان برخورد می کنند. تواضعی که از درون جان انسان برخیزد و برای احترام به مؤمنی از مؤمنان و بنده ای از بندگان خدا از این جهت که مومن و بنده خدا هستند باشد و یکی از مصادیق بارز آنکه از لفظ اذله به دست می آید، خواری و ذلت در برابر اهل بیت (علیهم) و امام زمان (عج) و فرمانبرداری از ایشان می باشد.

افتادگی آموز اگر طالب فیضی

هرگز نخورد آب زمینی که بلند است

ص: ۱۷۱

۱- تفسیر تبیان و المیزان و کشاف ذیل آیه شریفه.

۲- قاموس القرآن.

اما یاران حضرت در برابر دشمنان قاطع و سختگیر هستند.

نمونه آن برخورد قاطع سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با تفنگداران آمریکا بود که پیامی قاطع به دشمنان اسلام بود. هنگامی که تفنگداران نیروی دریایی آمریکا به مرزهای آبی ما تجاوز کردند، چند نفر افسر جوان و مؤمن محکم در مقابل آن ها ایستاده و این ایستادگی به نحوی بود که دشمن را به زانو درآورد. اینکه یک ارتش ابرقدرت این طور آرام در دست سربازان امام زمان (عج) قرار گرفت، قدرت نمایی بسیار بالایی بود و خیلی از فضا سازی های دشمنان را به حاشیه برد و توانمندی نیروهای مقتدر جمهوری اسلامی را نشان داد.

ابن عباس می گوید: «اینان (یاران امام زمان) کسانی هستند که برای اهل ایمان بسان پسر نسبت به پدر و فرمانبردار واقعی نسبت به سرور و سالار خویش اند، اما برای کفرگرایان تجاوزکار و بیدادپیشه و خودکامه بسان صیاد نسبت به صید خویش تا آنان را از ستم و تجاوز بازدارند.»^(۱)

قرآن به توصیف یاران پیامبر پرداخته و می فرماید: «وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ (۲)؛ کسانی که با او هستند در برابر کفار، شدید و محکم هستند» و در دومین وصف می گوید: اما در میان خود، رحیم و مهربانند؛ «رُحَمَاءٌ بَيْنَهُمْ»^(۳)

آری آن ها کانونی از عواطف و محبت نسبت به برادران و دوستان و هم کیشان خود هستند و آتشی سخت و سوزان و سدی محکم و پولادین در مقابل دشمنان خویش می باشند.

ولی عجیب است که بعضی از سران کشور های اسلامی و بعضی

ص: ۱۷۲

۱- . مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۲۱.

۲- . فتح / ۲۹.

۳- . همان.

از افراد جاهل و به ظاهر مسلمان، امروز از رهنمودهای مؤثر این آیات و ویژگی هایی که برای مؤمنان راستین و یاران رسول الله (صلی الله علیه و آله) نقل می کند، فاصله گرفته اند و بازیچه کفار و مستکبران قرار گرفته که گاه آن چنان به جان هم می افتند و کینه توزی و خونریزی می کنند که هرگز دشمنان اسلام آن چنان نکردند!

مصدق بارز این آیات شعار هیئات من الذله ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) در مقابل دشمنان خداست و همچنین این جمله امام خمینی (ره) که فرمود: «اگر ما همه از بین برویم بهتر است از اینکه ذلیل باشیم زیر دست صهیونیسم، و زیر دست آمریکا. ما اعتقادمان این است که باید مسلمین با هم متحد بشوند و تودهنی بزنند به آمریکا و دشمنان اسلام و بدانند که به یاری خداوند می توانند!»^(۱)

۳. جهادگران راه خدا

جهاد در راه خدا در همه مقاطع و به طور مستمر از برنامه های یاران حضرت است: «يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «یاران مهدی، آرزو می کنند که در راه خدا به شهادت برسند.»^(۲)

البته مراد از جهاد هر دو نوع جهاد است، هم جهاد اصغر و هم جهاد اکبر.

حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: پیامبر (صلی الله علیه و آله) گروهی از اصحاب را برای عملیات نظامی به جایی فرستاد و زمانی که از مأموریت برگشتند

ص: ۱۷۳

۱- . کلمات قصار امام خمینی (ره).

۲- . بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

به آنان فرمود، آفرین بر گروهی که جهاد اصغر را به نحو احسن به جای آوردند؛ اما جهاد اکبر را باقی گذاشتند (و حقش را اداء نکردند) در این حین عده ای از ایشان پرسیدند: ای رسول خدا جهاد اکبر چیست؟ حضرت فرمودند جهاد با نفس جهاد اکبر است. (۱)

در تعالیم دینی صیانت و دفاع از کیان سرزمین های اسلامی و جان و نوامیس مسلمانان با اینکه از اوجب واجبات است؛ اما به جهاد اصغر تعبیر شده است و حفظ و صیانت نفس از کج روی ها و انحرافات و کنترل هوا و هوس و شهوت ها به جهاد اکبر تعبیر شده است.

یاران حضرت با توجه به این آیه شریفه همواره در جهاد هستند. مدافعان حریم قرآن و اهل بیت (علیهم) که شجاعانه و با شدت و قوت در جنگ سخت و نرم شرکت کرده اند، مصداق بارزی از این مورد هستند.

یکی از بستگان شهید رضا کارگر برزی می گوید: زمستان سال نود و یک دعوت شدیم خانه یکی از اقوام که از قضا ماهواره هم داشتند.

همین موضوع باعث شد تا رضا درباره اهداف شبکه های ماهواره ای برای صاحب خانه و بقیه صحبت کند. توضیحاتی در مورد چگونگی تشکیل این شبکه ها، منابع مالی شان، اهدافشان و حامیانشان داد، در آن مهمانی تعدادی از افراد حاضر که از لحاظ نسبی رابطه دوری با ما داشتند در آن مهمانی بودند و صحبت های رضا را گوش می کردند.

ص: ۱۷۴

چند نفری شروع به مسخره کردن رضا کردند که فلانی، در فلان جا مغز تو را شستشو داده، بعد از مهمانی، من با رضا تند برخورد کردم که چرا از این حرف ها می زنی تا مسخره ات کنند؟

اما رضا این طور جواب داد: من وظیفه ام را انجام دادم، در قبال این خانواده توضیحات را دادم؛ اما در آخرت از من نمی پرسند چرا نهی از منکر نکردی. من کار خودم را کردم، به وقتش این حرف ها اثر می گذارد.

خیلی برای من جالب بود، ایشان اصلاً به این فکر نمی کرد که مسخره اش می کنند، فقط به فکر انجام وظیفه اش بود. (۱)

این نمونه ای از دفاع از حریم اسلام در جنگ نرم دشمن است؛ در جنگ سخت نیز مهندس رضا کارگر برزی در ۱۱ مرداد سال ۹۲ در سوریه به شهادت رسید.

آری یاور امام زمان (عج) در جهاد اکبر و مقابله با شیطان و هوا و هوس نفس در نبردی سخت و جانانه خود را از آلودگی ها و تعلقات دنیوی که می تواند او را از پای در بیاورد پیراسته می کند.

چرا که اهمیت و حساسیت جهاد اکبر به مراتب بیشتر از جهاد اصغر است؛ زیرا شرط پیروزی در صحنه نبرد و دلدادگی و مطیع محض مولا بودن، پیروزی در صحنه جهاد اکبر و تزکیه نفس است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «گویا من نظر می کنم به قائم و اصحاب او؛ سجده ها به پیشانی های آن ها اثر گذاشته است؛ شیران در روز و راهبان در شب اند.» (۲)

یکی از هم دوره ای های شهید بابایی در آمریکا می گفت: توی

ص: ۱۷۵

۱- . صفحه شخصی ایشان در سایت افسران جنگ نرم.

۲- . بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶.

آمریکا دوره ی خلبانی می دیدیم. یک روز روی بولتن خبری پایگاه (ریس) مطلبی نوشته بود که نظر همه را جلب کرده بود. مطلب این بود: «دانشجو بابایی ساعت ۲ بعد از نیمه شب می دَوَد تا شیطان را از خود دور کند!» تا این مطلب را خواندم، رفتم سراغ عباس و گفتم: «عباس قضیه چیه؟!» اولش نمی خواست حرفی بزند؛ بعد از چند لحظه، آرام سرش را بالا آورد و گفت: «چند شب پیش بدخواب شده بودم، رفتم میدان چمن تا کمی بدوم. کُلُّل باکستر و زنش من را دیدند. از شب نشینی می آمدند. کلنل به من گفت: این وقت شب چرا می دوید؟ گفتم: دارم ورزش می کنم. گفت: راستش را بگو. گفتم: حقیقتاً محیط خوابگاه بسیار آلوده است، شیطان آدم را بدجوری اذیت می کند، اگه آدم حواسش را جمع نکند به گناه می افتد. بعد به او گفتم: دین ما برای این طور وقتها - که گناه آدم را وسوسه می کند - توصیه کرده که عمل سخت انجام بدید.» (۱)

۴. شجاع و خستگی ناپذیر

آخرین ویژگی که خداوند برای آنان در این آیه ذکر می کند این است که در راه دوستی خداوند و انجام فرمان خدا و دفاع از حق و جهاد در راه خداوند از ملامت هیچ ملامت کننده ای نمی هراسند.

«وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» این بخش از آیه قاطعیت و پایمردی مؤمنان را بیان می کند که روح محافظه کاری و سهل انگاری در آن ها نیست، از عوام زدگی و محیط زدگی و غوغای اکثریت منحرف و استهزاء آن ها نمی هراسند و با گام های استوار در صراط

ص: ۱۷۶

۱- . کتاب رسم خوبان ۲- مقصود تویی؛ شهید عباس بابایی، ص ۴۹_ ۵۱.

مستقیم حرکت می کنند و یاوه های چپ و راست در حرکت آن ها اثر ندارد؛ و باید به آغاز آیه نیز توجه داشت که ارتداد و بیعت شکنی عده ای سست عنصر آن ها را سست و نگران نمی کند، آن ها شرایط سخت حاضر را معیار قرار نمی دهند، امید به آینده دارند، چرا که خود آینده سازند و کمبودها آن ها را سست و لرزان نمی کند.

امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) می فرمایند: «به نیکی ها امر کن و خود نیکوکار باش و با دست و با زبان بدی ها را انکار کن و بکوش تا از بدکاران دور باشی و در راه خدا آنگونه که شایسته است تلاش کن و هرگز سرزنش ملامت گران تو را از تلاش در راه خدا باز ندارد. برای حق، در مشکلات و سختی ها شنا کن، شناخت خود را در دین به کمال رسان، خود را برای استقامت در برابر مشکلات عادت ده که شکیبایی در راه حق عادتی پسندیده است. در تمام کارها خود را به خدا واگذار که به پناهگاه مطمئن و نیرومندی رسیده ای» (۱)

امام صادق (علیه السلام) در باره یاران مهدی (عج) می فرمایند: «رِجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ لَوْ حَمَلُوا عَلَى الْجَبَالِ لَأَزَالُوهَا؛ یاران امام زمان کسانی هستند که دل های آنان همچون پاره آهن سخت و محکم است و تردیدی در ایمان الهی آن ها ایجاد نمی گردد. دلشان قوی تر از سنگ است و اگر به کوه حمله ور گردند آن را از جای برکنند.» (۲)

ص: ۱۷۷

۱- . نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

۱۲- عواقب عهد و پیمان شکنی با خدا

اشاره

ص: ۱۷۹

«وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (۱)

ایجاد انگیزه

ایجاد انگیزه (۲)

یکی از یاران پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به نام «انس بن نصر» نتوانست در جنگ بدر پیامبر (صلی الله علیه و آله) را همراهی کند. پس از پایان جنگ، به محضر پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسید و عرض کرد: یا رسول الله! در جنگی که برای شما پیش آمد، من نتوانستم در رکاب شما باشم، اما با شما عهد می بندم اگر دیگر بار جنگی رخ دهد، در آن شرکت کنم!

زمانی که جنگ احد پیش آمد، انس حاضر شد و پس از آنکه در میان مسلمین شایع شد که پیامبر (صلی الله علیه و آله) کشته شده، برخی گفتند: کاش نماینده ای داشتیم و نزد عبدالله ابن ابی می فرستادیم تا برای ما از ابوسفیان امان بگیرد.

برخی دیگر دور نشسته و دست روی دست نهادند تا چه پیش آید. عده ای دیگر گفتند: حال که پیامبر (صلی الله علیه و آله) کشته شده، به دین سابق خود برگردید!

ص: ۱۸۱

۱- . انعام/۱۵۲.

۲- . روش داستانی.

انس بن نضر گفت: خدایا از آنچه این جمعیت پیشنهاد می کنند، بیزاری می جویم. بعد گفت: اگر پیامبر (صلی الله علیه و آله) کشته شده، خدای او زنده است، بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) زندگی برای چیست؟ جنگ کنید برای همان مقصودی که رسول خدا می جنگید! سپس شمشیرش را کشید و با دشمنان طبق عهدهی که کرده بود، جنگید تا شهید شد. پس از شهادت حدود هشتاد زخم و جراحت و جای تیر و نیزه بر بدنش بود. آن قدر جراحاتش زیاد بود که خواهرش فقط به وسیله سر انگشتان توانست او را بشناسد. (۱)

آیا تا به حال با پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) عهد و پیمانی بسته ایم؟ با خدای پیامبر چه؟ ما چه مقدار به عهدهای خود با خداوند، شناخت داریم؟ آیا به همه عهد و پیمان های خود وفادار بوده ایم؟ اگر کسی عهد و پیمان خود با خدا و پیامبرش را بشکند؛ چه عواقبی برایش در پی خواهد داشت؟

متن و محتوا

خداوند انسان را خلق کرد، از روح خود در او دمید و جسم او را به بهترین شکل بنا کرد؛ «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (۲)

او انسان را با فطرتی بنا نهاد که او را به سوی خداخواهی و خداپرستی هدایت می کند و هرگز تغییر در آن فطرت نیست «فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» (۳)؛ این فطرتی است که خداوند، انسان ها را بر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش الهی نیست.»

ص: ۱۸۲

۱- . پیام پیامبر (صلی الله علیه و آله)، متن، ص ۶۴۲.

۲- . مؤمنون/۱۴.

۳- . روم/۳۰.

بر اساس آموزه های دینی، خداوند از انسان عهد و پیمان های متعددی گرفته و انسان ها نسبت به رعایت آن متعهد شده اند؛ برخی از آن ها عبارتند از:

۱. «اعتقاد به توحید و یکتاپرستی»

۲. «اطاعت از خداوند»

۳. «اطاعت از انبیای الهی»

۴. «پذیرش ولایت امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین (علیهم)»

۵. «عمل به دستورات دین»

۶. «پیروی نکردن از نفس و شیطان»

این پیمان ها گاهی با زبان خطاب و تکلم (۱)

و گاهی با زبان فطرت و سرشت پاک الهی (۲) با انسان بسته شده است. خداوند متعال در قرآن مجید، دستور می دهد تا به عهد و پیمانی که با خدای خود پیوسته، وفادار باشید و خود را به رعایت آن ها ملزم بدانید: «وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (۳)؛

به عهد الهی وفا کنید. این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده است تا متذکر شوید.»

حذیفه از کسانی بود که در جنگ بدر شرکت نکرد و از آن فیض بزرگ محروم شد، خودش درباره این محرومیت می گوید: من و رفیقم «ابوالحسیل» از مدینه خارج شدیم تا به پیغمبر اسلام و سپاه مسلمین بیونددیم. اتفاقاً به جمعی از کفار قریش برخوردیم. از ما پرسیدند: به سوی محمد می روید؟ از ترس آن ها و برای نجات از شرشان گفتیم: نه، ما به مدینه می رویم. آن ها از ما عهد و پیمان

ص: ۱۸۳

۱- . یس/۶۰ و ۶۱.

۲- . اعراف/۱۷۲.

۳- . انعام/۱۵۲.

گرفتند که اگر آزادمان کنند، به یاری محمد (صلی الله علیه و آله) نرویم و علیه آن ها جنگ نکنیم. ما هم این عهد را با آنان بستیم و آزاد شدیم. از آنجا به حضور خاتم انبیا (صلی الله علیه و آله) رسیدیم و ماجرا را نقل کردیم و اجازه شرکت در جنگ را خواستیم. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: نه، شما با آن ها عهد و پیمان دارید و نباید نادیده بگیرید. شما بروید و به عهد و پیمان خود وفا کنید، ما هم از خدا یاری می جوییم. (۱)

آری در حالی که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) ما را سفارش به رعایت عهد و پیمان، حتی با دشمنان و کفار می کنند، متأسفانه برخی از افراد عهد و پیمانی که با خدا بسته اند را می شکنند و مطمئناً این گناه بسیار بزرگی است و عواقب بدی را در پی خواهد داشت.

به همان اندازه که آموزه های دینی بر وفاداری نسبت به عهد و پیمان تأکید نموده اند، از پیمان شکنی و بی وفایی نیز نکوهش کرده اند. قرآن کریم، بیشترین زیان ناشی از پیمان شکنی را متوجه شخص پیمان شکن می داند و می فرماید: «فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ» (۲)؛

هر کس پیمان شکنی کند، در حقیقت به زیان خویش پیمان شکنی کرده است»

در منابع دینی برای افراد عهدشکن و کسانی که پیمان های خود با خدا را زیر پا می نهد، پیامدها و نتایج شومی را برشمرده اند. یادآوری و تفکر در تک تک آن ها می تواند انسان را از انجام این عمل زشت باز دارد.

پیامدهای پیمان شکنی با خدا

۱- از دست رفتن اعتبار انسان نزد دوست و دشمن

زشتی و پلیدی عهد و پیمان شکنی، امری عقلانی است که

ص: ۱۸۴

۱- . اسلام صلح جهانی، ص ۲۶۴.

۲- . فتح/۱۰.

اختصاصی به دین و مذهب خاصی ندارد و مورد اتفاق همه عقلائی عالم است. بزرگ ترین پیمان انسان، با خدای خویش در روز الست است و کسی که به عهد و پیمان های خود با خدا پایبند نباشد؛ هم در نزد دوستان و هم در نزد دشمنان به عنوان یک شخص متزلزل و غیر قابل اعتماد تلقی می گردد. در این صورت حتی دشمنان هم در روابط خود با او احتیاط کرده و می گویند: این شخصی که به خدای خود و در مذهب و دین خود، خیانت کرده، چگونه به ما وفادار خواهد ماند؟ بنابراین، هرگز به او اعتماد نمی کند؛ اگرچه ممکن است جهت استفاده ابزاری از او، وعده های پوشالی به پیمان شکن، بدهند. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «لَا تَعْتَمِدْ عَلَى مَوَدَّةِ مَنْ لَا يُوفِي بَعْدَهُ»^(۱)؛ بر دوستی کسی که به عهد و پیمان خود وفا نمی کند، اعتماد مکن»

پیر پیمانہ کش من کہ روانش خوش باد

گفت پرهیز کن از صحبت پیمان شکنان

اکنون در جامعه ما نیز این گونه است، نسبت به کسانی که اهل رعایت حلال و حرام الهی هستند و کمتر پیمان شکنی می کنند، اعتماد بیشتری است و نسبت به افراد بی دین و غیر متدین اعتماد کمتر می باشد. مقام معظم رهبری (مدظله) مکرراً در سخنرانی های خود، به دولت تأکید می کنند که در مذاکرات هسته ای به آمریکایی های که سابقه پیمان شکنی داشته اند، جای اعتماد و تکیه نیست.

ص: ۱۸۵

نقل شده یکی از پادشاهان را پیشامد دشواری روی داد و با خدا عهد کرد که اگر کار من به نیکی پایان پذیرد هر چه پول موجودی در خزینه داشتم، به مستمندان و بینوایان می دهم. خداوند به زودی خواسته او را برآورد. پادشاه تصمیم گرفت به پیمان خود وفا کند. خزینه دار را خواست. دستور داد موجودی را حساب کند. بعد از بررسی معلوم شد مقدار زیادی پول موجود است. وزیران او گفتند: این همه مال را به مستمندان نمی توان پرداخت؛ زیرا مملکت از نظر مالی آشفته خواهد شد و اداره لشکر احتیاج به این پول دارد. شاه گفت من عهد کرده ام و عهد شکنی نمی کنم.

گفتند بنابر نظر علماء بزرگ و ظاهر آیه «والعاملین علیها» لشگریانی که خراج جمع می کنند، خود از مستحقین می باشند و باید بخشی را به آن ها بدهید.

پادشاه از این سخن در اندیشه شد، پیوسته برای آشکار شدن تکلیف خود فکر می کرد. روزی کنار غرفه ای نشسته بود، ژولیده ای شبیه دیوانگان از راه می گذشت. پادشاه او را خواست و جریان پیمان را با او در میان گذاشت. او گفت اگر شهریار در موقع انعقاد پیمان سپاهیان را از خاطر گذرانده باشند، پس باید بخشی از اموال را به آن ها بدهد و بقیه را میان فقرا تقسیم کند و الا به آن ها نمی توان داد. شاه گفت: هنگام عهد فقط به یاد مستمندان و بیچارگان بودم. سپس ژولیده روی به شاه کرد و گفت: اگر دیگر با آن کسی که پیمان بسته ای، کاری نداری، پس به عهد پیشین خود وفا نکن، ولی چنانچه به او احتیاج داری،

به عهد خویش وفا کن.

پادشاه از این جمله، چنان تحت تأثیر واقع شد که اشک از دیدگان فرو ریخت و همان دم دستور داد اموال را بین فقرا تقسیم کنند. (۱)

۲- مبتلا شدن به نفاق و دورویی

یکی از آفت‌ها و خطرهای اجتماعی که ممکن است، جامعه را به ویرانی و تباهی بکشد و پایه‌های وحدت اجتماعی را متزلزل سازد، «نفاق و دورویی» است. در قرآن و روایات نسبت به این پدیده شوم اجتماعی هشدارهای جدی داده شده است.

در قرآن برای کسی که با خدا عهد کرد که اگر خدا اموالی در اختیار او قرار دهد و وسعتی به زندگی او بدهد، حتماً انفاق می‌کند؛ ولی بعد از بهره‌مندی از اموال دنیایی، عهد و پیمان خود را می‌شکند و انفاقی نمی‌کنند، عاقبت آن را مبتلا به نفاق و دورویی برشمرده است. «و مِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَ لَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخُلُوا بِهِ وَ تَوَلَّوْا وَ هُمْ مُعْرِضُونَ فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ (۲)؛ بعضی از آن‌ها با خدا پیمان بسته بودند که: «اگر خداوند ما را از فضل خود روزی دهد، قطعاً صدقه خواهیم داد و از صالحان (و شاکران) خواهیم بود!» (اما هنگامی که خدا از فضل خود به آن‌ها بخشید، بخل ورزیدند و سرپیچی کردند و روی برتافتند! این عمل، (روح) نفاق را، تا روزی که خدا را ملاقات کنند، در دل‌هایشان برقرار ساخت.

ص: ۱۸۷

۱- وفای به عهد و پیمان چرا؟، حسن امیدوار.

۲- توبه / ۷۵ - ۷۷.

این به خاطر آن است که از پیمان الهی تخلف جستند و به خاطر آن است که دروغ می گفتند.»

حکایت شده شخصی گوسفندان خود را به صحرا برد و خود به بالای درختی رفت. باد شدیدی وزید، او خود را در خطر بسیار سخت دید. با خدا عهد کرد و گفت: خدایا اگر من به سلامتی از درخت پایین آیم، همه گوسفندانم را در راه تو صدقه می دهم.

سپس آرام آرام از شاخه های بالا به شاخه های پایین آمد و کمی احساس آرامش کرد و گفت: خدایا! قیمت گوسفندان زیاد است و دلم نمی آید صدقه بدهم. اگر سالم به پایین آیم، پشم های آن ها را صدقه می دهم. از آنجا به قسمت پایین تر آمد، بیشتر احساس آرامش کرد و گفت: خدایا! اگر سالم به زمین برسم، کشک های به دست آمده از آن ها را صدقه می دهم. وقتی که پایین آمد و کاملاً احساس آرامش کرد، گفت: پشم چی؟ کشک چی؟ ولش کن هیچی! و این جمله به عنوان مثل در تاریخ باقی ماند.

۳- مورد نفرین خدا واقع شدن

عهد و بیعت با خداوند، در حقیقت، تعهد بر اطاعت جهت تقرب به خداوند است؛ بنابراین کسی که عهد خود با خدا را بشکند، در حقیقت، حرکت خود به سوی خداوند را متوقف نموده و بلکه در مسیر خلاف قرب خداوند قرار گرفته است و این عیناً لعنت و دوری از رحمت خداوند است؛ در آیه ای از قرآن نیز به این امر اشاره شده است:

ص: ۱۸۸

«وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ(۱)؛ آن ها که عهد الهی را پس از محکم کردن می شکنند و پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده قطع می کنند و در روی زمین فساد می نمایند، لعنت برای آن هاست و بدی (و مجازات) سرای آخرت!»

در سوره مائده نیز خداوند مهربان بنی اسرائیل را که به پیمانشان در خواندن نماز، دادن زکات، یاری و ایمان به پیامبران، عمل نکردند، مورد لعنت خود قرار داده و می فرماید: «فَبِمَا نَقْضَتْهُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً(۲)؛ ولی به خاطر پیمان شکنی، آن ها را از رحمت خویش دور ساختیم و دل های آنان را سخت و سنگین نمودیم.»

۴- خسران ابدی و عذاب اخروی

شخص پیمان شکن، افزون بر این که اعتبار و ارزش دنیوی خود را از دست می دهد، در آخرت نیز با گرفتاری بزرگی روبه رو خواهد شد.

خداوند پیمان شکنان را به سبب آنکه با پیمان های خویش سوداگری می کنند، سرزنش کرده و به آنان یادآور می شود که چنین رفتار هنجار شکنانه ای، مایه محرومیت ایشان از هرگونه بهره های اخروی است: «إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَا

ص: ۱۸۹

۱- رعد/۲۵.

۲- مائده/۱۳.

خَلَقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱)؛ کسانی که پیمان الهی و سوگندهای خود (به نام مقدس او) را به بهای ناچیزی می فروشند، آن ها بهره ای در آخرت نخواهند داشت و خداوند با آن ها سخن نمی گوید و به آنان در قیامت نمی نگرد و آن ها را (از گناه) پاک نمی سازد و عذاب دردناکی برای آن هاست.»

در آیه دیگری چنین می فرماید: «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۲)؛ فاسقان کسانی هستند که پیمان خدا را، پس از محکم ساختن آن، می شکنند و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند، قطع نموده و در روی زمین فساد می کنند این ها زیانکارانند.»

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) سرنوشت اخروی پیمان شکنان را چنین ترسیم کرده است: «إِنَّ فِي النَّارِ لَمَйдِينَهُ يُقَالُ لَهَا الْحَصِينَةُ أَفَلَا تَسْأَلُونِي مَا فِيهَا فَقِيلَ وَمَا فِيهَا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ فِيهَا أَيْدِي النَّاكِثِينَ (۳)؛ همانا در جهنم شهری است که به آن حصینه (دژ مستحکم) می گویند. آیا از من نمی پرسید که در آن شهر چیست؟ سؤال شد: ای امیر مؤمنان در آن شهر چیست؟ فرمود: دست های پیمان شکنان!»

ص: ۱۹۰

۱- . آل عمران/۷۷.

۲- . بقره/۲۷.

۳- . خصال، ج ۱، ص ۲۹۶.

امام موسی کاظم (علیه السلام) در تفسیر آیه شریفه «أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ» فرمودند: هنگامی که این آیه شریفه فرود آمد، گروهی نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمدند و گفتند یا رسول الله! منزه است خدائی که روزی می دهد، مشاهده نمی کنید فلان شخص از مال دنیا چیزی نداشت و دست او خالی بود، ولی با گروهی به عنوان خدمتکار به سفر دریایی رفتند. آن جماعت در اثر خدمت او حقیقت را دادند و او را با خود به چین بردند و او را در مال التجاره خود سهم کردند. او هم کالا و اثاثیه خرید و با خود آورد و آن ها را فروخت و ده برابر سود برد و اکنون یکی از ثروتمندان اهل مدینه می باشد!

گروه دیگری که در خدمت آن حضرت بودند، گفتند: یا رسول الله! مگر مشاهده نمی کنی فلانی که حالش بسیار خوب و مال دار بود، زندگی مجلل و باشکوهی داشت و خیرات و مبرات می کرد و همه اسباب و ابزار کار در اختیارش بود، ولی حرص و آز او را وادار کرد، به سفر دریایی برود. او در هنگام تلاطم دریا و ایام موج خیز و طوفانی سوار یک کشتی بدون اطمینان شد، او به حرکت خود ادامه داد تا به وسط دریا رسید، در این هنگام باد شدیدی وزید و او را به طرف ساحل کشانید و همه ثروت و اموالش غرق شد و اینک با فقر و حسرت به سر می برد.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: آیا بگوییم بهتر از اول و بدتر از دوم کیست، گفتند: بفرماید یا رسول الله! فرمود: اما فردی که حالش از اول بهتره، مردی است که اعتقاد راستین به محمد و علی که برادر و ولی و جانشین اوست، دارد. علی میوه دل رسول الله، می باشد

و از وی مخلصانه اطاعت می کند. مردی که اعتقاد به محمد و علی دارد خداوند و پیامبر و علی از وی سپاسگزاری می کنند و بدین وسیله خیر دنیا و آخرت به او می رسد و به او زبانی می دهند که از نعمت های خدایی سپاسگزاری می کند. به این بنده دلی شاکر عطا می گردد، او از هر چه خداوند برای او مقدر کند، راضی می باشد و بر آنچه از دشمنان آل محمد (علیهم) به او می رسد، صبر می کند و از این جهت خداوند او را در زمین و آسمان بزرگ می کند و از رضوان و کرامت های خود به او می دهد و این تجارت سودمندتر و بهتر و گواراتر است؛ اما کسی که حالش از دومی بدتر است، مردی است که با حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) به عنوان برادری بیعت کرده است و با او موافقت نموده و با دوستان او دوست شده و با دشمنان او دشمن شده است. بعد از این، بیعت خود را شکسته و با او مخالفت نموده و با دشمنانش هم دست شده است این چنین شخصی به سبب اعمال زشت خود، پایانش به بدی ختم می گردد و گرفتار عذابی می شود که از وی دست بر نمی دارد، او در دنیا و آخرت زیان می بیند. (۱)

ص: ۱۹۲

۱- . تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (علیه السلام)، ص ۱۲۶.

ایجاد انگیزه

ایجاد انگیزه (۲)

هنگامی که آیات روح بخش قرآن کریم را تلاوت می کنیم، در می یابیم که خداوند در آیات متعددی بر انجام یک رفتاری تأکید کرده است. مضمون همین تأکید و تشویق های خداوند متعال، در سیره معصومان (علیهم) نیز به وفور تکرار شده است؛ به طوری که می توان آن را به عنوان یک اصل اساسی در سبک و سیره معصومان (علیهم) شناخت.

اما آن رفتاری که مورد تأکید خداوند و سیره رفتاری معصومین (علیهم) بوده «استغفار و توبه» است. خداوند این عمل را یکی از ویژگی های خاص مؤمنان معرفی کرده و می فرماید: «وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (۲)؛ و در سحرگاهان استغفار می کردند»

ص: ۱۹۷

۱- . ذاریات/۱۸.

۲- . روش تعریف از مطلب.

۳- . ذاریات/۱۸.

در آیات دیگری خداوند خود را «توبه پذیر مهربان» معرفی کرده و انسان ها را به سوی توبه و استغفار تشویق می نماید.

در سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده که ایشان روزی یکصد بار استغفار می کردند. ایشان در اهمیت و ضرورت این رفتار می فرمایند: «إِنَّهُ لِيَعَانُ عَلَى قَلْبِي وَإِنِّي لَأَسْتَعْفِرُ بِالنَّهَارِ سَبْعِينَ مَرَّةً (۱)؛ همانا قلبم را غباری می گیرد و من روزی یکصد مرتبه آمرزش می طلبم»

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نیز در شبانه روز ۷۰ مرتبه استغفار می نمود. در دعای کمیل حضرت امیر (علیه السلام) به درخواست غفران گناهان می پردازند.

امام حسین (علیه السلام) نیز یکی از عوامل درخواست تأخیر جنگ از عصر تاسوعا به روز عاشورا را استغفار معرفی کرده است. همچنین امام سجاد (علیه السلام) در جای جای دعاهای خود به استغفار می پردازند. آن حضرت برای وداع ماه رمضان، ناله می زد؛ اشک می ریخت و استغفار می کرد.

با توجه به نکات پیشین، یک سؤال به ذهن می آید: مگر در استغفار چه آثاری هست که معصومان (علیهم) با وجود عصمت این همه استغفار می کنند؟ آیا استغفار در دنیای انسان هم اثر دارد یا فقط در آخرت انسان اثر گذار است؟ استغفار چه آثار و برکاتی در پی دارد؟

متن و محتوا

در آیات متعددی از قرآن کریم، استغفار بر توبه مقدم ذکر شده

ص: ۱۹۸

۱- . بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۲۰۴.

است. در این چینش، یک نکته ظریف قرآنی وجود دارد و آن این است که استغفار، پیش نیاز توبه است.

استغفار به معنای طلب آمرزش و مغفرت است و توبه به معنای بازگشت به سوی خداوند رحمان می باشد. آنگاه که فردی می گوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ» یعنی او با طلب مغفرت باز می گردد و بازگشت صرف نیست..

آثار و برکات استغفار

اشاره

در آیات و روایات برای استغفار برکات و اسرار شگفتی بیان شده است که برخی از آن ها عبارت اند:

۱. افزایش روزی و حل مشکلات اقتصادی

گناه و نافرمانی خداوند، هم معنویاتی مثل توفیق نماز شب و شیرینی عبادت را از انسان سلب می کند و هم برکات مادی را از بین می برد. قرآن کریم می فرماید: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (۱)»؛

خداوند [برای آنان که کفران نعمت می کنند] مثلی زده است: منطقه آبادی که امن [و آرام] و مطمئن بود و همواره روزیش از هر جا می رسید؛ اما نعمت خدا را ناسپاسی کردند و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می دادند، لباس گرسنگی و ترس را بر اندامشان پوشانید.»

ص: ۱۹۹

اما خداوند متعادل در قرآن کریم، کسانی که مرتکب گناهی می شوند را سفارش به استغفار و توبه کرده و بشارت گشایش می دهد: «وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَ يُؤْتِكُمْ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ (۱)؛

از پروردگار خویش آمرزش بطلبید! سپس به سوی او باز گردید تا شما را تا مدت معینی [از مواهب زندگی این جهان] به خوبی بهره مند سازد و به هر صاحب فضیلتی به مقدار فضیلتش ببخشد.»

بنا به توصیه همه انبیاء الهی، از جمله حضرت هود (علیه السلام) توبه و استغفار، موجب رحمت بی پایان و پیوسته و افزایش توان و نیروی انسان خواهد شد: «وَايَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ (۲)؛

و ای قوم من! از پروردگارتان طلب آمرزش کنید، سپس به سوی او باز گردید تا [باران] آسمانی را پی در پی بر شما بفرستد و نیرویی بر نیرویتان بیفزاید و گنهکارانه روی [از حق] برنتابید.»

در روایات نیز استغفار و بازگشت به دامن پرمهر الهی، به عنوان یکی از عوامل روزی رسان معرفی شده است. حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: «الِاسْتِغْفَارُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ (۳)؛ استغفار، روزی را زیاد می کند.»

ص: ۲۰۰

۱- . هود / ۳.

۲- . همان / ۵۲.

۳- . خصال، ج ۲، ص ۵۰۵.

ایشان در حدیث دیگری به کمیل سفارش فرمودند که اگر در رسیدن روزی او کندی و آهستگی پیش آمد، به استغفار بپردازد: «وَ إِذَا أَبْطَأَتْ الْأَرْزَاقُ عَلَيْكَ فَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ يُوسِّعْ عَلَيْكَ فِيهَا(۱)؛ هنگامی که رسیدن روزیت کند می شود، از خداوند آمرزش بخواه تا روزیت را وسیع گرداند.»

امام حسن (علیه السلام) نیز در روایتی می فرماید: «روزی در خدمت پدرم امیرالمؤمنین (علیه السلام) نشسته بودم که مرد عربی خدمت آن حضرت رسید و اظهار کرد: «ای امیرمؤمنان! من مردی عیال مندم و بهره ای از مال دنیا ندارم. امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: چرا استغفار نمی کنی تا حالت خوب شود؟»

مرد عرب گفت: با امیرالمؤمنین، من استغفار زیاد کردم و تغییر و افزایشی در وضع خود ندیدم.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: خداوند در قرآن می فرماید: «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَاراً

۱- . تحف العقول عن آل الرسول (صلی الله علیه و آله)، ص ۱۷۴.

هنگام خواب، باید آن را تلاوت کنی که این اگر این استغفار را هر شب قبل از خواب بخوانی خداوند روزی تو را افزایش می دهد.

سپس نسخه استغفار را برای او نوشته و به او دادند و فرمودند: هر گاه برای خواب به بستر رفتی و خواستی بخوابی، این استغفار را بخوان و گریه کن و اگر اشکت نیامد، حالت گریه به خود بگیر و تباکی کن.

امام حسن (علیه السلام) می فرمایند: مرد عرب رفت و سال بعد خدمت پدرم رسید و عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! خداوند نعمتش را بر من تمام کرد. و آن قدر به من مال و ثروت و مکت عطا کرد که از زیادی اموال، محل نگهداری آن ها برایم تنگ شده و جایی برای بستن و محافظت شتران و گوسفندانم ندارم

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: ای برادر عرب! سوگند به آن خدایی که محمد (صلی الله علیه و آله) را به رسالت برانگیخته است، هر بنده ای که این استغفار را قرائت کند و به آن خدا را بخواند، خداوند گناهان او را می بخشد، حوایج مشروع او را بر آورد، و برکت این استغفار مال و فرزند او را زیاد کند(۱).

۲- مایه امان از عذاب

«وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ»(۲)

آیه شریفه دلالت دارد که خداوند در دو صورت، مردم را عذاب نمی کند: ۱- زمانی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در میان مردم باشد. ۲- زمانی که مردم استغفار کنند.

ص: ۲۰۲

۱- صحیفه العلویه الجامعه، ص ۶۵۹. (متن این استغفار در ص ۱۶۴ تا ۱۶۸، کتاب مذکور آمده است).

۲- انفال/ ۳۳.

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «كَانَ فِي الْأَرْضِ أَمَانَانِ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ، وَقَدْ رُفِعَ أَحَدُهُمَا، فَدُونَكُمْ الْآخَرَ فَتَمَسَّكُوا بِهِ: أَمَّا الْأَمِيَانُ الَّذِي رُفِعَ فَهُوَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ أَمَّا الْأَمِيَانُ الْبَاقِي فَالِاسْتِغْفَارُ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ(۱)؛ دو چیز در زمین، مایه امان از عذاب خدا بود: یکی از آن دو برداشته شد. پس دیگری را دریابید و بدان چنگک زنید. امانی که برداشته شد، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود و امان باقی مانده، آمرزش خواهی است که خدای بزرگ به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: خدا آنان را عذاب نمی کند؛ در حالی که تو در میان آنانی و عذابشان نمی کند تا آن هنگام که استغفار می کنی»

۳- رفع غم و گرفتاری ها

در کلمات نورانی پیامبر و اهل بیت پاکش (علیه السلام) استغفار و عذرخواهی از خدای مهربان، به عنوان یکی از مهم ترین عوامل نجات از گرفتاری ها و بهترین سبب زدودن غم و اندوه معرفی شده است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در سخن زیبایی می فرماید: «مَنْ كَثُرَ هُمُومُهُ فَلْيَكْثِرْ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ(۲)؛ هر کسی غم و غصه اش زیاد است، باید زیاد استغفار کند.»

آن حضرت در عبارت دیگری میدان تأثیر استغفار را گسترده تر معرفی کرده و می فرماید: «عَلَيْكَ بِالِاسْتِغْفَارِ فَإِنَّهُ الْمُنْجَاةُ(۳)؛ بر تو باد به استغفار و عذرخواهی از خداوند که استغفار،

ص: ۲۰۳

۱- . نهج البلاغه، حکمت ۸۸.

۲- . نوادر راوندی، ص ۱۶.

۳- . همان، ص ۵.

نجات دهنده (انسان از مشکلات و سختی ها) است.» محمد بن ریان گوید: نامه ای به امام هادی (علیه السلام) نوشته و از آن حضرت دعایی خواستم برای رهایی از سختی هایی و بلاهایی که نازل می گردد و مشکلاتی که دست و پاگیر انسان می شود و در نامه ام تأکید کردم: همان گونه که پدران گرامی شان به دوستانشان مطالب خاصی را می آموختند، به من نیز دعایی مخصوص بیاموزند (که بهره فراوان ببرم)، حضرت در جواب چنین مرقوم فرمودند: «الزَّمِ الْإِسْمَ تَغْفَارًا؛ همیشه و در همه حال با استغفار همراه باش (و آن را ذکر کن!)» (۱) رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در کلام دلنشینی، برای نجات از غم و اندوه و تنگنای زندگی، به زیاد گفتن استغفار سفارش کرده است: «مَنْ أَكْثَرَ الْإِسْتِغْفَارَ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرْجًا وَمِنْ كُلِّ ضِيقٍ مَخْرَجًا وَرَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ (۲)؛ هر کسی زیاد استغفار کند خداوند، نسبت به هر غصه و اندوهی گشایشی برایش قرار دهد و از هر تنگنایی راه خروجی پیش پایش گذارد و از جایی که گمان ندارد او را روزی می دهد.»

در برخی از روایات استغفار عامل جلوگیری از بلاها بیان شده است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرمایند: «ادْفَعُوا أَبْوَابَ الْبَلَايَا بِالْإِسْتِغْفَارِ (۳)؛ درهای بلاها را با آمرزش خواهی ببندید.»

وسيله آمرزش بندگان

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) می فرمایند: «أَكْثِرُوا مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ

ص: ۲۰۴

۱- . سفینه البحار، ج ۶، ص ۶۵۸.

۲- . بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۷۲.

۳- . میزان الحکمه، ح ۱۵۰۸۳.

فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يُعَلِّمَكُمُ الْاِسْتِغْفَارَ إِلَّا وَهُوَ يُرِيدُ أَنْ يَغْفِرَ لَكُمْ (۱)؛

زیاد استغفار کنید؛ زیرا خداوند عزّ و جل استغفار را به شما یاد نداد، مگر برای این که می خواهد شما را بیامرزد.»

خداوند در آیه شریفه می فرماید: «وَ الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ (۲)؛ (بندگان خوب من) آن هایی هستند که هرگاه کار ناشایستی انجام دهند یا به خودشان ستم کنند، خدا را یاد می کنند و برای بخشش گناهان استغفار می کنند و جز خدا چه کسی گناهان را می آمرزد؟»

در کتاب «امالی صدوق» از امام صادق (علیه السلام) نقل شده: هنگامی که این آیه نازل شد و گناهکاران توبه کار را به آمرزش الهی نوید داد، ابلیس سخت ناراحت شد و تمام یاران خود را با صدای بلند دعوت کرد! آن ها از وی علت این دعوت را پرسیدند، او از نزول این آیه اظهار نگرانی کرد، شیاطین پیشنهاد هایی دادند که پذیرفته نشد، در این میان شیطانی بنام «وسواس خناس» گفت من مشکل را حل می کنم، ابلیس پرسید: از چه راهی؟ گفت: فرزندان آدم را با وعده ها و آرزوها، به گناه آلوده می کنم و هنگامی که مرتکب گناهی شدند، یاد خدا و استغفار و بازگشت به سوی او را از خاطر آن ها می برم، ابلیس گفت: راه همین است و این مأموریت را تا پایان دنیا بر عهده او گذاشت! (۳)

روشن است که فراموشکاری استغفار بهد از گناه، نتیجه

ص: ۲۰۵

۱- . دعوات راوندی، ص ۳۱.

۲- . آل عمران/ ۱۳۵.

۳- . امالی صدوق، ص ۴۶۵.

سهل انگاری و وسوسه های شیطانی است و تنها کسانی گرفتار آن می شوند که خود را در برابر وسواس خناس تسلیم کنند و به اصطلاح با او همکاری نزدیک نمایند! ولی مردان بیدار و با ایمان، کاملاً مراقبند که هرگاه خطایی از آن ها سرزد، در نخستین فرصت عواقب آن را با آب توبه و استغفار از دل و جان خود بشویند و دریچه های قلب خود را به روی شیطان و لشکر او ببندند که آن ها از درهای بسته قلب وارد نمی شوند!» (۱)

۴- نجات از قرض و پرداخت بدهی

یکی از مشکلات اقتصادی مسلمانان و مخصوصاً دوستان امیرالمؤمنین (علیه السلام)، گرفتار شدن به قرض و وام های درازمدت است که در موارد بسیار با ربا و سوددهی غیرمجاز همراه است و باعث خمودی و انحطاط فکری مسلمین و ضررهای سنگین مالی و سقوط در گرداب گناه گشته و عواقب سوئی را برای فرد و جامعه در بردارد و ضربه های سهمگینی بر پیکر نظام اقتصادی اجتماع وارد می سازد. از طرفی، اشخاص بسیاری برای بهبود زندگی خویش، ناچار به گرفتن وام بدون بهره هستند. این گونه وام گرفتن، هر چند ضرری به همراه ندارد؛ بلکه در بسیاری از اوقات گره های کور اقتصادی وام گیرندگان را باز می کند و برای وام دهندگان ثواب عظیم و برکات فراوانی را به دنبال دارد؛ اما فرورفتن در گرداب قرض و دست و پا زدن برای بازپرداخت وام، یکی از مشکلات سختی است که مؤمنان را در دنیا گرفتار و فکر آن ها را مشغول

ص: ۲۰۶

و عمرشان را کوتاه می کند؛ چرا که غم و غصه پرداخت اقساط ماهیانه و تأمین وجه چک هایی که به اشخاص مختلف داده است، برای کسی که قدرت پرداخت آن را ندارد، آرامش زندگی را سلب می کند و سلامت جسم و جان را به خطر می اندازد.

در کلمات نورانی اهل بیت (علیهم) برای رهایی از این مشکل و سهولت در پرداخت بدهی، راه هایی بیان شده که یکی از مهم ترین آن ها، زیاد استغفار نمودن و عذرخواهی کردن از خدا در ساعات شب و روز است. اسماعیل بن سهیل گوید: برای امام باقر (علیه السلام) نامه ای نوشتم، (مشکل خود را عنوان کردم) که گرفتار قرض سنگینی شده ام به گونه ای که فکرم را مشغول کرده و آبرویم را به خطر انداخته است. حضرت در جواب نامه ام نوشتند: «أَكْثِرْ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ وَ رَطِّبْ لِسَانَكَ بِقِرَاءَةِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ (۱)؛ زیاد استغفار کن و زیانت را به تلاوت سوره انا انزلناه تر و تازه گردان (سوره قدر را مرتب تلاوت کن)»

رسیدن به درجات بالای معنوی

حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند:

«إِنَّ الْإِسْتِغْفَارَ دَرَجَةٌ الْعَلِيِّينَ (۲)؛

همانا آمرزش خواهی، درجه علّیین [و الامقامان] است.»

چرا کسانی که اهل استغفار هستند به این درجه می رسند؟ اصلاً چرا ما باید از گناهانمان استغفار کنیم؟

فایده بزرگ استغفار این است که ما را از غفلت نسبت به خود باز می دارد. ما گاهی در مورد خودمان دچار اشتباه می شویم. آنگاه

ص: ۲۰۷

۱- . کافی، ج ۵، ص ۳۱۷.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۴۱۷، ص ۷۲۹.

که به فکر استغفار می افتیم، گناهان، خطاها، خیره سری ها، پیروی هایی که از هوای نفس کرده ایم، ظلمی که به نفس خودمان نموده ایم، ظلمی که به دیگران روا داشته ایم، جلوی چشم ما مجسم می شود و به یادمان می آید که چه کرده ایم؛ آن وقت از غرور، نخوت و غفلت فاصله می گیریم. این حالت بهترین استغفار است.

نقل شده فردی در نجف بود که اهل آزار مردم و اهل شراب و اعمال زشت بود. مرحوم قاضی طباطبایی (ره) با او رفیق می شود و خود را به او نزدیک می کند. این فرد به مرحوم قاضی می گوید: تو از من چه می خواهی؟ ایشان می گوید: هیچی، فقط امشب دو رکعت نماز شب بخوان. آن فرد می گوید: من نماز صبح هم نمی خوانم چه برسد به نماز شب. قاضی می گوید: امشب من تو را بیدار می کنم که نماز بخوانی.

این فرد به کمک آقای قاضی (ره) از خواب بیدار می شود و شروع می کند به نماز شب خواندن و تا الله اکبر می گوید، اشک از چشمانش سرازیر می شود و همین سبب توبه و بازگشت او می شود.

مرحوم قاضی (ره) در باره این شخص می فرماید: او با خدا قهر کرده بود و من او را با خدا در رودربایستی انداختم؛ و این زمینه ای شد تا استغفار و توبه کند.

۱۴- شاخصه های خانواده مطلوب از منظر اسلام

اشاره

ص: ۲۱۱

«مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ فَبَأَى آلَاءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانِ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْؤُ وَالْمَرْجَانُ (۱)»

ایجاد انگیزه

سخن از جایگاهی است که معمولاً همه انسانها آن را درک کرده و در زندگی آنان اثرگذار است. حتی فکر و خیال نبودن این جایگاه در مسیر زندگی افراد، دردآور است. آنچنان همگان با آن درگیر هستند و نسبت به آن شناخت دارند که ضرورتی برای تعریف و تبیینش وجود ندارد.

این جایگاه نقش اساسی در تعیین سبک زندگی و خط مشی آینده، اخلاق، سلامت و عملکرد فرد، ایفا می کند و اصل و بنیان زندگی انسان از این جایگاه شکل می گیرد.

روانشناسان، از تأثیرات روحی و روانی و نقش درمانی این جایگاه سخن می گویند و جامعه شناسان تأثیر اجتماعی آن را مورد بررسی قرار می دهند و معتقدند اولین تأثیرات محیطی که فرد دریافت

ص: ۲۱۳

می کند، از این جایگاه می باشد. آموزه های دینی همواره این جایگاه را مورد تأکید قرار داده و از نقش آن در سرنوشت افراد خبر می دهند و ریشه تمامی خوبی ها و بدی های افراد را در این جایگاه جستجو می کنند. از منظر اسلام این جایگاه، می تواند با تحکیم خود جامعه ای مستحکم و سالم را بسازد و افراد سالمی را تحویل اجتماع دهد. آری این جایگاه همان «خانواده» است. خانواده ای که مفهوم آن برای هرکسی قابل فهم و خاطره انگیز است؛ یا خاطره های شیرین و دل چسب و یا خاطره های تلخ و رنج آور! به راستی چرا خانواده این اندازه اهمیت دارد؟ اگر خانواده ای در سر راه زندگی افراد وجود نداشته نباشد، چه اتفاقی می افتد؟ رابطه خانواده با جامعه چیست؟ یک خانواده مطلوب چه شاخصه هایی دارد؟

متن و محتوا

خانواده نخستین نهاد اجتماعی است که در زندگی جمعی انسان شکل گرفته و مهم ترین نقش را در توسعه و رشد مراحل حیات بشر، در امتداد تاریخ انسان از خود نشان داده است و از ابتدا تا فرجام زندگی، نسبت به سایر نهادهای اجتماعی از اهمیت خاصی برخوردار است. پیامبر اسلام میلان با اشاره به مقوله

ازدواج» به عنوان مقدمه تشکیل خانواده می فرمایند:

« ما بنی بناء فی الاسلام حب الی الله تعالی من التزویج ؛ در اسلام بنیادی نهاده نشده است که نزد خدا از ازدواج

ص: ۲۱۴

شاخصه های خانواده مطلوب از نظر اسلام

اشاره

امام صادق در تفسیر آیه شریفه

«مرج البحرين يلتقيان...» برخی از شاخصه های خانواده مطلوب را چنین بیان فرموده است: «علی و فاطمه بحران عمیقان لا یبغی أحدهما علی صاحبه یخرج منها اللؤلؤ و المرجان قال الحسن والحسين عليهما السلام؛ علی و فاطمه در دریای عمیق هستند که هیچ یک بر دیگری تجاوز نمی کند و از این دو دریا، لؤلؤ و مرجان یعنی حسن و حسین خارج شده اند.»

۱- رعایت حدود الهی

یکی از مهم ترین شاخصه های خانواده مطلوب، «رعایت حدود الهی» است. قرآن کریم درباره آثار رعایت حدود الهی می فرماید:

« تلک حدود الله و من یطع الله و رسوله یدخله جنات تجری من تحتها الأنهار خالدين فیها و ذلک الفوز العظیم؛ این ها مرزهای الهی است و هر کسی خدا و پیامبرش را اطاعت کند، (و قوانین او را محترم بشمرد)، خداوند وی را در باغ هایی از بهشت وارد می کند که همواره، آب از زیر درختانش جاری است، جاودانه در آن می مانند و این پیروزی بزرگی است.»

آیه دیگری به عواقب عدم رعایت حدود الهی اشاره کرده و می فرماید:

«تلك حدود الله وللكافرين عذاب أليم؛ اینها مرزهای الهی است و کسانی که با آن مخالفت کنند، عذاب دردناکی دارند.»

نگاهی به خانواده های نا اهل ذکر شده در قرآن بیانگر آن است که شکستن حدود الهی و همراهی خانواده در گناه نیز باعث خذلان و عذاب الهی میگردد؛ از جمله خانواده های که به علت شکستن حریم الهی در آتش دوزخ خواهند سوخت، ابولهب و همسرش است که به آزار و اذیت رسول خدا مینه پرداختند و تا جایی این آزار پیش رفت که سوره «مسد» در مورد آنها نازل شد به این زن و شوهر وعده آتش داده شده:

«تبت یذا أبی لهب وتب ما أغنی عنه ماله وما کسب سیصلی نارا ذات لهب وامرأته حماله الحطب فی جیدها جبل من مسد؛ بریده باد دودست ابولهب و مرگ بر او باد؛ دارایی او و آنچه اندوخت سودش نکرد؛ به زودی در آتشی پرزبانه در آید؛ وزنش آن هیمه کش [آتش افروز]، برگردنش طنابی از لیف خرماست.»

خانواده مطلوب در سبک زندگی شان، خود را ملتزم به انجام واجبات الهی و ترک محرمات الهی می داند. آن ها برای کسب رضایت یکدیگر حاضر به انجام حرام الهی نیستند و خشنودی همسر را در رضایت الهی می دانند آنان برای هوای نفس، دست به حرام الهی نمی زنند. متأسفانه در سبک زندگی غربی که امروزه از طریق شبکه های

ماهواره ای در حال ترویج است، خیانت همسران به یکدیگر را عادی سازی کرده و در پی آن هستند تا با استفاده از هنرهای شیطانی و سریال های تلویزیونی مبتذل بنیان خانواده را سست کنند؛ اما خانواده مطلوب اسلامی هرگز اجازه ورود این برنامه ها به حریم خانواده گی خود نمی دهند. خداوند در قرآن کریم مؤمنان را از ورود به این پرتگاه نهی کرده است:

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ؛ به مؤمنان بگو چشم های خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند و عفاف خود را حفظ کنند.»

خانواده اسلامی، علاوه بر پرهیز از محرمات الهی، خود را ملزم به انجام واجبات می داند. یکی از واجبات الهی که در قرآن از آن به عنوان حدود الهی ذکر شده «روزه» است که در هوای گرم، عمل بسیار مشکلی می باشد. خانواده مطلوب این حد الهی را در این هوای گرم در ماه رمضان به زیباترین وجه رعایت کرده و فرزندان خود را نیز به این عمل تشویق و ترغیب می کنند.

امام باقر می فرماید: «ما کودکان خود را وقتی پنج ساله اند، به نماز امر میکنیم؛ ولی شما کودکان را وقتی هفت ساله شدند، به نماز امر کنید. ما کودکان خود را وقتی هفت ساله اند، به روزه وامیداریم؛ به اندازه ای که توان دارند، چه تانصف روز باشد یا بیشتر یا کمتر. وقتی تشنگی و گرسنگی بر آنان چیره شد، افطار میکنند تا اینکه به روزه، عادت کنند و توان آن را بیابند. آن حضرت در ادامه می فرماید:

ص: ۲۱۷

«فمروا صبیانکم اذا کانوا بنی تسع سنین بالصوم ما استطاعوا من صیام الیوم فاذا غلبهم العطش افطروا؛ ولی شما کودکانتان را وقتی نه ساله شدند، به اندازه ای که توان دارند، به روزه وا دارید و وقتی تشنگی بر آنان چیره شد، افطار کنند.»

خانواده مطلوب جهت حفظ حریم های الهی، رضایت خداوند را بر رضایت اقوام، همسایگان و حتی اعضاء خانواده، مقدم داشته و در مهمانی ها و جشن ها به دنبال کسب رضایت الهی هستند نه، خوشحالی چند روزه افراد!

۲. رعایت حقوق همدیگر

اشاره

در گزاره های اسلامی برای هر یک از اعضاء خانواده، حقوقی بیان شده است حقوق همسران بر یکدیگر، حقوق فرزندان بر والدین و برعکس:

الف) حقوق زنان

امام صادق علیه السلام فرمودند: «حق زن بر شوهر غذا دادن، لباس پوشاندن، با او خوش رفتاری کردن و روتش نکردن است. اگر مردی چنین رفتاری نماید، وظیفه شرعی خود را درازای حقوق همسرش به انجام رسانده است.»

ب) حقوق مردان

از امام باقر علیه السلام به روایت شده که زنی به نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد

ص: ۲۱۸

و عرض کرد: ای رسول خدا! حق مرد برزن چیست؟ حضرت فرمودند: «اینکه او را اطاعت کند و سرپیچی از اطاعت ننماید و از خانه چیزی را بی اجازه او صدقه ندهد و بی اجازه او، روزه مستحبی نگیرد و در هر حال در امرناشویی او را ممانعت نکند و از منزل خارج نشود؛ مگر به اجازه او و اگر بدون اجازه او از خانه خارج شود، ملائکه آسمان و زمین و فرشته غضب و رحمت او را لعنت میکنند تا وقتی که به منزل بازگردد.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایتی فرمودند: «هر زنی که شوهرش را با زبان اذیت کند، از او هیچ توبه، فدیة و حسنه ای قبول نمی شود تا اینکه شوهر از حق او راضی شود، اگرچه روزها را روزه بدارد و شب ها را در عبادت باشد، بنده ها آزاد کند و اسب های نیکودر راه خدا برای جهاد بدهد، پس او اول کسی است که وارد آتش می شود و همچنین اگر مردی نسبت به زنش، ظالم و ناسازگار باشد و او را اذیت کند.»

ج) حقوق فرزندان

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:

«من حق الولد علی والده ثلاثه یحسن اسمه و یعلمه الکتابه و یزوجه اذا بلغ؛ از حقوق فرزند بر پدر و مادرش سه مورد است: یکی آنکه اسم زیبایی برای او انتخاب کنند، دیگری آنکه خواندن و نوشتن به او بیاموزند و یکی دیگر اینکه وقتی بالغ

شد مقدمات ازدواجش را فراهم کنند.) همچنین از آن حضرت روایت شده: «حق فرزند بر پدر، در صورتی

که پسر باشد، آن است که مادرش را مسرور گرداند و نام او را نیکو قرار دهد و کتاب خدا را به او بیاموزد و او را پاکیزه نگاه دارد و شنا کردن را به او تعلیم دهد و اگر دختر باشد، این است که مادرش را خشنود گرداند و نامش را نیکو نهد و سوره نور را به او تعلیم دهد.»

(د) حقوق والدین

ابراهیم بن مهزم میگوید: مادرم بامن زندگی می کرد. شبی در خانه به خاطر موضوعی با مادرم مجادله کرده و سخن درشت و ناهنجاری به او گفتم. فردای آن روز بعد از ادای نماز صبح، به محضر امام صادق علیه السلام مشرف شدم. هنگام ورود بدون آنکه حرفی زده باشم، امام به من فرمودند: ای پسر مهزم! شب گذشته با مادرت تند و خشن صحبت کردی. آیا نمیدانی شکم او مدتها منزل و آغوشش گهواره و سینه اش ظرف غذای تو بوده است. (او هستی اش را در اختیار تونهاده بود). چرا با او به تندی سخن گفتی، دیگر چنین مکن!»

شخصی میگوید مسیحی بودم و در مسیحیت متعصب، مسلمان شدم و با شادمانی به مکه رفتم، خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدم، فرمودند: اگر پریشانی داری، بپرس.

عرض کردم: خانواده ام مسیحی هستند، تنها مسلمان آن خانواده من هستم، مادرم کور شده، من به ناچار با آنان زندگی میکنم، زیرا پدر و مادرم جز من کسی را ندارند، دوست دارند با آنها هم غذاشوم و از ظرف آنان آب بخورم، فرمودند: پدر و مادرت گوشت خوک

می خورند، گفتم نه . با خوک تماسی دارند؟ گفتم: نه. فرمودند: از آن خانه بیرون نرو. از پدر و مادرت جدا مشو، به مادرت خدمت کن، کارهایش را انجام بده، او را به حمام و دستشویی ببر، لباسهایش را عوض کن، لقمه به دهانش بگذار! | وقتی به کوفه برگشتم تمام دستورات حضرت را نسبت به مادر عمل کردم، مادرم به من گفت: حقیقت را به من بگو، آیا مسلمان شده ای؟ گفتم: آری و این همه خدمت و محبت به دستور امام زمانم فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله حضرت صادق است. مادرم گفت: او خود پیامبر است. گفتم: نه او امام ششم و زاده رسول حق است، گفت: نه! این کارهایی که در حق من انجام میدهی دستور انبیاء خداست، در هر صورت من کورم، درعین کوری می فهمم که دین تو از دین من بهتر است، من را هم به دین خودت راهنمایی کن، مادرم را به عرصه گاه مسلمانی آوردم. نماز ظهرش را با من خواند، وقت مغرب به من گفت بازنماز بخوان تا با تو بخوانم، زیرا من از برنامه ظهر لذت بردم، نماز مغرب را با من خواند و پس از نماز از دنیا رفت، یادم آمد که حضرت فرمود: اگر مادرت از دنیا برود خودت دفنش کن، شیعیان را اول صبح خبر کردم، گفتند به کشیش بگو، گفتم مسلمان شده بود، به من کمک کردند تا کارهایش انجام گرفت .

حضرت باقر علیه السلام می فرمایند: «جوانی در زمان زنده بودن پدر و مادرش به آنان زیاد خدمت می کند، پس از مرگ در وصیت پدر و مادر این جمله را می بیند، فرزندم مقداری مدیون هستیم، از عهده پرداختش برنیامدیم، تو از جانب ما این دین را ادا کن،

پسر می گوید: دیون شما هیچ ربطی به من ندارد، می خواستند خودشان در زمان حیات، بدهی خود را ادا کنند، او از حضرت حق حتی برای آنان طلب مغفرت هم نمی کند، خداوند دستور می دهد وی را از جمله عاق شده ها ثبت کنند و فرزندى در حیات پدر و مادر عاق است؛ ولی پس از مرگ آن ها دینشان را ادا می کند و برای آنان طلب مغفرت می نماید، جزء نیکوکاران به پدر و مادر ثبت می شود.»

در کتاب امالی از حضرت صادق روایت شده که موسی در سایه عرش چهره ای زیبا دید. عرضه داشت:

«من هذا الذى قد أظله عرشك؛ اینکه عرش سایه بر سرش انداخته کیست؟ خطاب رسید شخصی است که به پدر و مادرش زیاد نیکی کرده و پرونده اش از نامی و دو به هم زنی پاک بوده است.»

تربیت نسل صالح

در روایتی که در ابتدای مطلب بیان شد، امام صادق در تطبیق آیه «يُخْرِجُ مِنْهُمَا الْوَلَدَ وَالْمَرْجَانَ» امام حسن و امام حسین را به عنوان لؤلؤ و مرجان معرفی می کند.

فرزندان خانواده برتراسلامی، نمونه کاملی از تربیت شدگان مکتبی اند. فرزندان در چنین خانواده ای از اوان کودکی تربیت دینی و اخلاقی می شوند؛ راه و رسم خوب زیستن را می آموزند؛ با شخصیت و عزتمند بار می آیند و انسانی صالح می شوند و قدم به عرصه اجتماع میگذارند و منشا آثار و برکات فراوان می گردند.

ص: ۲۲۲

تربیت دو رکن دارد: نخست عشق و عاطفه و دیگری علم و آگاهی.

در خانواده اسلامی زن و شوهر از هر دو رکن تربیت برخوردارند؛ آن‌ها از جهت عشق و محبت به فرزند و علاقه مندی به سرنوشت او ثروتمند هستند و از لحاظ علم و دانش از بالاترین اطلاعات برخوردارند. می‌دانند که کودک از نظر روانی چه خواسته‌هایی دارد و چگونه باید به خواسته‌هایش پاسخ داد. میدانند چگونه باید به کودک ابراز محبت کرد و چه مقدار باید به او محبت شود. فرزند در این خانواده‌ها مورد تکریم قرار می‌گیرد.

والدین در خانواده مطلوب اسلامی برای تربیت فرزندان خود، برنامه‌ریزی می‌کنند زیرا آنان کودک را همچون مانند نهالی می‌دانند که می‌توان آن را به هر سویی تمایل داد.

در این راستا پدر و مادر موظف اند در زمینه شکوفایی استعدادهای خدادادی فرزندان، بسترهای مناسب را فراهم آورند. شیخ جعفر شوشتری قد از نظر علم و عمل به مقامات عالی‌رسان رسید، نفوذ سخن و رفتار او در مردم نفوذی عجیب بود. از مادرش پرسیدند: آیا به داشتن چنین فرزندی دل خوش هستی؟ گفت: نه! گفتند: چرا؟ گفت: من برای یک بار در مدت دو سال او را بدون وضو و طهارت شیر ندادم و در آغوش نگرفتم، آرزویم این بود حضرت امام جعفر صادق لب شود، ولی جعفر شوشتری شد! گویند شیخ مفید در عالم رؤیا دید که فاطمه زهرا علیها السلام حسنین علیهما السلام را پیش او آورده و می‌فرماید: «یا شیخ علمهما الفقه؛ ای شیخ! به ایشان فقه بیاموز.»

ص: ۲۲۳

فردا صبح همان شب، فاطمه مادر سید مرتضی و سید رضی، دو پسر خود را که در آن موقع خردسال بوده اند پیش شیخ می آورد و همان عبارت مذکور در رؤیا را به زبان بیان می کند: «ای شیخ! ایشان پسران من اند، این ها را پیش تو آورده ام که فقه تعلیمشان دهی.»

آری خانواده مطلوب اسلامی نه تنها به فکر رشد و هدایت خویش و فرزندانشان می باشند، بلکه دغدغه هدایت دیگران را نیز در سر دارند و در پی این هستند تا فرزندان تربیت کنند که بتوانند خادم دیگران باشند و خود در زمره سربازان امام زمان قرار گیرند.

ص: ۲۲۴

۱۵- آثار و برکات انفاق

اشاره

ص: ۲۲۷

«مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (۱)

ایجاد انگیزه

ایجاد انگیزه (۲)

عید است و یا نیمه ماه رمضان است؟

از هر دو بگویم که هم این است و هم آن است

عیدی که به ماه رمضان داد تجلی

ماهی که در آن روی خداوند، عیان است

ریزد در مدح حسن از درج دهان ها

یا نام دل انگیز حسن، نقل دهان است

این بضعه پیغمبر و این یوسف زهراست

این جان جهان جان جهان جان جهان است

در بین امامان به کرامت شده مشهور

یک گوشه ز بیت الکرمش باغ جنان است

ص: ۲۲۹

۱- . بقره ۲۱۶.

۲- . روش ضرورت مطلب.

با چشم خیالش منگر فوق خیال است

در حق گمانش نشمر فوق گمان است

گر پایه قدرش نگری فوق گمان ها

ور مدّت عمرش نگری کلّ زمان است

در خال و خطش هر چه بخوانید و ببینید

از بوسه پیغمبر اسـلام نشـان است

با توجه به مناسبتی که در آن به سر می بریم، به جاست که از کرم و سخاوت کریم اهلیت (علیهم السلام) سخن گفته شود
صفتی که بارزترین ویژگی امام مجتبی (علیه السلام) می باشد و بهترین سرمشق برای دوستداران اوست.

آن حضرت به بهانه های مختلف، همه را از خوان کرم خویش بهره مند می ساخته و آن قدر بخشش می کرد تا شخص
نیازمند بی نیاز می شد، زیرا بر اساس تعالیم اسلام، بخشش باید به گونه ای باشد که فرهنگ گدایی را ریشه کن سازد و در
صورت امکان، شخص را از جرگه نیازمندان بیرون کند.

سخاوت و انفاق های امام حسن مجتبی (علیه السلام) زبانزد و دارای اشتهار تاریخی و نمونه های فراوانی از آن ضبط و ثبت
شده است. بنابر مستندات تاریخی، آن حضرت دو مرتبه همه ثروت خود را در راه خداوند خرج کرد و سه مرتبه همه اموال
خود را در راه خدا، به دو نیم تقسیم نموده؛ نیمی را برای فقرا و نیمی را برای خویش نگه داشتند.^(۱)

حال با توجه به شعار سال، آیا می توان گفت که انفاقات و

ص: ۲۳۰

۱- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱۵.

صدقات اقدامی عملی در تحقق شعار اقتصاد مقاومتی است یا خیر؟ آیا دستگیری از محرومان و مستضعفان جامعه تاثیری در رونق اقتصادی کشور دارد؟ اگر مردم کشور ایران این سیره حضرت را الگو قرار دهند چه آثار و برکاتی در زندگی شان به دنبال خواهد داشت؟ در صورتی که شخصی از این سیره امام حسن مجتبی (علیه السلام) الگو نگیرد و انفاق نکند، چه پیامدهایی زندگی او را تهدید می کند؟

متن و محتوا

مقوله انفاق از جمله مفاهیم ارزشمندی است که در آموزه های دینی به خصوص آیات قرآن کریم، مورد توجه و عنایت ویژه ای قرار گرفته است. قرآن کریم با تعابیر گوناگونی انسان های مؤمن و پرهیزگار را به انفاق و رسیدگی به امور انسان های فقیر و مستضعف، توصیه و سفارش نموده است. (۱)

البته انفاق اختصاص به امور مالی نیست، بلکه انفاق های غیر مالی نیز نوع دیگری از انفاق هستند. در روایات آمده: اگر راه عبور و مرور مردم را باز نگه داری و سد معبر را از بین ببری نوعی انفاق است، اگر کسی از تو آدرسی را بپرسد و تو او را به درستی راهنمایی کنی؛ انفاق است، عیادت از مریض، امر به معروف و نهی از منکر و حتی جواب سلام دادن نیز انفاق است. (۲)

آثار و برکات انفاق

اشاره

این سبک ارزشمند اگر رعایت شده و به آن عمل شود، آثار و

ص: ۲۳۱

- ۱- . سوره های ذاریات آیه ۱۹؛ نحل آیه ۹۶؛ نمل آیه ۸۹؛ انعام آیه ۱۶۰.
- ۲- . مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ج ۷، ص ۲۴۲ و بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۸۲.

کارکردهای فراوانی در عرصه های فردی و اجتماعی، مادی و معنوی و ... در پی خواهد داشت که برخی از آن ها عبارت اند از:

الف) آثار دنیوی

۱. افزایش رزق و روزی

باتوجه به آیات و روایات، انفاق و کمک های مالی به نیازمندان اگر برای رضای خدا باشد، باعث خیر و برکت و گشایش رزق و روزی خواهد شد.

خداوند متعال می فرماید: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۱)»؛ مثل کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه، یکصد دانه باشد و خداوند آن را برای هر کسی بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، دو یا چند برابر می کند و خدا (از نظر قدرت و رحمت)، وسیع، و (به همه چیز) داناست.»

در این آیه خداوند کسانی را که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند به دانه ای تشبیه کرده که در زمین حاصل خیزی رشد و نمو می کند، به هفت خوشه تبدیل شده و در هر خوشه صد دانه جای می گیرد. به تعبیری انفاق هفتصد برابر پاداش دارد و این ثواب ها از خزانه غیب الهی می آید که گستره اش را کسی درک

ص: ۲۳۲

نمی‌کند؛ البته آنچه در این آیه، مورد تشبیه واقع شده، اختلافی است، برخی آن را مال انفاق کننده گرفته‌اند و برخی دیگر همچون «آیت الله مکارم شیرازی»، آن را شخص انفاق کننده گرفته‌اند که کمال و شخصیت و ارزش‌های انسانی او چند برابر می‌شود. (۱) اما هرچه انفاق خالصانه‌تر باشد علاوه بر داشتن نفع مادی برای نیازمندان، سود معنوی و رشد پاک‌تر و بیشتری برای انفاق کننده دارد.

البته در آیه فوق می‌توان هر دو برداشت را داشت و رشد مال و افزایش در رزق و روزی صدقه دهنده را نیز مشبه گرفت. مؤید این نظر، روایت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است که فرمودند: «تَصَيَّدُوا فَمَا إِنَّ الصَّدَقَةَ تَزِيدُ فِي الْمَالِ كَثْرَةً وَ تَصَيَّدُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ (۲)؛ صدقه بدهید، زیرا صدقه مال را افزایش می‌دهد. صدقه بدهید، خدا شما را رحمت کند.»

برای روشن شدن این مطلب می‌توان به این مثال نیز توجه کرد: آبخوری‌های مرغداری‌ها به گونه‌ای است که هر وقت آب آن مصرف شود، آب جاری می‌شود لذا هرچه جوجه‌های بیشتری به آن نوک بزنند، آب بیشتری در کاسه جمع می‌شود. در مورد انفاق هم وضع به همین منوال است، انسان به هر مقدار که نان خور دور او باشد، روزی بیشتری نصیبش می‌شود، اما اگر سفره‌اش را بست و جلوی مصرف را گرفت، روزی هم بند می‌آید. (۳)

سه روز بود که در خانه حضرت علی (علیه السلام) غذایی پیدا نمی‌شد. حضرت فاطمه (علیها السلام) پیراهن خود را به امام علی (علیه السلام) تقدیم کرد تا

ص: ۲۳۳

۱- . مثال‌های زیبای قرآن، ص ۱۰۶.

۲- . کافی، ج ۴، ص ۹.

۳- . حائری شیرازی، تمثیلات، ج ۲، ص ۱۶۷.

آن را بفروشد. آن حضرت پیراهن را به شش درهم فروختند. در میانه راه، فقیری درخواست کمک کرد. امیرالمؤمنان (علیه السلام) آن شش درهم را به او بخشیدند.

پس از این جریان، مردی ناشناس، سوار بر شتر در برابر حضرت ظاهر شد و عرض کرد: ای ابوالحسن! این شتر را از من خریداری کن. علی (علیه السلام) فرمود: من پول خرید شتر را ندارم؛ اما مرد ناشناس اصرار کرد که حاضر است آن شتر را به صد درهم و به نسیه بفروشد، امام (علیه السلام) قبول کرد و شتر را به نسیه خرید. در مسیر راه، با مرد عربی روبرو شد. از امام علی (علیه السلام) خواست تا شتر را به او بفروشد. علی (علیه السلام)

قبول کرد و آن مرد عرب شتر را به صد و شصت درهم خرید.

امیر مومنان (علیه السلام) هنوز به خانه نرسیده بودند که مرد اولی را دوباره ملاقات کرد، صد درهم او را پرداخت و به خانه آمد. شصت درهم باقی مانده را به حضرت زهرا (علیها السلام) تقدیم کرد و سپس فرمود: شش درهم را با خدا معامله کردم و در برابر آن، خداوند شصت درهم به من عطا کرد. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) که شاهد جریان بودند تبسمی نموده و فرمودند: آن مرد ناشناس اول، حضرت جبرئیل امین و مرد ناشناس دوم حضرت میکائیل بود. (۱)

خداوند متعال با اشاره به عواقب شوم بی توجهی به بندگانش، در سوره قلم داستانی را بیان می فرماید: «مردی هر سال هنگام برداشت میوه باغ خود، فقرا را بی نصیب نمی گذاشت. فرزندان او پس از مرگش راه دیگری پیش گرفتند و برای فرار از چشمان ملتمس فقرا بنا گذاشتند تا سحرگاه میوه ها را جمع آوری کنند. سحرگاه موعود که فرا رسید، با باغی مواجه شدند که صاعقه آن را

ص: ۲۳۴

به خاکستر تبدیل کرده بود و به فرموده قرآن: «فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ (۱)؛ پس آن باغ سرسبز، هم چون شب سیاه و ظلمانی شد.»

چون تیشه مباحش و جمله بر خود متراش

چون رنده ز کار خویش بی بهره مباحش

تعلیم زاره گیر در کار معاش

چیزی سوی خود می کش و چیزی می پاش (۲)

با تضمینی که خداوند برای انفاق بیان فرموده، آیا جای شک و تردید برای ما باقی می ماند تا از معامله با خدا سرباز زنیم؟

۲- تعادل اقتصادی بین قشرهای مختلف

از جمله معضلات بزرگ اجتماعی در هر عصری، فقر، محرومیت و نظام های طبقاتی است که در سایه شوم تبعیض و بی عدالتی رشد و نمو می نماید و بر روابط انسان ها سایه افکنده، مشکلات فراوانی را در سطح جامعه به وجود می آورد. انفاق به معنی عام آن، از جمله ابزاری است که می تواند تا حدود زیادی بر روابط اقتصادی انسان ها و اقشار مختلف جامعه، تأثیر داشته و تعدیل ایجاد نماید و فاصله های طبقاتی را کمتر نموده و یا به کلی نابود سازد.

با توجه به نقش انفاق و رسیدگی به امور نیازمندان، خدای سبحان خطاب به ثروتمندان جامعه می فرماید: «وَلَا يَأْتَلِ أُولُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَىٰ وَ

ص: ۲۳۵

۱- [۲]. قلم / ۲۰.

۲- . احمد جامی.

آن ها که از میان شما دارای برتری [مالی] و وسعت زندگی هستند نباید سو گند یاد کنند که از انفاق نسبت به نزدیکان و مستمندان و مهاجران در راه خدا دریغ نمایند.»

اگر ثروتمندان جامعه، بخشی از سرمایه خود را برای سر و سامان دادن به زندگی فقرا و نیازمندان اختصاص داده و صرف کنند، علاوه بر اجر و پاداش معنوی، به خود و حفظ ثروت خویش نیز کمک کرده و جلوی بخش عمده ای از ناامنی ها را که زائده و مولود فقر و تهی دستی است، خواهند گرفت. افراد خلاف کار اگر از لحاظ اقتصادی تأمین شوند، اکثرشان دست از خلاف کاری برداشته و سر در خط قانون خواهند نهاد و مثل بقیه به زندگی عادی و معمولی بازخواهند گشت.

بنابراین انفاق، قبل از آن که به حال محرومان، مفید باشد، به نفع ثروتمندان خواهد بود، زیرا تعدیل ثروت، حافظ ثروت است.

قرآن یکی از آثار مهم صدقه را ایجاد و گسترش امنیت در جامعه می داند. کسانی که در راه خدا انفاق می کنند، این فرصت را به دیگر اعضای جامعه می دهند تا از نظر مادی و معنوی به یکدیگر نزدیک شوند، چرا که گسترش تضادهای طبقاتی و افزایش آن، زمینه را برای ایجاد بحران داخلی فراهم می آورد و دشمن را برای هجوم ترغیب می کند.

خداوند می فرماید:

ص: ۲۳۶

«وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۱)؛ در راه خدا انفاق کنید و با دستان خویش، خود را به هلاکت نیاندازید و نیکی کنید به راستی که خدا نیکوکاران را دوست دارد.»

نقل شده امام حسن مجتبی (علیه السلام) به همراه امام حسین (علیه السلام) و عبدالله بن جعفر، به زیارت خانه خدا رفتند. در راه برای رفع تشنگی و گرسنگی به چادر صحرایی پیرزنی پناه بردند که شیر تنها گوسفندش را که تمام سرمایه زندگی اش بود، برای رفع تشنگی آن ها و گوشتش را بعد از سر بردن برای سیر شدن به ایشان داد. بعد از سال ها که خشکسالی شد. این پیرزن به همراه همسرش به مدینه هجرت کردند و پیرزن مشغول گدایی شد. امام حسن (علیه السلام) او را دید و شناخت. آن حضرت دستور داد تا اموال فراوانی از جمله هزار مثقال طلا به او بدهند و امام حسین (علیه السلام) نیز همین مقدار به او کمک کرد. (۲)

در این جریان زمانی که امام حسن و امام حسین (عل) نیازمند آشامیدنی برای رفع عطش بودند، پیرزن به آن ها کمک کرد و در زمان خشک سالی، این بزرگواران به پیرزن کمک کردند و این امر سبب تعادل واقع شدن بین این دو گروه شد.

۳- آرامش روحی و روانی

دغدغه اصلی انسان ها در طول تاریخ، رسیدن به آرامش بوده است، تلاش آنان از ابتدای خلقت تا حال، متوجه این اصل بوده

ص: ۲۳۷

۱- . بقره/ ۱۹۵.

۲- ۱. بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۳۴۸.

که چه تدبیری بیندیشند تا بتوانند آرامش را برای خود و نزدیکان خویش فراهم سازند.

خدای سبحان می فرماید: «الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ(۱)؛ آن ها که اموال خود را، شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می کنند، مزدشان نزد پروردگارشان است؛ نه ترسی بر آن هاست و نه غمگین می شوند»

در آیه دیگری می خوانیم: «وَمَثَلُ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكْلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يَصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ(۲)؛ و (کار) کسانی که اموال خود را برای خشنودی خدا و تثبیت (ملکات انسانی در) روح خود، انفاق می کنند، همچون باغی است که در نقطه بلندی باشد و باران های درشت به آن برسد، (و از هوای آزاد و نور آفتاب، به حد کافی بهره گیرد) و میوه خود را دو چندان دهد (که همیشه شاداب و با طراوت است). و خداوند به آنچه انجام می دهید، بیناست.»

در این آیه نیز خداوند در مثالی زیبا انفاق کنندگان را همچون باغ خودشان خرم و زنده دل معرفی کرده و انفاقشان تا این اندازه پر ثمر است.

ص: ۲۳۸

۱- . بقره / ۲۷۴.

۲- . بقره / ۲۶۵.

انگیزه این افراد از صدقه دادن، رشد کمالات نفسانی همچون ایثار، سخاوت، نوع دوستی و... است که به منظور تقویت هرچه بیشتر گام هایشان انجام می شود. برخی از مفسران جمله «و تَثْبِيْتًا مِّنْ اَنْفُسِهِمْ» را به آرامش تفسیر کرده اند که پس از انفاق برای انفاق کننده و سپس برای انفاق شونده و به طور کلی برای جامعه حاصل می شود؛ بنابراین انفاق کنندگان واقعی کسانی هستند که تنها به خاطر خشنودی خدا و پرورش فضائل انسانی و تثبیت این صفات در درون جان خود و همچنین پایان دادن به اضطراب و ناراحتی هایی که بر اثر احساس مسئولیت در برابر محرومان در وجدان آن ها پیدا می شود اقدام به انفاق می کنند. (۱)

روزی شخصی به خدمت امام حسن (علیه السلام) آمد و عرض کرد: ای فرزند امیرالمؤمنین (علیه السلام)! من دشمن بی رحم ستمکاری دارم که حرمت پیران را نگه نمی دارد و بر خردسالان رحم نمی کند. حضرت چون این سخن را شنید فرمودند: بگو دشمن تو کیست تا انتقام تو را از او بگیرم! گفت: دشمن من تهی دستی و پریشانی است. حضرت لحظه ای سر به زیر افکند، سپس خادم خود را طلبید و فرمودند: آنچه از مال نزد ما مانده است، حاضر کن. او پنج هزار درهم آورد، حضرت همه آن درهم ها را به او داد و او را سوگند داد که هر وقت که این دشمن بر تو ستم کرد، شکایت او را پیش من بیاور تا من دفع ستم او از تو بکنم. (۲)

ب: آثار اخروی انفاق

۱. آموزش گناهان

همه انسان ها به جز انبیاء و اولیای الهی، در زندگی خود،

ص: ۲۳۹

۱- . تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۲۶.

۲- . العدد القویه، ص ۳۵۹.

دچارخطا و لغزش شده و گناهان کوچک و بزرگی را مرتکب می شوند، از جمله ابزاری که باعث می شود انسان آثار گناه و خطاهایش را از بین ببرد، حتی آن را تبدیل به حسنات نماید، انفاق و بخشش در حق بندگان خدا و خدمت به مخلوقات الهی است. (۱)

در سوره مائده می خوانیم:

«أَفْرَضْتُمْ اللَّهَ قَرْضًا حَسِينًا لَأَكْفِرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ لَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (۲)؛ به خدا قرض نیکو بدهید [در راه او، به نیازمندان کمک کنید]، گناهان شما را می پوشانم [می بخشم] و شما را در باغ هایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است، وارد می کنم؛ اما هر کسی از شما بعد از این کافر شود، از راه راست منحرف گردیده است.»

۲- خیر و سعادت ابدی

عمده ترین اثر انفاق و رسیدگی به امور نیازمندان واقعی، خیر و سعادت ابدی و حسن عاقبت و فرجام نیکی است که نصیب انسان های خیر و نیکوکار خواهد شد.

در قرآن آمده:

«وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرُونَ بِالْحَسَنَةِ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ (۳)؛ کسانی که به خاطر ذات (پاک) پروردگارشان شکیبایی می کنند و نماز را برپا می دارند و از آنچه به آن ها

ص: ۲۴۰

۱- فرهنگ قرآن، ج ۵، ص ۲۵۵.

۲- مائده/۱۲.

۳- رعد/ ۲۲ _ ۲۴.

روزی داده ایم، در پنهان و آشکار، انفاق می کنند و با حسنات، سیئات را از میان می برند پایان نیک سرای دیگر، از آن آن هاست ... (همان) باغ های جاویدان بهستی که وارد آن می شوند و همچنین پدران و همسران و فرزندان صالح آن ها و فرشتگان از هر دری بر آنان وارد می گردند ... (و به آنان می گویند): سلام بر شما به خاطر صبر و استقامتان! چه نیکوست سرانجام آن سرا (ی جاویدان)!

ص: ۲۴۱

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

